



جلسه مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۸ شورای نگهبان

فهرست مطالب

۲	مقدمه
	لایحه بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه (اعاده شده از شورای نگهبان)
۳	طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دوره های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه ها و مراکز آموزشی عالی کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)
۵۳	طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (اعاده شده از شورای نگهبان)
۵۸	لایحه اصلاح ماده (۸) قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران
۶۱	لایحه اصلاح قانون نحوه جبران زحمات و خسارات کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست در ارتباط با جرایم زیست محیطی
۶۳	لایحه اصلاح قانون بیمه عمر و حوادث پرسنل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان های تابعه یا وابسته به آنها
۷۲	لایحه اعتبار اسناد عادی وام های پرداختی شرکت های تعاونی روستایی، عشایری و صیادی به اعضا
۸۱	طرح الحاق یک تبصره به ماده (۲۲) قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران
۸۳	طرح الحاق یک تبصره به ماده (۵۰۵) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)
۸۵	لایحه حمایت از حقوق معلولان (اعاده شده از شورای نگهبان)
۹۴	

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای آحاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکيدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثار علمی می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

لایحه بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «لایحه بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه (اعاده شده از شورای نگهبان)»^(۱)

آقای عزیزاده - اولین ایراد ما [در نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۵۸۱۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۳] به این مصوبه، این بوده است: «۱- در بند (ث) ماده یک،^(۲) چنانچه معادل فارسی واژه‌های «ریلی»، «واگن» و «تریلر» وجود دارد، ذکر گردد؛ و الا اشکال دارد.» مجلس در اصلاحیه‌ی بند (ث) گفته است: «در بند (ث) ماده یک، عبارت «کفی (تریلر) جایگزین کلمه «تریلر» می‌شود.» در مورد بقیه‌ی کلمات گفته‌اند که ما

۱. لایحه بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه، ابتدا در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۲۵ با عنوان «لایحه بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۴۲/۸۴۱۷۳ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۱ به شورای نگهبان ارسال شد. مصوبه مذکور در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات متعدد مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۷، ۱۳۹۴/۱۲/۱۲ (صبح) و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۴/۱۰۲/۵۸۱۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ و ۹۵/۱۰۲/۱۸۳ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۰ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۲/۵۹۹ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. بند (ث) ماده (۱) لایحه بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- اصطلاحات به‌کار برده شده در این قانون، دارای معانی به شرح زیر است:

الف - ...

ث - وسیله نقلیه: وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی شهری و بین‌شهری و واگن متصل یا غیرمتصل به آن و یدک و تریلر متصل به آنها

ج - ...»

معادل فارسی آنها را پیدا نکردیم.

آقای مدرسی یزدی - اشتباه می‌گویند. الآن «سالن» معادل فارسی «واگن» است.

آقای علیزاده - اشکال ماده (۳) [مذکور در بند (۲) نظر شورای نگهبان] این بوده است: «۲- در ماده (۳) واژه «ضوابط» ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» ماده (۳) مصوبه‌ی مرحله‌ی اول این بوده است: «ماده ۳- دارنده وسیله نقلیه مکلف است برای پوشش خسارت‌های بدنی واردشده به راننده مسبب حادثه، حداقل به میزان مندرج در ماده (۸) این قانون، بیمه حوادث اخذ کند. مبنای محاسبه میزان خسارت قابل پرداخت به راننده مسبب حادثه، معادل دیه فوت یا دیه یا ارش جرح و هزینه معالجه قبل از فوت و سایر هزینه‌های معالجه می‌باشد. ضوابط مربوط به این بیمه‌نامه به پیشنهاد بیمه مرکزی به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد.»

آقای یزدی - واژه‌ی «ضوابط» ابهام دارد.

آقای علیزاده - بله، ابهام دارد.

آقای مؤمن - مجلس آن ابهام را درست کرده است یا نه؟

آقای علیزاده - مجلس اینجا آمده ماده (۳) را این‌طور اصلاح کرده است: «ماده ۳- دارنده وسیله نقلیه مکلف است برای پوشش خسارت‌های بدنی واردشده به راننده مسبب حادثه، حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیر حرام، بیمه حوادث اخذ کند؛ ...» خود مجلس این‌طوری تغییر داده است. این قرارداد بیمه است دیگر. می‌خواهند بگویند که مسبب حادثه این مقدار حق بیمه را بدهد. [ادامه‌ی ماده (۳): «... مبنای محاسبه میزان خسارت قابل پرداخت به راننده مسبب حادثه، معادل دیه فوت یا دیه یا ارش جرح در فرض ورود خسارت بدنی به مرد مسلمان در ماه غیر حرام و هزینه معالجه آن می‌باشد. ...»؛ یعنی مجلس اینجا ضوابط را معلوم کرده است. چون شما در ایراداتان گفته بودید که معیار ضوابط را مشخص کنند. بعد گفته‌اند: «... سازمان پزشکی قانونی مکلف است با درخواست راننده مسبب حادثه یا شرکت بیمه مربوط، نوع و درصد صدمه بدنی واردشده را تعیین و اعلام کند. آیین‌نامه اجرایی و حق بیمه مربوط به این بیمه‌نامه به پیشنهاد بیمه مرکزی پس از تصویب شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای مؤمن - خب، ماده (۳) درست شده است.

آقای علیزاده - دیگر هر مقداری که شما می‌خواستید، مجلس ماده (۳) را اصلاح کرده است.

آقای یزدی - بله، در مرحله‌ی قبل ذیل ماده هم نوشته شده بود: «به تصویب شورای عالی می‌رسد»؛ نوشته بود به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

آقای هاشمی شاهرودی - ولی اینجا یک اشکالی هست. در این مصوبه آورده‌اند پرداخت خسارت را به اندازه‌ی بیمه‌ی ماه غیر حرام قرار داده‌اند، با اینکه شرکت‌های بیمه برای ماه حرام، حق بیمه‌ی اضافی هم از راننده می‌گیرند.

آقای علیزاده - چون این بیمه است.

آقای هاشمی شاهرودی - باشد؛ اخیراً این طوری شده است.

آقای علیزاده - با این مصوبه دیگر نمی‌توانند آن حق بیمه‌ی اضافی را بگیرند.

آقای مدرسی یزدی - [پرداخت حق بیمه بابت ماه‌های حرام] اینجا اجباری نیست دیگر. اینکه شما می‌گویید، برای شخص ثالث است.

آقای علیزاده - بله، برای شخص ثالث این طوری است. این مصوبه مربوط به راننده است.

آقای رهپیک - این بیمه‌ی شخص ثالث نیست. این بیمه‌ی حوادث است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این بیمه برای حوادث کلی است.

آقای مدرسی یزدی - آن بیمه از طرف شخص ثالث بر اثر حوادث است.

آقای رهپیک - نه، در آن بیمه‌ی شخص ثالث، مسبب حادثه، خود راننده است، شخص ثالث نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - دیروز در اخبار این طور بود که طبق قانون، شرکت بیمه به

هر راننده‌ای و به هر مالک ماشینی برای ماه حرام باید سی میلیون تومان اضافه‌تر بدهد؛ یعنی شرکت بیمه حق بیمه‌ی آن را می‌گیرد، ولی در هنگام پرداخت نمی‌دهد.

آقای علیزاده - آن برای بیمه‌ی شخص ثالث است. حضرت آیت‌الله شاهرودی، آن مطلب برای بیمه‌ی شخص ثالث است. این مصوبه مربوط به مسبب حادثه است. حالا در این مصوبه می‌گویند که شرکت بیمه خسارت وارد بر خود راننده را هم بدهد. این مصوبه برای همین است.

آقای ره‌پیک - این بیمه مربوط به بیمه‌ی خود راننده است. این دیگر بیمه‌ی شخص ثالث حساب نمی‌شود.

آقای علیزاده - الآن [طبق آن بیمه‌ی شخص ثالث] شرکت‌های بیمه به خود راننده چیزی نمی‌دادند؛ اما الآن آمده‌اند گفته‌اند که راننده به این اندازه باید برود خودش را بیمه بکند. معلوم هم کرده‌اند که شرکت بیمه نمی‌تواند مبلغ بیش از این حق بیمه از راننده بگیرد.

آقای ره‌پیک - الآن شرکت‌های بیمه به راننده چیزی نمی‌دهند؛ حالا می‌خواهند خودش را بیمه می‌کنند.

آقای ابراهیمیان - ماهیت این بیمه ضمانت نیست، بیمه است.

آقای یزدی - بالاخره ابهام ماده (۳) رفع شده است.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - آن ابهام رفع شده است.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌گویند هنوز ابهام ماده (۳) باقی است، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - آن ابهام رفع شده است.

آقای علیزاده - حضراتی که می‌فرمایند دوباره ماده (۳) ایراد دارد، بفرمایند.

آقای هاشمی شاهرودی - ایرادی ندارد دیگر.

آقای مدرسی یزدی - مجلس، حق بیمه را به آیین‌نامه‌ی اجرایی که هیچ ضابطه‌ای برای آن نگفته، موکول کرده است. این اشکال در ماده (۳) است.

آقای علیزاده - همین الآن هم بیمه، قرارداد است؛ مگر چیست؟ قرارداد بین شرکت بیمه‌گذار و بیمه‌گر است.

آقای یزدی - این قرارداد به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، ماده (۳) اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - یک اشکالی هست.

آقای علیزاده - این چیزی که اینجا در این ماده گفته‌اند، این است که تازه آیین‌نامه‌ی اجرایی درباره‌ی حق بیمه به دولت می‌آید تا آنها تعیین بکنند. اگر این را نمی‌گفتند، به این معنا بود که خودشان هم [می‌توانستند با قرارداد تعیین کنند].

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی جاها تعیین حق بیمه اصلاً آزاد است.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - آن هم دیگر درست نیست. اجباری بکنند، بعد هم تعیین میزان آن را آزاد بگذارند! چون این بیمه، اجباری است. بله، اگر آزاد بود، [تعیین حق بیمه بر اساس قرارداد] ایرادی نداشت؛ ولی چون اجباری است، باید به آن یک ضابطه‌ای بدهند که به مردم اجحاف نشود. از یک طرف، بیمه را اجبار بکنند و از طرف دیگر بگویند که تعیین آن آزاد است!

آقای رهپیک - ما یک جایی از مصوبه‌ی قبلی در مورد میزان بازیافت خسارت ایراد گرفتیم. گفتیم که این کار ماهیت تقنینی دارد.

آقای علیزاده - بله، مجلس آن ایراد را هم درست کرده است.

آقای یزدی - «ماده ۳ - ... آیین‌نامه اجرایی و حق بیمه مربوط به این بیمه‌نامه به پیشنهاد بیمه مرکزی پس از تصویب شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.» ایراد تمام شده است. ابهام رفع شده است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - نه، درست نیست. این تعیین ضوابط، قانون می‌خواهد.

آقای مؤمن - حکم سازمان پزشکی قانونی اعتبار شرعی دارد؟

آقای مدرسی یزدی - سازمان پزشکی قانونی کارشناس است.

آقای رهپیک - بله، آن کارشناس است.

آقای مدرسی یزدی - این سازمان زیر نظر قوه قضائیه هم است.

آقای علیزاده - بله، زیر نظر قوه قضائیه است. اگر طرف حرفی داشته باشد، به دادگستری می‌رود؛ پزشکی قانونی نظر می‌دهد که نه، این خسارت نیست یا میزان این خسارت بیشتر است. اگر طرف ادعایی دارد، می‌رود شکایت می‌کند. همین الآن هم وقتی مردم به پزشکی قانونی می‌روند، می‌گویند که این نوع جراحت، حارصه^(۱) است، فلان است. همین الآن هم پزشکی قانونی این مسائل را می‌گوید.

آقای سلیمی - تازه ممکن است دادگاه آن نظر پزشکی قانونی را هم قبول نکند.

۱. حارصه، خراشیدگی پوست بدون جریان خون است. (مؤسسه‌ی دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، زیر نظر آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسه‌ی دائره‌المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۹۵)

آقای مدرسی یزدی - بله، ممکن است دادگاه قبول نکند؛ می‌تواند قبول نکند. درست است؛ ممکن است قبول نکند. من واقعاً نسبت به تعیین حق بیمه [توسط آیین‌نامه‌ی هیئت وزیران] ایراد دارم؛ چون این بیمه اجباری است.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که به ماده (۳) که تعیین میزان حق بیمه را به آیین‌نامه داده است، اشکال دارند، رأی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - بگذارید توضیح بدهم؛ بعد، رأی‌گیری بفرمایید. چون تعیین حق بیمه اینجا اجباری است و این را به آیین‌نامه‌ی اجرایی موکول کرده، ممکن است واقعاً به مردم اجحاف بشود. باید این‌طور بیاید که حق بیمه با یک قیدی مثل متعادل، عادلانه یا یک چیزی مانند این در قانون بیاید، بعد مصداقش را هیئت دولت تصویب بکند. به نظر من، اینجا احتیاج به قانون دارد و خلاف اصل (۸۵) است.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌فرمایند این ماده (۳) خلاف اصل (۸۵) است، بفرمایند.

آقای مؤمن - بالاخره ایشان می‌فرمایند که این آیین‌نامه‌ی اجرایی، آیین‌نامه نیست. اشکالشان به این برمی‌گردد؛ یعنی تعیین حق بیمه باید از نظر قانونی مشخص بشود، نه اینکه هیئت دولت بیاید آن را تعیین کند. صرف آیین‌نامه‌ی اجرایی گفتن ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، درست است.

آقای ره‌پیک - ما با تعیین سقف حق بیمه در قانون موافقیم.

آقای مدرسی یزدی - بله، یک چیزی باید در قانون باشد دیگر.

آقای مؤمن - «ماده ۳- ... آیین‌نامه اجرایی و حق بیمه مربوط به این بیمه‌نامه به پیشنهاد بیمه مرکزی پس از تصویب شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.» خوب، فقط نظارت اینها معتبر است.

آقای علیزاده - بیمه‌ی مرکزی آمده است دیگر.

آقای مؤمن - خوب، باشد.

آقای مدرسی یزدی - فرقی نمی‌کند.

آقای علیزاده - بیمه‌ی مرکزی یک دستگاه دولتی است.

آقای مؤمن - خوب، باشد.

آقای مدرسی یزدی - فرقی نمی‌کند.

آقای علیزاده - بیمه‌ی مرکزی می‌آید حق بیمه را پیشنهاد می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - فرقی نمی‌کند.

آقای مؤمن - خب، بیمه‌ی مرکزی حق بیمه را پیشنهاد می‌کند؛ شورای عالی بیمه و هیئت وزیران تصویب می‌کنند. ما از نظر شرعی به این مطلب ایراد داریم.

آقای علیزاده - بله، اول اشکال قانون اساسی به ماده (۳) را بگیریم. آقایانی که می‌فرمایند این ضوابط باید تقنین بشود و خلاف اصل (۸۵) است، رأی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - چون این موضوع نمی‌تواند آیین‌نامه‌ی اجرایی داشته باشد و چون قانونی در این زمینه وجود ندارد، ماده (۳) ایراد دارد.

آقای مؤمن - ببینید؛ اینجا «آیین‌نامه‌ی اجرایی» آمده است. [اگر متوجه عرض من بشوید،] شما خودتان هم ایراد می‌گیرید.

آقای علیزاده - من ایراد نمی‌گیرم.

آقای مؤمن - اگر آیین‌نامه‌ی اجرایی صرفاً یک آیین‌نامه باشد، مجلس حق دارد آن را به دیگران واگذار کند؛ ولی اگر احتیاج داشته باشد که ضوابط شرعی هم روی آن مشخص بشود، هیئت دولت چه‌کاره است که این کار را بکند؟ اینکه مجلس اسم آن را آیین‌نامه‌ی اجرایی گذاشته است، درست می‌شود؟

آقای علیزاده - اصلاً تعیین حق بیمه را به عهده‌ی هیئت دولت هم نگذارند، بگویند خود شخص برود با بیمه قرارداد ببندد [اشکالی ندارد]. هیئت دولت اینجا یک بازدارندگی دارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر بیمه اجباری باشد، بله، اشکال دارد.

آقای علیزاده - چه اشکالی دارد؟

آقای مدرسی یزدی - آخر، این بیمه، اجباری است. خب، هر کسی که بخواهد، مردم را اجبار می‌کند.

آقای علیزاده - بسیار خب، ایشان ایراد غیرشرعی ماده (۳) را نمی‌گویند. شما به ایراد شرعی رأی بدهید.

آقای مدرسی یزدی - نه، ماده (۳) از جهت قانون اساسی هم اشکال دارد.

آقای علیزاده - همه‌مان ماده (۳) را خلاف قانون اساسی نمی‌دانیم. یک تعدادی خلاف می‌دانیم.

آقای مؤمن - نه، ببینید؛ این اصلاً آیین نامه نیست. شما می فرمایید که ماده (۳) خلاف قانون اساسی نیست. در صورتی که چنین چیزی واقعاً آیین نامه باشد، ممکن است من هم بگویم خلاف قانون اساسی نیست؛ ولی من عرض می کنم که موضوع این آیین نامه در مورد تعیین مقدار و نوع بیمه است. تغییر این باید طبق ضوابط شرعی باشد، نه اینکه هیئت دولت بیاید در این باره تصمیم بگیرد.

آقای علیزاده - آنچه که شما به ماده (۳) سابق ایراد گرفته بودید، ابهام در ضوابط بود. **آقای مؤمن -** می دانم.

آقای علیزاده - حالا مجلس ضوابط مربوط به دیه را معلوم کرده است.

آقای مؤمن - نه، مشکل همین است دیگر. این آیین نامه اصلاً آیین نامه نیست. این آیین نامه متضمن [مسائلی است که نیاز به تقنین دارد].

آقای یزدی - این یک ایراد جدید می شود. شما در مرحله ی قبل به ماده (۳) ایراد گرفتید که «ضوابط» ابهام دارد؛ مجلس آن را معین کند. آقایان نمایندگان ابهامش را رفع کرده اند. اگر اشکال جدیدی دارید، آن یک بحث دیگر است.

آقای مدرسی یزدی - بله، ما اشکال داریم؛ چون اصلاحی که مجلس کرده است، درست نیست.

آقای یزدی - اشکال جدید دارید دیگر.

آقای مدرسی یزدی - بله؛ یعنی به اصلاح مجلس اشکال داریم.

آقای مؤمن - فقط روی آن، اسم «آیین نامه ی اجرایی» گذاشته اند. درحالی که این آیین نامه، آیین نامه نیست.

آقای علیزاده - نه، مجلس آن ابهام در ضوابط را معلوم کرده است. آن زمان اشکال این بود که ضوابط بیمه ای که طرف را بیمه می کند یعنی ضوابطی را که چگونه فرد را بیمه بکنند، چه مقدار بیمه بکنند، شورای عالی بیمه تعیین بکند. مجلس آمد در اصلاحیه ماده (۳) گفت که دیه در ماه غیر حرام معادل چیست. آن ضوابط را تعیین کردند. این را که شرکت های بیمه، چه مقدار می خواهند بگیرند، تعیین کرده است.

آقای مؤمن - نخیر، هیچ ضابطه ای ندارد.

آقای علیزاده - این مصوبه گفته است که این یک قرارداد بین طرفین است. حالا دولت هم آمده است در این بین نقش داشته باشد.

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، تعرفه‌ها معمولاً توسط هیئت وزیران معین می‌شود.
آقای علیزاده - بله، شما در همه‌جا می‌گویید که دولت تعرفه را تصویب نکند، می‌گویید که دولت تعرفه را تعیین نکند، چطور اینجا نمی‌تواند تعرفه تعیین کند؟! حالا به هر حال حضرات آقایانی که از این جهت [این ماده را خلاف اصل (۸۵) می‌دانند، اعلام رأی بفرمایند].

آقای سوادکوهی - این متنی که فعلاً مجلس درباره‌ی ماده (۳) پیش روی ما گذاشته است، اساسش برای این است که ظاهراً الآن به راننده‌ی مقصر هیچ چیزی تعلق نمی‌گیرد. حالا مجلس می‌خواهد با این مصوبه به راننده‌ی مقصر هم یک مقداری خسارت از سوی شرکت بیمه تعلق بگیرد. آنچه که مجلس می‌گوید به راننده‌ی مقصر تعلق می‌گیرد [دریافت دیه به میزان دیه‌ی مرد در ماه غیرحرام است]؛ چه می‌خواهد در ایام ماه غیرحرام باشد، چه می‌خواهد در ماه‌های حرام باشد؛ چون این ماده (۳) راننده‌ی مقصر را ملزم می‌کند، می‌گوید پس بنابراین فقط به اندازه‌ی همان دیه‌ای هم که به خسارت بدنی مرد مسلمان در ماه غیرحرام مربوط می‌شود، حق دریافت خسارت پیدا می‌کند؛ یعنی ولو صدمه‌ای که به این شخص وارد شده است، در ماه حرام باشد. یعنی اگر حادثه در ماه‌های حرام هم باشد، آنچه که مجلس در این قانون دارد وضع می‌کند، این است که خسارتی که به او تعلق می‌گیرد، [خسارت ماه‌های غیرحرام است]. حالا با این وصف، این مطلبی که برای من محل سؤال است، این است که خب این شخص دارنده‌ی وسیله‌ی نقلیه مکلف شده است خودش را تحت پوشش بیمه‌ی خسارت مربوط به راننده‌ی مقصر قرار دهد. آیا این شخص باید مستقیماً برود خسارتش را از بیمه دریافت نکند یا اینکه باید به دادگاه برود، این خسارت را از دادگاه درخواست کند و از طریق دادگاه بگیرد؟

آقای مدرسی یزدی - مصوبه یک حکمی در این خصوص دارد.

آقای رهپیک - شخص به شرکت بیمه مراجعه می‌کند و بیمه خسارت او را می‌دهد.

آقای سوادکوهی - ماده (۳) یک قاعده‌ی جدید وضع کرده است. من همین را می‌خواهم عرض کنم.

آقای علیزاده - این قاعده کجای قانون اساسی است؟

آقای مدرسی یزدی - مصوبه حکم این مسئله را دارد. فکر کنم در یک جایی آن را

پیش بینی کرده است.

آقای سوادکوهی - حالا این را می‌خواهم عرض کنم. اگر شخص راننده‌ی مقصر بخواهد خسارتی را مطالبه کند، ممکن است بین این شخص و شرکت بیمه یک اختلافی پیش بیاید. الآن ماده (۳) می‌گوید که اولاً سازمان پزشکی قانونی باید به درخواست آن شخصی که راننده‌ی مقصر است، رسیدگی کند و به او گواهی بدهد که تو خسارت دیدی. چون شاید آن شخص، همین طوری برای خودش صحنه‌سازی کرده باشد. پس اولاً ماده (۳) یک الزام برای پزشکی قانونی گذاشته است؛ یعنی گواهی پزشکی قانونی به درخواست چه کسی است؟ به درخواست دادگاه نیست.

آقای یزدی - ... تشخیص سازمان پزشکی قانونی برای تعیین نوع و درصد خسارت طرف است.

آقای سوادکوهی - ... پزشکی قانونی به درخواست هر کسی که آمد و اعلام کرد که بنده زیان دیده‌ام، گواهی می‌دهد. از این به بعد همه می‌توانند به پزشکی قانونی بروند و بگویند: پزشکی قانونی، به ما یک گواهی بده. پزشکی قانونی می‌گوید من چه گواهی‌ای بدهم؟ شخص می‌گوید گواهی بده که به من خسارت وارد شده است.

آقای یزدی - نه، پزشکی قانونی درصد خسارت را معین می‌کند.

آقای علیزاده - هر کسی که صدمه می‌بیند، به پزشکی قانونی می‌رود.

آقای سوادکوهی - بسیار خوب؛ ولی بعد از بررسی به دادگاه می‌رود.

آقای علیزاده - خوب، فرد از طریق دادگاه به پزشکی قانونی نرفته است. اگر از طریق پزشکی قانونی اقدام کند، اشکالی پیدا می‌کند؟ مگر حالا که فرد از طریق غیر دادگاه اقدام کرده است، اشکالی پیدا می‌کند؟

آقای سوادکوهی - نه، این مسائل به خاطر این است که صحنه‌سازی نشود.

آقای علیزاده - من تعجب می‌کنم. اینها چه حرفی است که شما می‌فرمایید؟!

آقای سوادکوهی - خوب، برای اینکه این مطلب خیلی روشن است.

آقای علیزاده - چي روشن است؟

آقای سوادکوهی - شما ببینید؛ مطلب روشن است. الآن اینجا ...

آقای علیزاده - اگر شرکت بیمه بخواهد به آقای که بیمه شده است، خسارت بدهد، یک چیزی را برای پزشکی قانونی می‌نویسد. اشکالی پیدا می‌کند؟

آقای سوادکوهی - نه، الآن اینجا ببینید؛ این متن ماده (۳) است: «ماده ۳- ... سازمان پزشکی قانونی مکلف است با درخواست راننده مسبب حادثه یا شرکت بیمه مربوط ...»؛ یعنی اول آن راننده‌ی مسبب حادثه یا شرکت بیمه اقدام می‌کند.

آقای علیزاده - «یا» آمده است.

آقای سوادکوهی - «... نوع و درصد صدمه بدنی وارد شده را تعیین و اعلام کند. ...»؛ یعنی پزشکی قانونی به چه کسی اعلام کند؟ یعنی به راننده اعلام کند؟ از این به بعد هر کس می‌تواند به پزشکی قانونی برود و تقاضا بنویسد که من یک راننده‌ی مسبب حادثه هستم. شما به من یک گواهی بده.

آقای علیزاده - نه، پزشکی قانونی به شرکت بیمه اعلام می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - حالا مهم نیست. به هر کدام اعلام کند، فرقی ندارد.

آقای علیزاده - ... یا به هر کدام اعلام کند.

آقای ابراهیمیان - بله.

آقای علیزاده - خب، گواهی می‌دهد. [مشکلش چیست؟]

آقای سوادکوهی - پزشکی قانونی مجانی به فرد گواهی بدهد؟

آقای علیزاده - بر این اساس به او گواهی نمی‌دهند. پلیس باید کروکی بکشد. بگوید در این محل، تصادف اتفاق افتاده است.

آقای سوادکوهی - کجا گفته است که پزشکی قانونی کروکی می‌خواهد؟

آقای مدرسی یزدی - ماده (۳) نگفته است که فرد هزینه‌ای بابت گواهیپردازد.

آقای سوادکوهی - نه، چیزی نمی‌پردازند. پس اولاً ماده (۳) یک تکلیفی روی پزشکی قانونی گذاشته است.

آقای علیزاده - ما این ایرادات را مطرح نکنیم. الکی وقت خودمان را نگیریم. حضرات آقایانی که به این ماده (۳) ایراد دارند و می‌گویند خلاف یک جای قانون اساسی است، رأی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - این ایراد ندارد.

آقای سوادکوهی - چرا؛ اصل (۱۵۹) می‌گوید: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است ...»

آقای شب‌زنده‌دار - این چیزهایی که شما می‌فرمایید، مصلحت‌اندیشی است. یعنی این

اصلاً [ارتباطی به صلاحیت ما ندارد].

آقای علیزاده - در مورد «آیین‌نامه‌ی اجرایی» هم هر کسی می‌گوید که اینجا آیین‌نامه‌ی اجرایی نمی‌تواند این حق بیمه و ضوابط آن را تعیین کند، رأی بدهد.

آقای ابراهیمیان - این ایراد را رأی گرفتیم.

آقای مدرسی یزدی - [ایراد دارد؛] چون قانون ندارد. باید اول قانونش باشد، بعد آیین‌نامه‌ی اجرایی آن باشد.

آقای علیزاده - قانونش آن بالا در ماده (۳) است.

آقای مدرسی یزدی - نه، من فقط در مورد حق بیمه می‌گویم که باید قانون باشد.

آقای علیزاده - همه‌ی اینها در بالا در ماده (۳) هست.

آقای مدرسی یزدی - من در مورد حق بیمه می‌گویم که قانون لازم دارد. آنجا رأی من این است که ماده (۳) خلاف اصل (۸۵) است.

آقای مؤمن - نه، آقایان می‌فرمایند این مصوبه قانونش است.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌گویند این «آیین‌نامه‌ی اجرایی» در مواردی ممکن است خلاف شرع باشد، [اعلام رأی بفرمایند]. خب، هر جا هیئت وزیران آیین‌نامه‌ای تصویب کرد که خلاف شرع است، فرد می‌رود به دیوان عدالت اداری شکایت می‌کند.

آقای یزدی - اصل مسئله این است که یک قراردادی بین طرفین است. مقدار پرداختی که بیمه می‌خواهد بعد از وقوع حادثه و تعیین سازمان پزشکی قانونی بپردازد، بر اساس آن آیین‌نامه است. این مطلب دیگر ربطی به قانون ندارد. جای دیگری نمی‌تواند مقدار خسارت را معین کند. چون دادگاه باید ببیند این دست شکسته است یا زخم شده است.

آقای علیزاده - بله، حالا بالاخره آقایان اشکالی به ماده (۳) ندارند. سراغ ماده‌ی بعدی برویم.

آقای مدرسی یزدی - چطوری می‌خواهد حق بیمه را تعیین کنند؟ دولت می‌آید اینها را تصویب می‌کند.

آقای علیزاده - ایراد بعدی را بفرمایید.

منشی جلسه - [ایراد بند (۳) نظر شورای نگهبان: «۳- بند (پ) ماده (۴)،^(۱) از این جهت که مشخص نیست آیا پرداخت صد درصد (۱۰۰٪) آن به صندوق باید در بودجه سنواتی پیش‌بینی شود یا خیر، ابهام دارد. پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.» مجلس این عبارت را این‌طور اصلاح کرده است: «در انتهای بند (پ) ماده (۴)، بعد از عبارت «واریز می‌شود و»، عبارت «با پیش‌بینی در بودجه‌های سالانه» اضافه می‌شود.»

آقای عزیززاده - بله، ما بند (پ) ماده (۴) را از این جهت اشکال گرفتیم: «۳- ... از این جهت که مشخص نیست آیا پرداخت صد درصد (۱۰۰٪) آن به صندوق باید در بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود یا خیر...». مجلس این را در اصلاحیه‌اش گفته است. آیا شما باز هم ایراد دارید؟

آقای یزدی - نه دیگر؛ چه ایرادی داشته باشیم؟

منشی جلسه - [ایراد بند (۴) نظر شورای نگهبان: «۴- در ماده (۵)،^(۲) تصویب شرایط

۱. بند (پ) ماده (۴) لایحه بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴- در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت بدنی یا مالی برای شخص ثالث:

الف- ...

پ- در صورتی که خودرو فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون بوده و وسیله نقلیه با اذن مالک در اختیار راننده مسبب حادثه قرار گرفته باشد، در صورتی که مالک، شخص حقوقی باشد، به جزای نقدی معادل بیست درصد (۲۰٪) و در صورتی که مالک شخص حقیقی باشد، به جزای نقدی معادل ده درصد (۱۰٪) مجموع خسارات بدنی واردشده محکوم می‌شود. مبلغ مذکور به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود و صد درصد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می‌یابد.»

۲. ماده (۵) لایحه بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- شرکت سهامی بیمه ایران مکلف است طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به آن، با دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون قرارداد بیمه منعقد نماید. سایر شرکت‌های بیمه متقاضی فعالیت در رشته بیمه شخص ثالث می‌توانند پس از اخذ مجوز از بیمه مرکزی اقدام به فروش بیمه‌نامه شخص ثالث نمایند. بیمه مرکزی موظف است تقاضای شرکت‌های بیمه را بررسی نموده، در صورت انطباق وضعیت آنها با شرایطی که ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد، برای شرکت‌های متقاضی، مجوز فعالیت در رشته شخص ثالث صادر نماید. شرکت‌هایی که مجوز فعالیت در این رشته بیمه‌ای را

از سوی شورای عالی بیمه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.» مجلس به این ترتیب اصلاح کرده است: «ماده ۵- شرکت سهامی بیمه ایران مکلف است طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به آن، با دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون قرارداد بیمه منعقد نماید. سایر شرکت‌های بیمه متقاضی فعالیت در رشته بیمه شخص ثالث می‌توانند پس از اخذ مجوز از بیمه مرکزی اقدام به فروش بیمه‌نامه شخص ثالث نمایند. بیمه مرکزی موظف است بر اساس آیین‌نامه اجرایی که به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، برای شرکت‌های متقاضی، مجوز فعالیت در رشته شخص ثالث صادر نماید. در آیین‌نامه اجرایی موضوع این ماده مواردی از قبیل حداقل توانگری مالی شرکت بیمه، سابقه مناسب پرداخت خسارت، داشتن نیروی انسانی و ظرفیت‌های لازم برای صدور بیمه‌نامه و پرداخت خسارت باید مدنظر قرار گیرد. ...»

آقای مدرسی یزدی - این بخش از اصلاحیه خوب است. یک ضابطه‌ای در مورد صدور مجوز فعالیت داده است...

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - ... ولی در ماده (۳) ضابطه نداده بود.

آقای علیزاده - به مجلس گفتیم که [برای این ماده (۵)] ضابطه بگذارید. حالا مجلس در این اصلاحیه گفته است که این چیزها را باید در نظر بگیرند.

آقای اسماعیلی - ماده (۵) ضابطه نگذاشته است؛ گفته است این موارد را تعیین کنید.

آقای علیزاده - خب بله دیگر؛ ولی این ضوابط در آیین‌نامه‌ی اجرایی می‌آید.

آقای مدرسی یزدی - خب، ولی یک محدوده درست کرده است؛ به خلاف ماده (۳) که هیچ چیزی ندارد.

آقای اسماعیلی - وقتی که می‌خواهد آن ضوابط را در ماده بگوید، «از قبیل ...» می‌آورد.

→

از بیمه مرکزی دریافت می‌کنند، موظفند طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به آن، یا کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون قرارداد بیمه منعقد نمایند. ادامه فعالیت در رشته شخص ثالث برای شرکت‌هایی که در زمان تصویب این قانون در رشته بیمه شخص ثالث فعال هستند، منوط به اخذ مجوز از بیمه مرکزی ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون می‌باشد.»

آقای عزیزاده - بله دیگر؛ آن ضوابطی را که مؤثر است، آورده است. مجلس گفته ممکن است در آینده یک ضوابط دیگری بیاید که در صدور مجوز فعالیت مؤثر باشد و ما الآن نمی‌توانیم آنها را ذکر کنیم. ما گفتیم: بسیار خوب، ایرادی ندارد. حضرات آقایانی که با این اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق را به قوت خودش باقی می‌دانند، بفرمایند.

منشی جلسه - [ایراد بند (۵) نظر شورای نگهبان: «۵- در ماده (۱۳)،^(۱) اطلاق خسارت بدنی در مورد غیر دیه قتل خلاف شرع است. (باید مطابق مسئله دوم از کتاب ارث که قتل از موانع ارث است، در تحریر الوسیله اصلاح شود).^(۲)] مجلس کلاً ماده (۱۳) را حذف کرده است.

آقای عزیزاده - نمایندگان گفتند که حکم این مسئله توسط قانون مجازات اسلامی تعیین شده است.^(۳)

۱. ماده (۱۳) لایحه بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۳- در مواردی که مسبب حادثه از وراث قانونی شخص ثالث متوفی باشد، از خسارت بدنی ارث نمی‌برد و تمام خسارت بدنی به سایر وراث قانونی متوفی پرداخت می‌شود.»

۲. «در موانع ارث

اول: ...

دوم: قتل

مسئله ۱- ...

مسئله ۲- در قتل عمدی که از روی ظلم انجام می‌گیرد و مانع ارث است، بین اینکه به مباشرت او باشد، مانند اینکه او را سر ببرد یا با گلوله او را بزند و بین اینکه به تسبیب او باشد، مانند اینکه او را در محل درندگان بیندازد و درنده‌ای او را پاره کند یا او را در جایی در زمان طولانی بدون غذا حبس نماید، پس از گرسنگی یا عطش بمیرد یا نزد او غذای مسمومی حاضر نماید بدون آنکه او بداند، پس آن را بخورد و غیر اینها از تسبیباتی که قتل با آنها به مسبب، منسوب و مستند می‌شود، فرقی نیست. البته بعضی از تسبیباتی که گاهی تلف بر آن مترتب می‌شود، به طوری که به مسبب انتساب و استناد پیدا نمی‌کند، مانند کندن چاه و انداختن چیزهای لغزاننده در راه‌ها و معابر و غیر اینها، اگرچه موجب ضمان و دیه بر مسبب می‌شود، ولی مانع از ارث نمی‌باشد. پس کسی که در راه، چاه کنده است، از خویشاوندش که در آن افتاده و مرده است، ارث می‌برد.» (خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله (ترجمه فارسی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۹۴).

۳. ماده (۴۵۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۵۱- در

- آقای مؤمن** - یک چنین چیزی را اینجا نگفته‌اند.
- آقای علیزاده** - نه، نمایندگان این مطلب را گفتند. آن روز به آقای دکتر سوادکوهی هم چنین چیزی را گفته بودند. ماده (۱۳) را حذف کرده‌اند.
- آقای مؤمن** - ماده (۱۳) ایراد دارد. باید طبق حکم تحریرالوسیله اصلاح شود.
- آقای یزدی** - ماده (۱۳) را حذف کرده‌اند.
- آقای علیزاده** - ماده (۱۳) را حذف کرده‌اند.
- آقای مؤمن** - حذف ماده (۱۳) یعنی چه؟
- آقای یزدی** - بر عهده‌ی قانون مجازات اسلامی گذاشته‌اند دیگر.
- آقای مدرسی یزدی** - یعنی طبق قانون مجازات اسلامی عمل می‌کنند.
- آقای مؤمن** - این اصلاحیه اصلاً چنین چیزی نگفته است.
- آقای علیزاده** - آقای قاضی طبق فتاوی‌ای مشهور عمل می‌کند.
- آقای مؤمن** - نه، این مسئله قانون دارد.
- آقای علیزاده** - بله، قانون هم دارد. ما قانون مجازات اسلامی را داریم.
- آقای مؤمن** - پس چرا مجلس در این مصوبه آن قانون را نگفته است؟
- آقای علیزاده** - مجلس ماده (۱۳) را حذف کرده و خیال خودش را راحت کرده است.
- آقای مؤمن** - اگر آن مسئله‌ی دوم از کتاب تحریرالوسیله مطلب را حل می‌کند، معلوم می‌شود که در بعضی از موارد خسارت بدنی [مسبب حادثه از متوفی ارث می‌برد].
- آقای علیزاده** - الآن در مسئله‌ی ارث در قانون مجازات اسلامی حکم این مسئله را داریم. باید کلیات را رعایت کنند.
- آقای مؤمن** - می‌دانم؛ ولی خب، نمایندگان که این را نگفته‌اند.
- آقای علیزاده** - خب، این را نگفته‌اند دیگر. حذف کرده‌اند و طبعاً مجریان سراغ قانون مجازات اسلامی می‌روند. اینکه مجلس ماده (۱۳) را حذف کرده است، اشکالی دارد؟
- آقای مدرسی یزدی** - نه، معلوم است. انگار این ماده اصلاً نبوده است.

→

صورتی که قاتل از ورثه مقتول باشد، چنانچه قتل عمدی باشد، از اموال و دیه مقتول و در صورتی که خطای محض یا شبه عمدی باشد، از دیه وی ارث نمی‌برد. در موارد فقدان وارث دیگر، مقام رهبری وارث است.»

آقای عزیزاده - این مطلب را نگفته‌اند. اصل [۱۶۷] قانون اساسی می‌گوید که هر جا قانون ساکت است یا معارض است، قاضی موظف است طبق مبانی معتبر فقهی یا فتاوای مشهور عمل کند.

آقای یزدی - این مسئله قانون دارد. طبق قانون مجازات اسلامی حکم می‌شود. همه‌ی این مسائل در قانون مجازات هست دیگر.

آقای مؤمن - در این اصلاحیه نیامده است که حکم این مسئله در قانون دیگری هست. خوب اصلاً فرضاً بگویید که طبق قانون مجازات عمل کنند. در آن قانون هم اصلاً چنین چیزی که در کتاب تحریرالوسیله آمده است، نیست.

آقای عزیزاده - شما در مرحله‌ی قبل این‌طور فرمودید.

آقای مؤمن - من که چنین چیزی را نگفتم.

آقای عزیزاده - چیزی که شماها در ایراداتان به مصوبه‌ی مرحله‌ی قبل فرمودید، این بود که ماده (۱۳) اشکال دارد و باید مطابق آن مسئله‌ی تحریرالوسیله اصلاح بشود. مجلس هم آمد کل ماده را حذف کرد.

آقای مؤمن - مطابق کجا اصلاح کند؟

آقای عزیزاده - شما که نمی‌توانید به مجلس بگویید که این‌طور قانون بگذارد.

آقای مؤمن - شما که گفته بودید مجلس ماده (۱۳) را مطابق مسئله‌ی دوم تحریرالوسیله اصلاح کند.

آقای ابراهیمیان - مشروط بر اینکه قانون مجازات [در این باره چیزی نگفته باشد].

آقای عزیزاده - [اگر مجلس بخواهد چیزی بنویسد، باید آن‌طوری مطابق تحریرالوسیله بنویسد.

آقای مؤمن - مسئله‌ی دوم تحریرالوسیله چیست؟

آقای عزیزاده - شما این‌طوری گفتید. این چیزی که شما در ایراداتان گفتید، اشکال دارد.

آقای مؤمن - نخیر.

آقای عزیزاده - شورای نگهبان نمی‌تواند مجلس را الزام کند که این‌طوری قانون بنویسد.

آقای مؤمن - شما در ایراداتان گفتید که مجلس ماده (۱۳) را مطابق مسئله‌ی دوم در باب ارث تحریرالوسیله اصلاح کند.

آقای یزدی - مجلس در ماده (۱۳) گفته بود: «ماده ۱۳- در مواردی که مسبب حادثه از وراثت قانونی شخص ثالث متوفی باشد، از خسارت بدنی ارث نمی‌برد و تمام خسارت بدنی به سایر وراثت قانونی متوفی پرداخت می‌شود.»

آقای مؤمن - این ماده اطلاقش درست نبود. من تحریرالوسیله را آوردم. چنین مسئله‌ای ندارد.

آقای علیزاده - حکم این مسئله ساکت است.

آقای مؤمن - نه، ساکت نیست. اصلاً چنین مسئله‌ای ندارد.

آقای علیزاده - چرا؛ ساکت است. نه اینکه حکم این مسئله را ندارد؛ ساکت است.

آقای یزدی - شما به ماده (۱۳) قبلی اشکال وارد کردید. خب، [با حذف ماده (۱۳) از مصوبه‌ی قبلی] مطابق قانون مجازات رفتار می‌شود.

آقای مؤمن - شما در ایراداتان گفتید که مجلس بر طبق مسئله‌ی دومی که در تحریرالوسیله هست، ماده (۱۳) را اصلاح کند. این مسئله کجاست؟

آقای علیزاده - این مسئله هر چه باشد، مهم نیست.

آقای مؤمن - نه، شما یک چیز دیگری گفتید.

آقای علیزاده - اصل (۱۶۷) قانون اساسی می‌گوید: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدوّنه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدوّنه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» این قانون اساسی است. در قانون عادی ما هم همین است.

آقای مؤمن - این «باید»ی که شما در ایراداتان به ماده (۱۳) گفتید، اصلاً یعنی چه؟

آقای علیزاده - ما «باید» را گفتیم که اگر این ماده را دارید [می‌نویسید، مطابق آن حکم تحریرالوسیله باشد].

آقای مؤمن - این طوری نیست. شما گفتید: «باید مطابق مسئله دوم ... در تحریرالوسیله اصلاح شود.»

آقای یزدی - مجلس ماده‌ای را که شورای نگهبان به آن اشکال وارد کرده بود، حذف کرده است. از این بحث رد شوید.

آقای مؤمن - تحریرالوسیله حکم این مسئله را ندارد.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می فرمایند ... بسیار خوب، من دارم رأی می گیرم دیگر.
آقای مؤمن - چرا شما در ایراداتان به ماده (۱۳) گفتید که باید این طوری درست شود؟
آقای علیزاده - شما فرمودید که این طور بگوییم.

آقای مؤمن - من می گویم شما که در ایراداتان تعبیر «باید» را گفته اید، [باید مطابق آن عمل کنند].

آقای علیزاده - آقایانی که تعبیر «باید» را در ایراد به ماده (۱۳) فرمودید، اگر می فرمایید حذف ماده (۱۳) خلاف شرع است، رأی بدهید.

آقای مؤمن - اصلاً این «باید» یعنی چه؟

آقای شب زنده دار - این تعبیر «باید» در صورت تحفظ آن ماده (۱۳) بر آن ماده مترتب می شود.

آقای مؤمن - «در صورت تحفظ» ندارد. چنین چیزی را که در ایراداتان قید نکرده اید. باید مطابق مسئله (۲) تحریر الوسیله اصلاح می شد.

آقای یزدی - اصلاً اگر این ماده (۱۳) در مصوبه‌ی مجلس نبود، چه می شد؟

آقای مؤمن - چرا شما در ایراداتان تعبیر «باید» را گفتید؟

آقای مدرسی یزدی - تعبیر «باید» بالقیاس است.

آقای مؤمن - اصلاً چنین چیزی ندارد.

آقای رهپیک - الزام به اصلاح، مشروط بر این است که مجلس این ماده را قبول کند که باقی باشد.

آقای علیزاده - [وقتی این ماده را حذف کنیم،] قانون ساکت می شود دیگر.

آقای شب زنده دار - [مقصود ایراد قبلی این است که اگر مجلس] بر ماده (۱۳) تحفظ بکند، باید اطلاقش این طوری تقيید بشود.

آقای مؤمن - اصلاً این «باید» یعنی چه؟

آقای یزدی - این «باید» در صورتی است که ماده (۱۳) باقی باشد. مجلس ماده (۱۳) را حذف کرده است.

آقای مؤمن - بسیار خوب، اگر ماده (۱۳) باقی باشد، مجلس باید چه کند؟

آقای مدرسی یزدی - هیچ کاری لازم نیست بکند.

آقای یزدی - باید طبق قانون مجازات که اینجا الآن خواندند، عمل شود.

آقای مؤمن - شما که غیر از این گفتید.

آقای یزدی - وقتی ماده (۱۳) حذف شد، معنایش روشن است دیگر. وقتی ماده (۱۳) حذف شد، یعنی [مطابق قانون مجازات عمل می‌شود].

آقای علیزاده - اگر ماده (۱۳) باقی بود، باید این‌طور اصلاح می‌شد، اما اگر ماده (۱۳) نبود، هیچ مشکلی ندارد.

آقای مؤمن - گفته بودیم باید مطابق مسئله‌ی دوم از کتاب الارث تحریرالوسیله اصلاح شود. اصلاً من می‌گویم که شما ببینید که به مجلس چه گفته‌اید؟ به مجلس گفتید که ماده (۱۳) باید طبق مسئله‌ی دوم تحریرالوسیله اصلاح شود. خب مسئله‌ی دوم کدام است؟
آقای شب‌زنده‌دار - پس مجلس باید چه کار کند؟

آقای علیزاده - شما فقها این عبارت را فرمودید؛ من چه می‌دانم. اینجا ایراد شرعی مطرح شده است.

آقای مؤمن - خب، این ایراد شرعی، معلوم نیست دیگر.

آقای علیزاده - چرا معلوم نیست؟

آقای مؤمن - خب، معلوم نیست دیگر.

آقای علیزاده - آقایان، نظر مجمع مشورتی فقهی را بیاورند. بله، این است. شما در آن زمان این‌طور فرمودید. ماده‌ی چند مصوبه بود؟

آقای مؤمن - ماده (۱۳) بود. نظر مجمع مشورتی فقهی قم چه بود؟

آقای علیزاده - مجمع مشورتی فقهی هیچ نظری در مورد این ماده نداده است. شما در جلسه‌ی شورا به این ماده (۱۳) ایراد گرفتید، ما هم این‌طوری نوشتیم. اما دارم خدمت شما عرض می‌کنم که اگر ماده (۱۳) وجود دارد، باید این‌طوری اصلاح بشود. اگر ماده (۱۳) وجود ندارد، خب کاری ندارد، قضات می‌روند طبق فتوا عمل می‌کنند.

آقای یزدی - بله، قضات بر طبق قانون کلی عمل می‌کنند.

آقای ابراهیمیان - حالا این احتمال وجود دارد که مثلاً اشتباه نوشته باشیم، ولی به هر حال الآن، صورت مسئله پاک شده است.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌گویند با این حذف، اشکال به وجود می‌آید، بفرمایند. بسیار خب، سراغ ماده‌ی بعدی برویم.

آقای مؤمن - خب، حالا اگر بخواهند پیش خود شما مراجعه کنند، می‌گویند باید چه کار کنند؟

آقای علیزاده - ما می‌گوییم که اگر زیان‌دیده به دادگستری رفت که شکایت بکند، دادگستری هم مطابق فتوای امام (ره) عمل کند.

آقای مؤمن - شما به مجلس گفته‌اید که این کار را بکند، اما مجلس هیچ کاری نکرده است.

آقای علیزاده - ماده‌ی بعدی را بخوانید.

آقای مؤمن - اصلاً مسئله‌ی دوم در اینجا نیست.

آقای علیزاده - گفته بودیم «باید مطابق مسئله دوم از کتاب ارث که قتل از موانع ارث است در تحریرالوسیله، اصلاح شود.»

آقای مؤمن - بله، مسئله‌ی دوم اینجا [در نظر شورا] هست، اما اصلاً در این کتاب چنین چیزی نیست.

آقای علیزاده - شما خودتان این را فرمودید و من متن ایراد را نوشتم. من که از خودم ننوشتم.

آقای مؤمن - چرا به من می‌گویید؟ من خودم نمی‌توانم بفهمم که ایراد چیست. من خودم دیشب رفته یک ساعت مطالعه کردم و یکی از فضلا هم به منزل ما آمده بود [کمک کرد].

آقای ابراهیمیان - آدرس مسئله را بفرمایید.

آقای مؤمن - آدرس کدام مسئله را می‌گویید؟ نه، مسئله‌ی دیگری بود. ربطی به این ماده (۱۳) اصلاً ندارد.

آقای علیزاده - این عبارتی که در نظر شورا نوشته‌ایم را آن زمان، خود شما فقها فرمودید و من نوشتم.

آقای مؤمن - چرا گردن ما می‌گذارید؟

آقای مدرسی یزدی - من هم شک دارم که این ایراد، مطابق آنچه که اینجا تصمیم گرفتیم، بود یا نه؛ منتها چون مجلس ماده (۱۳) را حذف کرده است، حالا دیگر مسئله‌ای ندارد.

آقای علیزاده - نه، حتی این عبارت را آقایان فقها فرمودند که بنویسید مسئله‌ی دوم کتاب ارث که قتل از موانع ارث است.

آقای مؤمن - بله، این «مسئله‌ی دوم» درست نیست.

آقای علیزاده - این طوری نوشتیم: مسئله‌ی دوم در کتاب ارث که قتل از موانع ارث است.

آقای مؤمن - بله، ولی مسئله‌ی دومی اصلاً داخل کتاب ارث نیست. من این بخش را خواندم.

منشی جلسه - شاید در نظرات مجمع مشورتی فقهی چیزی باشد.

آقای مؤمن - بله.

آقای عزیزاده - حالا که مجلس مطابق آن مسئله، ماده (۱۳) را اصلاح نکرده است تا بگوییم ایراد دارد. ماده (۱۳) را حذف کرده‌اند دیگر.

منشی جلسه - [ایراد بند (۶) نظر شورای نگهبان:] «۶- ماده (۱۶)،^(۱) از این جهت که مشخص نیست آیا ماده (۱۱) بر این ماده حاکم است یا خیر، ابهام دارد. همچنین مشخص نیست که موارد مزبور در صورت وجود ترافع نیازمند به رسیدگی قضایی است یا خیر، مبهم بوده؛ پس از رفع ابهام‌های مذکور اظهار نظر خواهد شد.»

آقای عزیزاده - ماده (۱۱) مصوبه این بود: «ماده ۱۱- درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان‌دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر نماید، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی باطل و بلااثر است. ...» وقتی دیدید مجلس ماده (۱۶) را این‌طوری نوشته است، فرمودید که آیا این ماده (۱۶) ناظر به آن ماده (۱۱) است یا نیست. حالا آمده‌اند این کار را کرده‌اند. مجلس اینجا در ماده (۱۶) قبلی گفته بود: «ماده ۱۶- در موارد زیر بیمه‌گر مکلف است بدون اخذ تضمین خسارت زیان‌دیده را پرداخت کند ...».

۱. ماده (۱۶) لایحه بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۶- در موارد زیر بیمه‌گر مکلف است بدون اخذ تضمین، خسارت زیان‌دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به قائم‌مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی برای بازیافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت‌شده به شخصی که موجب خسارت شده است، مراجعه نماید:

الف- اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضایی

ب- رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان موثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.

پ- در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.

ت- در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن آگاه باشد.»

اینجا «بدون شرط» را نگفته است.

آقای رهپیک - بله، اینجا فقط «بدون اخذ تضمین» را گفته بود.

آقای علیزاده - بله، شما در ایراداتان گفتید که بدون شرط هم بیاید.

آقای رهپیک - ماده (۱۱) گفته بود که هر شرطی باطل و بلااثر است.

آقای علیزاده - حالا اصلاحیه‌ی ماده (۱۶) آمده گفته است: عبارت «در موارد بیمه‌گر زیر مکلف است بدون» حذف شود.

آقای مدرسی یزدی - بله، این عبارت حذف شده است.

آقای علیزاده - بله، این عبارت حذف شده است. تبدیل به چه شده است؟ «ماده ۱۶ - در صورت اثبات موارد زیر نزد مرجع صالح قضایی بیمه‌گر مکلف است بدون هیچ شرط و ...»^(۱) یک ایراد دیگر هم در خصوص ذکر نشدن مرجع قضایی در همین ماده داشتید. ماده (۱۶) دو تا ایراد داشت.

آقای رهپیک - مجلس خواسته است که این دو تا ایراد را یک جا رفع کند.

آقای علیزاده - این عبارت آمده جایگزین آن عبارت قبلی شده و این طوری شده است: «ماده ۱۶ - در صورت اثبات موارد زیر نزد مرجع صالح قضایی بیمه‌گر مکلف است بدون هیچ شرط و و اخذ تضمین، خسارت زیان‌دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به قائم‌مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی برای بازیافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت‌شده به شخصی که موجب خسارت شده است، مراجعه نماید: ...»

منشی جلسه - یعنی این طوری می‌شود: «... بدون هیچ شرط و اخذ تضمین ...»

آقای رهپیک - این ایراد «بدون شرط» نبودن پرداخت خسارت درست شده است. آن اشکال دیگری که گفته بودیم، این بود که در صورت ترافع، نیاز به رسیدگی قضایی دارد یا نه. اشکال این بود.

۱. اصلاحیه‌ی ماده (۱۶) لایحه بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی: «در سطر اول ماده (۱۶) عبارت «در موارد زیر بیمه‌گر مکلف است بدون» حذف و عبارت «در صورت اثبات موارد زیر نزد مرجع صالح قضایی بیمه‌گر مکلف است بدون هیچ شرط و» جایگزین می‌شود.»

آقای ابراهیمیان - بحث پیچیده شد.

آقای رهپیک - الآن مجلس در این اصلاحیه گفته است که کلیه‌ی این موارد [که ذیل ماده آمده] را ببرند نزد مرجع قضایی اثبات کنند، ولو کسی که [مسبب حادثه است و] گواهینامه ندارد، باید نزد مرجع قضایی برود.

آقای ابراهیمیان - ... [نارسایی صوت]

آقای رهپیک - اشکال شورای نگهبان این نبود.

آقای علیزاده - اگر این ماده اشکال دارد، بفرمایید که ایراد بگیریم.

آقای ابراهیمیان - یعنی رفع ایراد ما توسط مجلس باعث شد که یک مقدار آن تمهیدی که در این مصوبه بود، از بین برود. چون مجلس الآن همه چیز را موکول کرده است که به دست مرجع صالح قضایی برود. گفته است: «ماده ۱۶- در صورت اثبات موارد زیر نزد مرجع صالح قضایی بیمه‌گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین ...»

آقای علیزاده - ما ایرادمان هم قبلاً همین بود.

آقای ابراهیمیان - نه، ما در ایرادمان گفتیم که اگر اختلاف شد، زیان‌دیده نزد قاضی برود.

آقای علیزاده - بله، ما در ایرادمان گفتیم: در صورت وجود ترافع نیازمند به رسیدگی قضایی است.

آقای رهپیک - بله، مصوبه به مجلس که رفته، کلاً گفته است که اثبات همه‌ی آن موارد به دست مرجع قضایی باشد.

آقای علیزاده - ما هم که اینجا با هم بر سر این ایراد توافق کرده بودیم، همین بود که مجلس بنویسد در صورت ترافع نزد مرجع صالح قضایی برود. به طور کلی گفته‌اند همه‌ی موارد نزد مرجع قضایی برود.

آقای رهپیک - بله، هم کار را خیلی سخت می‌کند، هم بی‌فایده است.

آقای ابراهیمیان - اصلاً هدف ماده این بوده است که [بیمه به سرعت پرداخت گردد].

آقای یزدی - طبق قانون اساسی باشد که افراد در موارد اختلاف باید نزد مرجع قضایی بروند.

آقای علیزاده - بله، ولی برای غیر اختلاف که نباید به مراجع قضایی بروند.

آقای ابراهیمیان - می‌شود ما یک ابهام دیگر به این ماده بگیریم که مجلس آن ابهام را درست کند؟ می‌دانید چرا؟ چون مراد از وضع ماده (۱۶) این بوده است که در این موارد، پرداخت خسارت به راحتی صورت بگیرد.

آقای علیزاده - نه، اصلاً ما می‌توانیم بگوییم که ماده (۱۶) کار قضایی را زیاد می‌کند و مخالف سیاست‌های کلی است.^(۱) در مواردی که زیان دیده و بیمه‌گر ترافغ ندارند، چرا پیش دادگاه بروند؟

آقای ابراهیمیان - بله، می‌توانیم ایراد مغایرت با سیاست‌های کلی بگیریم.

آقای رهپیک - اصلاً مجلس ایراد ما را رفع نکرده است. ایراد ما در صورت ترافغ بود. آن ایراد را رفع نکرده‌اند. آن را درست کنند.

آقای علیزاده - نه، ما الآن دیگر نمی‌توانیم این را بگوییم. ما الآن باید بگوییم با این اصلاحی که به عمل آمده است، ...

آقای ابراهیمیان - ... با سیاست‌های کلی قضایی مغایر است. احسنت.

آقای علیزاده - یکی از بندهای هفده‌گانه سیاست‌های کلی قضایی این است که مردم کمتر به دستگاه قضایی مراجعه کنند.^(۲) این مصوبه دارد مراجعه‌ی مردم را افزایش می‌دهد. ما می‌خواهیم این ایراد را بگیریم. ما الآن می‌توانیم به این جهتی که گفتیم، ایراد بگیریم.

آقای ابراهیمیان - ایراد بگیرید.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که این ایراد را وارد می‌دانند، رأی بدهند. به نظر من، این ایراد مشکل را حل می‌کند. حاج آقای مؤمن، شما رأی نمی‌دهید؟

۱. در مجموع، دو مورد سیاست‌های کلی نظام به صورت معتبر در مورد قوه قضائیه وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: سیاست‌های کلی امنیت قضایی ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸ و سیاست‌های کلی قضایی (پنج‌ساله) ابلاغی ۱۳۸۸/۹/۲ مقام معظم رهبری.

۲. سند هفده‌ماده‌ای مربوط به سیاست‌های کلی امنیت قضایی ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸ مقام معظم رهبری است که صریحاً هیچ بندی اشاره به کاهش رجوع مردم به دستگاه قضایی یا پرونده‌های قوه‌ی قضائیه ندارد؛ اما از روح این سند و دلالت برخی بندهای آن ناظر به اصلاح ساختار قضایی در جهت عدالت قضایی با سرعت و دقت (بند (۱)) یا کاستن مراحل دادرسی برای دستیابی مردم به احکام قضایی در زمان مناسب (بند (۶)) یا تأکید بر روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی (بند (۹)) و مانند آن می‌توان به چنین برداشتی رسید.

آقای مؤمن - من اصلاً نمی فهمم.

آقای ابراهیمیان - مجلس گفته است همه‌ی موارد ماده (۱۶) به قوه‌ی قضائیه برود.

آقای یزدی - یعنی چه؟ دستگاه قضایی برای همین معین شده است دیگر.

منشی جلسه - پنج رأی شد.

آقای علیزاده - شش تا رأی شد.

آقای سوادکوهی - یک سری موارد باید بحث بشود. اموری که جنبه‌ی حقوقی دارد، جنبه‌ی قضایی پیدا می‌کند، [باید به دادگاه برود]. اینکه مجلس همه‌ی موارد را آزاد کند [صحیح نیست].

آقای علیزاده - چشم، ما دوباره برمی گردیم آنجا را هم رأی می گیریم. الآن این ایراد را رأی بگیرید که خلاف [سیاست‌های کلی] می دانید یا نمی دانید.

منشی جلسه - آقای دکتر اسماعیلی، شما به این ایراد رأی ندادید؟

آقای اسماعیلی - ... [نارسایی صوت]

آقای علیزاده - الآن این ماده (۱۶) دارد کار دستگاه قضایی را اضافه می‌کند. حضرات آقایانی که به این ایراد رأی می دهند، رأی بدهند.

آقای علیزاده - حاج آقای مدرسی هم رأی دادند.

منشی جلسه - پنج تا رأی شد.

آقای مؤمن - ایراد شورای نگهبان چه بود؟ الآن این ایراد در این ضمایم نیست.

آقای علیزاده - چرا؛ هست.

آقای مؤمن - این ایراد اصلاً این ذیل نیست.

آقای علیزاده - ما ذیل این ایراد نوشته‌ایم: «۶- ... همچنین مشخص نیست که موارد مزبور در صورت وجود ترافع نیازمند به رسیدگی قضایی است یا خیر».

آقای مدرسی یزدی - بله، این ایراد آمده است.

آقای علیزاده - مجلس هم در صورت ترافع و هم غیر ترافع هر دو را گفته است که باید نزد مرجع قضایی بروند.

آقای سوادکوهی - خوب است دیگر.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم این اصلاحیه کار دستگاه قضایی را اضافه می‌کند. در موردی که طرفین با هم توافق دارند، چرا برای اثبات به مرجع قضایی بروند؟! این

ماده خلاف آن سیاست‌های کلی است که حضرات آقا [= مقام معظم رهبری] فرموده‌اند که باید قضا زدایی بشود.

آقای سوادکوهی - این چه ربطی به ما دارد؟ این یک امر قضایی است. بالاخره باید [دادگاه آن موارد را تشخیص دهد].

آقای علیزاده - وقتی طرفین با هم توافق دارند و دعوا هم ندارند، به دادگستری بروند؟!

آقای مدرسی یزدی - ببینید؛ آنجایی که طرفین دعوا ندارند، جای سوء استفاده [برای بیمه‌گر] هم نیست؛ چرا؟ به خاطر اینکه آن کسی که آسیب‌دیده است، می‌خواهد خسارت را از بیمه‌گر بگیرد، بیمه هم نمی‌خواهد خسارت را ندهد. اگر اینها با هم توافق بکنند، مشکل به وجود می‌آید؟!

آقای ابراهیمیان - احسنت.

آقای علیزاده - آقای دکتر، شما رأی می‌دهید یا نمی‌دهید؟

آقای اسماعیلی - ... [نارسایی صوت]

آقای ابراهیمیان - چرا زبان دیده باید نزد مرجع صالح قضایی برود؟ اصلاً فلسفه‌ی این ماده [خلاف این موضوع است].

آقای سوادکوهی - آخر این موضوع اصلاً یک بحث جدایی است.

آقای علیزاده - ما الآن این را می‌گوییم؛ می‌گوییم با توجه به اینکه اشکال ما در این خصوص با وجود ترافع بوده است، [هنوز ایراد باقی است].

آقای اسماعیلی - می‌دانم؛ فقط در صورت ترافع به مرجع صالح قضایی مراجعه شود.

آقای علیزاده - مجلس آمده همه را برای ارجاع به دادگاه اضافه کرده است. این خلاف سیاست‌های کلی هم است. اگر رأی می‌دهید، این طوری رأی بدهید.

آقای مدرسی یزدی - خلاف اصل قانون اساسی نیست؛ فقط خلاف سیاست‌های کلی است.

آقای ابراهیمیان - می‌خواهید ابهام بگیریم؟ به ابهام رأی می‌دهید؟

آقای اسماعیلی - ما به ابهام رأی می‌دهیم.

آقای یزدی - ابهامی ندارد. اگر طرفین ترافع ندارند و توافق دارند، بسیار خوب، مشکلی نیست.

اگر اختلاف دارند، مرجع اختلاف هم دستگاه قضایی است. دستگاه قضایی برای همین تهیه شده است که هر وقت طرفین نتوانستند به توافق برسند، دستگاه قضایی بررسی کند.

آقای سوادکوهی - کاملاً درست است.

آقای علیزاده - خب، این ماده الآن همه‌ی موارد را گفته است که به مرجع صالح قضایی رجوع شود. الآن این ماده مطلق گفته است. فقط در فرض ترافع را نگفته است.

آقای ابراهیمیان - این ماده همه‌ی موارد را گفته است.

آقای یزدی - چرا؛ فقط در صورت ترافع گفته است.

آقای علیزاده - نه، همه‌ی فروض را گفته است.

آقای یزدی - مگر در ایرادمان نگفتیم در صورت وجود ترافع، نیازمند به رسیدگی قضایی است یا خیر؟

آقای علیزاده - نه، این فرض ترافع در متن اشکال ما آمده است.

آقای یزدی - شما در ایراداتان سؤال کرده‌اید که در صورت وجود ترافع، نیازمند به رسیدگی قضایی هست یا خیر و از این جهت مبهم است. حالا مجلس اشکالتان را رفع کرده است. اینکه شما می‌گویید که اشکال را رفع نکرده است، یک بحث دیگر است.

آقای سوادکوهی - رأی‌گیری شد دیگر؛ چرا شما اصرار می‌کنید؟

آقای ابراهیمیان - نه، طبق این ماده در فرض بدون ترافع هم پرونده به دادگستری می‌رود.

آقای یزدی - [متن ایراد ما این بوده است:] «... و همچنین مشخص نیست که موارد مزبور در صورت وجود ترافع نیازمند به رسیدگی قضایی است یا خیر، مبهم بوده؛ پس از رفع ابهام‌های مذکور اظهار نظر خواهد شد.»

آقای سوادکوهی - اصرار نکنید.

آقای علیزاده - حالا مجلس در ادامه گفته است که همه‌ی موارد نزد مرجع صالح قضایی برود.

آقای یزدی - حالا مجلس رفع ابهام کرده است.

آقای علیزاده - مجلس رفع ابهام کرده است؛ اما اشکال دارد.

آقای یزدی - اشکالی ندارد.

منشی جلسه - شما به این ایراد بگیری. از نظر مغایرت با خود اصول قانون اساسی اشکال بگیرد.

آقای یزدی - چرا؟ به خاطر اینکه دستگاه قضایی جای [تشخیص این موارد نیست]؟

منشی جلسه - شما بگویید که چون [اصل (۱۵۶)] قانون اساسی «حل ترافع» گفته است [وظیفه‌ی قوه‌ی قضائیه غیر از این نیست].

آقای عزیزاده - طبق قانون اساسی هم همین است. قوه‌ی قضائیه باید به دعوای بین اشخاص رسیدگی بکند. غیر دعوای که قوه‌ی قضائیه رسیدگی نمی‌کند.

آقای یزدی - دعوا نه، ترافع آمده است. در صورت ترافع، دستگاه قضایی باید رسیدگی کند.

آقای سوادکوهی - درست است دیگر.

آقای عزیزاده - بله، اما این ماده‌ی اصلاحی فرض ترافع را ندارد.

آقای یزدی - در صورت ترافع آمده است دیگر؛ چون اصلاً اشکال شما این بود. «... همچنین مشخص نیست که موارد مزبور در صورت وجود ترافع نیازمند به رسیدگی قضایی است یا خیر...»

آقای اسماعیلی - ما این اشکال را قبول داریم. در صورتی که موضوع ترافعی نیست، برای چه به قوه‌ی قضائیه برود؟

آقای یزدی - نه، نباید بروند.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای عزیزاده - خب، این ماده می‌گوید بروند.

آقای ره‌پیک - این ماده می‌گوید بروند.

آقای عزیزاده - [بند (الف) ماده (۱۶) این است:] «الف - اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضایی؛ این بند (الف) درست است. «ب - رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان مؤثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.» ما گفتیم آنجا که ترافع می‌شود، باید دادگاه بروند.

آقای اسماعیلی - ما باید اینجا این‌طوری اشکال کنیم؛ ارجاع مواردی که ترافعی نیستند، به قوه‌ی قضائیه خلاف اصول مربوط به صلاحیت‌های قوه‌ی قضائیه است.

آقای شب‌زنده‌دار - احسنت.

آقای مدرسی یزدی - نه، یک‌طور دیگر هم می‌شود گفت که ایراد بهتر به نظر آید؛ بگوییم این ماده خلاف ایجاد نظام اداری صحیح است. [بند (۱۰) اصل (۳) قانون

اساسی] را در این مورد داریم.

آقای اسماعیلی - نه خب، این عبارت ماده، اصلاً اصل قانون اساسی است. [اصل (۱۵۹)] قانون اساسی می‌گوید که تظلمات به قوهی قضائیه برود.

آقای علیزاده - خود قانون اساسی می‌گوید که مرجع رسمی تظلمات، دادگستری است و به آنجا برود. غیر تظلمات برای چه به دادگستری برود؟

آقای اسماعیلی - برای چه من زیان دیده مجبورم در هر صورت به قوهی قضائیه بروم؟ این ایراد را وارد کنیم.

آقای علیزاده - بله.

آقای رهپیک - اصلاً اشکال ما همین بود که اگر اختلاف شد، ترافع شد، بررسی آن در صلاحیت قوهی قضائیه است.

آقای علیزاده - بله، در فرض ترافع بود.

آقای مدرسی یزدی - اینکه معلوم است.

آقای رهپیک - نه، پس مجلس اشکال را رفع نکرده است. گفته است کلاً همه‌ی موارد نزد مرجع صالح قضایی برود. ما بگوییم این ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، حالا ببینید؛ بعضی از چیزهایی هم که کارشناسی می‌خواهد، به قوهی قضائیه ارجاع می‌دهند.

آقای رهپیک - نه، تازه خود قوهی قضائیه موضوعات را به کارشناس ارجاع می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - بسیار خب، به هر حال قاضی کارشناس را انتخاب می‌کند. ولی اصلاً این ماده خلاف نظام صحیح اداری است. چیزی که نیازی به قوهی قضائیه ندارد، به قوهی قضائیه ارجاع می‌دهند.

آقای علیزاده - [اصل (۱۵۹) قانون اساسی] صراحت دارد که قوهی قضائیه مرجع رسمی تظلمات است.

آقای رهپیک - اصلاً داشتن گواهینامه یا نداشتن گواهینامه که در این بندها آمده است، چه ربطی به قوهی قضائیه دارد؟ این ماده می‌گوید برو قوهی قضائیه، بین گواهینامه داری یا نداری.

آقای اسماعیلی - بله، چه ربطی دارد؟

آقای اسماعیلی - آقای دکتر، شما به این چیزی که من عرض می‌کنم، رأی می‌دهید که

این ماده خلاف اصول مربوط به صلاحیت‌های قوه قضائیه است. اگر ترافعی نیست، برای چه پرونده را به قوه قضائیه بفرستیم؟

آقای سوادکوهی - خب، اگر ترافعی نباشد، اصلاً به قوه قضائیه نمی‌رود.

آقای اسماعیلی - ما هم همین را می‌گوییم.

آقای علیزاده - خب، این ماده (۱۶) دارد می‌گوید که در همه‌ی فروض به قوه قضائیه برود.

آقای سوادکوهی - نه، نگفته است که در همه جا باید به قوه قضائیه برود.

آقای ره‌پیک - چرا دیگر؛ می‌گوید اثبات اینکه فرد گواهینامه دارد یا ندارد، با قوه قضائیه است.

آقای سوادکوهی - گفته است کلیه‌ی مسائل بیمه‌ای باید به دادگاه برود. خصوصاً همان ماده‌ای که من قبلاً عرض کردم. از این بحث رد شویم. آقای علیزاده، این ایراد رأی نیابرد. چرا اصرار می‌کنید؟

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله یزدی، ما ماده (۱۶) را ایراد گرفتیم. ایراد ماده (۱۸) جدا است که مجلس رفع کرده است. ولی ماده (۱۶) را به این صورت اصلاح کرده‌اند که فرد مطلقاً به قوه قضائیه برود.

آقای یزدی - یعنی ایراد مواد (۱۶) و (۱۸) را دوتایی جواب داده است.

آقای علیزاده - نه.

آقای یزدی - چرا؛ مجلس اینجا به دو تا ایراد جواب داده است؛ برای اینکه هر دو تا ماده (۱۶) و (۱۸) یک اشکال بوده است.

آقای علیزاده - ماده (۱۶) را جداگانه اصلاح کرده‌اند.

آقای یزدی - آقای علیزاده، اشکال را بخوانید. شما آن اشکال را عطف کرده‌اید؛ گفتید «و همچنین مشخص نیست...».

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله یزدی، اگر ایراد ما این بود که مواد (۱۶) و (۱۸) ایراد دارد و مجلس می‌آمد یک تبصره اضافه می‌کرد که در این دو ماده در صورت ترافع، فرد به مرجع صالح قضایی برود، درست است. اما الآن ماده (۱۶) بدون قید ترافع است، ماده (۱۸) با قید ترافع است.

آقای یزدی - این ماده (۱۶) می‌گوید موقعی که ترافع هست، به مرجع صالح قضایی

مراجعه شود. درست است که آنجایی که ترافعی نیست، نمی‌گوید به دستگاه قضایی مراجعه کند.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ اطلاق ماده (۱۶) همین را می‌گوید.

آقای یزدی - مجلس دو تا اشکالتان را یک جا جواب داده است.

آقای سوادکوهی - این ماده این طور نیست که همه‌ی موارد در ارتباط با پرداخت بیمه را به دادگاه ارجاع دهد. اصلاً این ماده این را نمی‌گوید.

آقای اسماعیلی - چرا؛ دارد این را می‌گوید.

آقای سوادکوهی - چنین چیزی را نمی‌گوید. شما این طور استنباط می‌کنید.

آقای اسماعیلی - خب، باشد.

آقای مدرسی یزدی - ماده (۱۶) می‌گوید در صورت اثبات [در نزد مرجع صالح قضایی، بیمه‌گر فلان تکلیف را دارد].

آقای سوادکوهی - نه، آن یک بحث دیگری است.

آقای یزدی - در صورت ترافع [باید به مرجع صالح قضایی مراجعه کند]؛ اگر فردی ترافع ندارد، مراجعه نکند.

آقای عزیززاده - حالا ببینید فردا قاضی چگونه رأی می‌دهد.

آقای سوادکوهی - هیچ دادگاهی هم این استنباط شما را نمی‌کند.

آقای یزدی - معلوم است دیگر.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر زیان‌دیده به دادگاه نرفته باشد و دادگاه تأیید نکرده باشد، به چه برهانی می‌تواند برود خسارت را از بیمه‌گر بگیرد؟

آقای سوادکوهی - آنچه مورد توافق است، اصلاً نیازی به مراجعه به دادگاه ندارد.

آقای ره‌پیک - نه، این ماده دارد می‌گوید در صورت «اثبات» [در نزد مرجع صالح قضایی، بیمه‌گر فلان تکلیف را دارد].

آقای سوادکوهی - «نه» یعنی چه؟

آقای ره‌پیک - ماده (۱۶) این را گفته است دیگر.

آقای یزدی - در صورتی که ترافع بشود، به مرجع صالح قضایی مراجعه کند.

آقای سوادکوهی - ماده (۱۶) یعنی اگر [ترافعی بود]، در صورت اثبات در دادگاه برود خسارتش را از بیمه بگیرد.

آقای علیزاده - الآن ما شش تا رأی داریم. یک رأی را بعداً می‌گیریم. اصلاً ماده (۱۶) دارد کار دادگستری را زیاد می‌کند و خلاف سیاست‌های کلی است. به نظر من، خلاف سیاست‌های کلی نظام است.

آقای ره‌پیک - بله.

آقای مدرسی یزدی - ولی آن اشکالی که آقای دکتر اسماعیلی می‌گویید، وارد نیست؛ چون اول آن اصل (۱۵۶) قانون اساسی دارد: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ...»^(۱) اطلاقش می‌تواند شامل اینجا هم بشود؛ یعنی صلاحیت قوه‌ی قضائیه فقط در مورد ترافعات نیست.

آقای اسماعیلی - باید موضوع ترافعی بشود تا قوه‌ی قضائیه رسیدگی کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، فقط ترافع نیست. [طبق اصل (۱۵۶) قانون اساسی] قوه‌ی قضائیه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی است.

آقای اسماعیلی - اصلاً امر قضا برای چیست؟

آقای مدرسی یزدی - یکی از کارهای قوه‌ی قضائیه حل ترافع است.

آقای اسماعیلی - نه، وقتی ترافع شد و طرفین به دادگاه رفتند، قوه‌ی قضائیه باید پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی باشد.

آقای مدرسی یزدی - رسیدگی به ترافع یکی از کارهای قوه‌ی قضائیه است.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، قوه‌ی قضائیه نصب قیّم می‌کند، چه می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - آن کارها امور حسبیه است.

۱. اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل

که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین»

آقای مدرسی یزدی - باشد؛ عبارت «پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی» شامل این موارد هم می‌شود.

آقای یزدی - غیر از اصل (۱۵۶) قانون اساسی خود این ماده (۱۶) می‌گوید «در صورت ترافع» به مرجع صالح قضایی مراجعه شود؛ یعنی اگر ترافع نیست، مراجعه به مرجع قضایی لازم نیست. معنای عبارت «در صورت اثبات» این است که هر جا ترافع هست، به مرجع قضایی مراجعه شود.

آقای مدرسی یزدی - احیای حقوق عامه، گسترش عدل و مانند آن هم از وظایف قوه‌ی قضائیه است.

آقای علیزاده - حالا بیایید به این ابهام رأی بدهید؛ بگوییم که اگر ولو اینکه ترافع هم نباشد، باید به مرجع قضایی مراجعه شود یا خیر.

آقای اسماعیلی - ما حرفی نداریم.

آقای مدرسی یزدی - این ماده [طبق بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی] خلاف نظام صحیح اداری است دیگر. ابهامی ندارد.

آقای علیزاده - به این ابهام رأی می‌دهید؟

آقای مدرسی یزدی - ابهامی ندارد.

آقای ابراهیمیان - ابهام بهتر از ایراد جواب داد.

منشی جلسه - ابهام رأی لازم را دارد.

آقای اسماعیلی - ابهام رأی دارد دیگر.

آقای علیزاده - بسیار خوب، ابهام رأی آورد. از این جهت ابهام دارد که آیا در صورت عدم ترافع هم باید به مرجع قضایی مراجعه کنند یا نه.

آقای یزدی - مجلس بلافاصله جواب شما را می‌دهد که معنای «در صورت ترافع»، یعنی در صورت عدم ترافع، نه؟! ماده (۱۶) ابهامی ندارد؛ «در صورت ترافع» گفته است.

آقای شب‌زنده‌دار - چنین چیزی را نگفته است.

آقای علیزاده - نگفته است. آن ماده‌ای که قید ترافع را ذکر کرده است، ماده (۱۸) است.

آقای مؤمن - این ماده (۱۶) اصلاً وظیفه‌ای را برای کسی مشخص نمی‌کند؛ بلکه

می‌گوید بیمه‌گر مکلف است این امور زیر را انجام بدهد. منتها چه وقت این امور را انجام بدهد؟ در صورتی که نزد مرجع صالح قضایی این موارد زیر ثابت شده باشد.

آقای ره‌بیک - بله دیگر.

آقای مؤمن - خب، باید نزد مرجع قضایی ثابت شده باشد. نمی‌گوید که دست مرجع قضایی بدهید. می‌گوید در غیر این صورت، بیمه‌گر موظف به پرداخت خسارت نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - بیمه‌گر موظف به پرداخت خسارت نیست و برای این پرداخت، اختیار دارد. ولی می‌تواند خسارت مردم را ندهد.

آقای مؤمن - خب بله، این‌طور باشد، چه عیبی دارد؟

آقای سوادکوهی - آقای دکتر، اشکالی پیش نمی‌آید.

آقای مدرسی یزدی - در این صورت، هیچ‌وقت شرکت‌های بیمه پرداخت را انجام نمی‌دهند. طرف را اذیت می‌کنند.

آقای علیزاده - خب، بالاخره ابهام رأی آورده است دیگر. سراغ ماده‌ی بعدی برویم.^(۱) [ایراد بند (۷) نظر شورای نگهبان: «۷- در ماده (۱۸)،^(۲) با توجه به ذکر تشخیص اثبات نزد مراجع قضایی در بند (ت)، عدم ذکر مراجعه به مرجع قضایی صالح در بندهای (الف) و (ب) این ابهام وجود دارد که در صورت ترافع، تشخیص بیمه‌گر بدون مراجعه به مرجع قضایی صالح لازم‌الاجرا است. لذا باید این دو بند به نحو

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۱۸۳ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان: «۱- ماده (۱۶)، از این جهت که مشخص نیست آیا در صورت عدم ترافع هم نیاز به اثبات موارد مذکور نزد مرجع قضایی دارد یا خیر، مبهم است. پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.»

۲. ماده (۱۸) لایحه بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۸- موارد زیر از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است:

الف- خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه و محصولات آن

ب- خسارت مستقیم و یا غیر مستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو

پ- جریمه یا جزای نقدی

ت- اثبات قصد زیان‌دیده در ایراد صدمه به خود مانند خودکشی، اسقاط جنین و نظایر آن و نیز اثبات هر نوع خدعه و تبانی نزد مراجع قضایی»

مذکور اصلاح گردند.» مجلس یک تبصره اضافه کرده و گفته است: «تبصره - در صورتی که در موارد بندهای (الف) و (ب) اختلافی وجود داشته باشد، معترض می تواند به مرجع قضایی صالح رجوع کند.»

آقای مؤمن - معترض می تواند یا باید به مرجع صالح قضایی مراجعه کند؟
آقای مدرسی یزدی - نه دیگر.

آقای علیزاده - این حق معترض است.

آقای مؤمن - خب، همین طور است. پس زیان دیده «می تواند» مراجعه کند.
آقای علیزاده - «می تواند» به همین معنا است دیگر. اگر توافقی باشد، آن کسی که ذی حق است، می تواند به مرجع قضایی صالح رجوع کند. مگر ما به ذی حق می گوئیم که حتماً برو شکایت کن؟ مفاد این تبصره «می تواند» است. این «می تواند» یعنی به او اجازه می دهد مراجعه به مرجع قضایی می دهد.

آقای یزدی - ابهام رفع شده است.

آقای علیزاده - بله، [ایراد بند (۸) نظر شورای نگهبان: «۸- در ماده (۱۹)،^(۱) اگر منظور از «ضوابط»، آیین نامه اجرایی مربوطه با توجه به قوانین ذی ربط است، باید عبارت اصلاح شود. چنانچه تعیین ضوابط به معنای تقنین باشد، باید توسط مجلس محترم ضوابط امر مشخص گردد.» مجلس این ماده را به این صورت اصلاح کرده است: «ماده ۱۹- آیین نامه مربوط به تعیین سقف حق بیمه موضوع این قانون و نحوه تخفیف، افزایش یا تقسیم آن توسط بیمه مرکزی تهیه می شود و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می رسد.
در آیین نامه مذکور باید عوامل زیر مد نظر قرار گیرد: ...»

۱. ماده (۱۹) لایحه بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۹- ضوابط تعیین سقف حق بیمه موضوع این قانون و نحوه تخفیف، افزایش یا تقسیم آن به موجب آیین نامه ای است که توسط بیمه مرکزی تهیه می شود و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می رسد.
در آیین نامه مذکور باید عوامل زیر مد نظر قرار گیرد:

الف- ویژگی های وسیله نقلیه از قبیل نوع کاربری، سال ساخت و وضعیت ایمنی آن

آقای مؤمن - یعنی منظور مجلس «آیین نامه» است.

آقای علیزاده - بله، عوامل زیر اینهاست: «الف- ویژگی های وسیله نقلیه از قبیل نوع

کاربری، سال ساخت و وضعیت ایمنی آن

ب- سوابق رانندگی و بیمه ای دارنده شامل نمرات منفی و تخلفات ثبت شده توسط

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موضوع قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی،

خسارت های پرداختی توسط بیمه گر یا صندوق بابت حوادث متناسب به وی

پ- رایج بودن استفاده از وسیله نقلیه برای اقشار متوسط و ضعیف شامل

موتورسیکلت و خودروهای سواری ارزان قیمت

در آیین نامه موضوع این ماده باید ملاحظات اجتماعی در تعیین حق بیمه وسایل

نقلیه پر کاربرد اقشار متوسط و ضعیف جامعه مد نظر قرار گیرد.» این ماده گفته

است که یک آیین نامه ای با این ضوابط بنویسند.

آقای مدرسی یزدی - ولی به نظر من، مجلس واقعاً دوباره هیچ ضابطه ای مربوط به

تعیین سقف حق بیمه برای آیین نامه نداده است.

آقای علیزاده - این همان اشکال سابق شما است. مجلس ضوابط که داده است.

آقای مؤمن - سقف حق بیمه که طبق همان [ماده (۸)] است.

آقای مدرسی یزدی - حق بیمه چه سقفی باید داشته باشد؟ باید سقفی داشته باشد که

عدالانه باشد. این را باید بنویسند.

آقای مؤمن - آنجا [= ماده (۸)] گفته است.

آقای یزدی - ماده (۱۹) دارد می گوید که آیین نامه توسط بیمه ی مرکزی تهیه می شود و

به تصویب هیئت وزیران می رسد.

آقای علیزاده - همه ی ضوابط [را که نمی شود نوشت].

آقای مدرسی یزدی - این قید «عدالانه» همه ی ضوابط نمی شود.

آقای یزدی - چرا دیگر؛ ادامه ی عبارت را هم لطف کنید گوش بدهید: «ماده ۱۹-

ضوابط تعیین سقف حق بیمه موضوع این قانون و نحوه تخفیف، افزایش یا تقسیط آن

به موجب آیین نامه ای است که توسط بیمه مرکزی تهیه می شود و پس از تأیید شورای

عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می رسد.»

آقای مدرسی یزدی - ما به همین اشکال داریم.

- آقای یزدی** - نه دیگر؛ آیین نامه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.
- آقای علیزاده** - حالا حضرات آقایانی که نسبت به این اصلاح به عمل آمده، اشکال مربوط به ماده (۱۹) را همچنان به قوت خود باقی می‌دانند، بفرمایند.
- آقای مدرسی یزدی** - من در مورد سقف حق بیمه بدون تعیین ضابطه اشکال دارم.
- آقای علیزاده** - ماده (۱۹) این همه ضابطه داده است.
- آقای مدرسی یزدی** - ضابطه نداده؛ چه ضابطه‌ای داده است؟ در مورد تعیین سقف، چه ضابطه‌ای دارد؟ بگویید کجاست؟
- آقای یزدی** - سقف آن را در آیین نامه می‌گویند و به تأیید هیئت وزیران می‌رسد.
- آقای مدرسی یزدی** - این طوری نمی‌شود.
- آقای علیزاده** - در همه‌ی موارد، دولت قیمت‌گذاری می‌کند. اصلاً نیاز به قانون ندارد.
- آقای مدرسی یزدی** - چرا؛ باز نحوه‌ی قیمت‌گذاری دولت، ضابطه دارد.
- آقای علیزاده** - این بندهای مذکور در ماده (۱۹) ضابطه‌هایش است.
- آقای مدرسی یزدی** - آن ضابطه‌ها کجا است؟ صدر ماده (۱۹) چه ضابطه‌ای دارد؟
- آقای علیزاده** - ماده (۱۹) گفته است با در نظر گرفتن اینها آیین نامه تدوین شود.
- آقای سوادکوهی** - این ماده (۱۹) اصلاً فرقی نکرده است.
- آقای مدرسی یزدی** - بله، چه فرقی کرده است؟
- آقای سوادکوهی** - ایراد این ماده رأی نیاورد؟
- آقای علیزاده** - اگر شما هم رأی بدهید، دو تا می‌شود.
- آقای سوادکوهی** - هیچ فرقی نکرده است. مجلس فقط «ضوابط» را تبدیل به «آیین نامه» کرده است.
- آقای مؤمن** - هیچ فرقی نکرده است؟
- آقای مدرسی یزدی** - مجلس یک چیزهایی گفته است.
- آقای سوادکوهی** - نه، هیچ فرقی نکرده، هیچ چیزی نشده است. ماده (۱۹) قبلی هم همین بود. فقط یک کلمه‌ی «ضوابط» بیشتر نوشته بود.
- آقای شب‌زنده‌دار** - [معلوم نبود که این «ضوابط» در ماده (۱۹) قبلی] ضوابط آیین نامه‌ای بود یا ضوابط قانونی.
- آقای ابراهیمیان** - مرجعش معلوم نبود.

آقای سوادکوهی - نه دیگر؛ مرجع تعیین ضابطه معین بود.

آقای مدرسی یزدی - ماده (۱۹) قبلی هم مرجع تعیین ضابطه را گفته بود.

آقای سوادکوهی - بله.

آقای علیزاده - [ایراد بند (۹) نظر شورای نگهبان: «۹- در تبصره (۲) ماده (۲۶)،^(۱)»

در خصوص تعیین میزان باز یافت از مسبب حادثه در صورتی که قانونی وجود دارد، صراحتاً مشخص گردد؛ و الا مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی است. همچنین سایر امور مذکور از مواردی است که باید به صورت آیین نامه تصویب شود؛ لذا تصویب آن در قالب دستورالعمل، مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی می باشد.» مجلس تبصره (۲) را به این ترتیب اصلاح کرده است: «تبصره ۲- صندوق مجاز است با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت وقوع حادثه، علت نداشتن بیمه نامه، سوابق بیمه ای مسبب حادثه، وضعیت مالی و معیشتی مسبب حادثه و سایر اوضاع و احوال مؤثر در وقوع حادثه نسبت به تقسیط یا تخفیف در باز یافت خسارت از مسبب حادثه اقدام کند. نحوه باز یافت از مسبب حادثه با رعایت مقررات راجع به نحوه اجرای محکومیت های مالی و میزان باز یافت مطابق آیین نامه ای است که بنا به پیشنهاد هیئت نظارت صندوق و مجمع عمومی صندوق به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می رسد.»

آقای مؤمن - خود مجلس در این مصوبه آن ضوابط را تعیین کرده است.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که با این اصلاح به عمل آمده ایراد را باقی می دانند،

۱. تبصره (۲) ماده (۲۶) لایحه بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۶- صندوق مکلف است بدون اخذ تضمین از زیان دیده یا مسبب زیان، خسارت زیان دیده را پرداخت نموده و پس از آن مکلف است به شرح زیر به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی وجوه پرداخت شده را باز یافت نماید: الف- در صورتی که پرداخت خسارت به سبب نداشتن، انقضا یا بطلان بیمه نامه باشد، به مسبب حادثه رجوع می کند.

ب- ...

تبصره ۲- نحوه و میزان باز یافت از مسبب حادثه با رعایت مقررات راجع به نحوه اجرای محکومیت های مالی مطابق دستورالعملی است که بنا به پیشنهاد هیئت نظارت صندوق به تصویب مجمع عمومی صندوق می رسد.»

بفرمایند. کسی نبود؟

منشی جلسه - [ایراد بند (۱۰) نظر شورای نگهبان:] «۱۰- در بند (ب) ماده (۲۹)،^(۱) عضو ناظر در صورت لزوم باید توسط مجلس محترم انتخاب شود و انتخاب آن از سوی کمیسیون مغایر قانون اساسی شناخته شد.» مجلس این طور اصلاح کرده است: «در فراز دوم بند (ب) ماده (۲۹) عبارت «به انتخاب کمیسیون مذکور» حذف و عبارت «به پیشنهاد کمیسیون مذکور و تصویب مجلس شورای اسلامی» جایگزین می‌شود.» ایراد بعدی، [ایراد بند (۱۱) نظر شورای نگهبان:] «۱۱- در ماده (۴۲)،^(۲)

۱. بند (ب) ماده (۲۹) لایحه بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۹- صندوق، نهاد عمومی غیردولتی است و چگونگی اداره آن بر اساس اساسنامه‌ای است که با رعایت موارد زیر و به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و ظرف مهلت شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

الف- ارکان صندوق عبارتند از مجمع عمومی، هیئت نظارت، مدیر صندوق و حسابرس.

ب- اعضای مجمع عمومی صندوق عبارت از وزرای امور اقتصادی و دارایی به عنوان رئیس مجمع، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دادگستری و صنعت، معدن و تجارت، دادستان کل کشور (بدون حق رأی) و رئیس کل بیمه مرکزی است. مجمع عمومی صندوق حداقل یک بار در سال تشکیل می‌شود. مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نیز به تقاضای هر یک از اعضا به دعوت رئیس مجمع تشکیل می‌شود. یکی از نمایندگان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون مذکور به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی در جلسات مجمع شرکت می‌کند. مدیر صندوق بدون حق رأی دبیر مجمع عمومی است.

پ- ...»

۲. ماده (۴۲) لایحه بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۲- به منظور ساماندهی امور مربوط به حوادث رانندگی، دولت مکلف است «سامانه جامع حوادث رانندگی» را مطابق مقررات این قانون با مشارکت همه دستگاه‌های ذی‌ربط ایجاد و نسبت به روزآمد کردن و تحلیل مستمر داده‌های آن اقدام کند.

نیروی انظمایی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (مراکز اورژانس و بیمارستان‌ها)، سازمان پزشکی قانونی و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران موظفند اطلاعات مربوط به سوانح رانندگی را فوراً در سامانه مذکور ثبت نمایند.

قوه قضائیه نیز مکلف است اطلاعات مربوط به آرای قضایی راجع به حوادث رانندگی را در سامانه مذکور قرار دهد.

دولت موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، سامانه مزبور را

معادل فارسی واژه «اورژانس» ذکر شود؛ و آلا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی شناخته شد. در اصلاحیه‌ی مجلس عبارت «فوریت‌های پزشکی» جایگزین کلمه‌ی «اورژانس» شده است.^(۱)

آقای عزیزاده - کلمه‌ی «اورژانس» را هم داخل پرائتز بعد از «فوریت‌های پزشکی» آورده‌اند.

منشی جلسه - [ایراد بند (۱۲) نظر شورای نگهبان]: «۱۲- در انتهای ماده (۴۷)،^(۲) عبارت «حسب مورد» ذکر شود». مجلس همین کار را انجام داده است.^(۳) یک تذکر هم [در بند (۱) تذکرات مندرج در نظر قبلی شورای نگهبان] وجود داشت: «۱- در ماده (۴۹)،^(۴) عنوان دقیق ستاد مذکور ذکر شود». این اصلاح هم انجام شده است.^(۵)

→

راهندازی و دسترسی برخط (آنلاین) به آن را برای کلیه واحدهای نیروی انتظامی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شرکت‌های بیمه و صندوق و واحدهای قضایی فراهم نماید.»

۱. اصلاحیه‌ی ماده (۴۲) لایحه بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی: «در فراز دوم ماده (۴۲) عبارت «فوریت‌های پزشکی (اورژانس)» جایگزین کلمه «اورژانس» می‌شود.»

۲. ماده (۴۷) لایحه بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۷- عقد هرگونه قرارداد حمل و نقل بار یا مسافر از سوی دستگاه‌های اجرایی و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و مراکز آموزشی و کلیه اشخاص حقوقی در مواردی که به موجب قوانین و مقررات مربوطه مجاز می‌باشد، با دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث معتبر، ممنوع است. عدم اجرای تکلیف فوق، تخلف اداری یا انتظامی محسوب می‌شود.»

۳. اصلاحیه‌ی ماده (۴۷) لایحه بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی: «در انتهای ماده (۴۷) بعد از عبارت «تکلیف فوق»، عبارت «حسب مورد» اضافه می‌شود.»

۴. ماده (۴۹) لایحه بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۹- ستاد سوخت مکلف است از صدور هرگونه کارت سوخت و تخصیص اولیه سهمیه یا ادامه آن برای وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه خودداری کند. تبصره- بیمه مرکزی و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلفند اطلاعات مربوط به وسایل نقلیه مذکور را به صورت برخط در اختیار ستاد سوخت قرار دهند.»

۵. اصلاحیه‌ی ماده (۴۹) لایحه بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی: «در ماده (۴۹) و تبصره آن عبارت «ستاد

←

آقای مؤمن - «ستاد مدیریت و حمل و نقل سوخت» آمده است.

منشی جلسه - بله. [ایراد بند (۱۳) نظر شورای نگهبان: «۱۳- در ماده (۵۹)،^(۱) تعیین نوع و میزان مجازات‌های مذکور باید حداقل مبتنی بر آیین‌نامه‌ای که متکی به قانون است، باشد. همچنین در تبصره (۳) این ماده، عدم واریز جریمه به خزانه، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد. به علاوه در تبصره (۵)، لازم‌الاجرا بودن تصمیمات کمیسیون این ابهام را دارد که به معنای سلب حق مراجعه به مرجع صالح قضایی است که مغایر اصل (۱۵۹) قانون اساسی است.» مجلس ماده

→

مدیریت حمل و نقل و سوخت»، جایگزین عبارت «ستاد سوخت» می‌شود.»

۱. ماده (۵۹) لایحه بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۹- بیمه مرکزی بر حسن اجرای این قانون نظارت نموده و در صورت قصور یا تخلف هر یک از شرکت‌های بیمه در اجرای قانون، متناسب با قصور یا تخلف مربوط اقدامات ذیل را به عمل می‌آورد:

الف- توییح کتبی مدیران شرکت بیمه

ب- سلب صلاحیت حرفه‌ای مسئول فنی یا مدیر یا معاون فنی یا مدیرعامل یا هیئت مدیره شرکت بیمه برای حداکثر پنج سال با تأیید شورای عالی بیمه

پ- سلب صلاحیت افراد موضوع بند (ب) به طور دائم با تأیید شورای عالی بیمه

ت- محکوم نمودن شرکت بیمه به پرداخت جریمه نقدی حداکثر تا مبلغ بیست برابر حداقل تعهدات بدنی موضوع ماده (۸) این قانون در زمان پرداخت

ث- تعلیق فعالیت شرکت بیمه در یک یا چند رشته بیمه برای حداکثر یک سال با تأیید شورای عالی

بیمه

ج- لغو پروانه فعالیت در یک یا چند رشته بیمه به طور دائم با تأیید شورای عالی بیمه

تبصره ۱- ...

تبصره ۳- جریمه موضوع بند (ت) این ماده به حساب صندوق تأمین خسارت‌های بدنی واریز می‌شود. عدم پرداخت جریمه از سوی شرکت بیمه در حکم تصرف غیر قانونی در اموال عمومی است.

تبصره ۴- ...

تبصره ۵- رسیدگی به اعتراض شرکت‌های بیمه درخصوص تصمیم بیمه مرکزی یا شورای عالی بیمه منبى بر اعمال مجازات‌های مندرج در این ماده (به جز بند (الف)) بر عهده کمیسیون متشکل از یک نفر قاضی دادگستری با انتخاب رئیس قوه قضائیه (به عنوان رئیس کمیسیون)، نماینده بیمه مرکزی و یک نفر نماینده اتحادیه (سندیکای) بیمه‌گران می‌باشد. تصمیم‌گیری کمیسیون مذکور با اکثریت آرای اعضا، لازم‌الاجراء است. دبیرخانه این کمیسیون در بیمه مرکزی مستقر می‌باشد.»

(۵۹) را به این ترتیب اصلاح کرده است: «ماده ۵۹- بیمه مرکزی بر حُسن اجرای این قانون نظارت نموده و در صورت قصور یا تخلف هر یک از شرکت‌های بیمه در اجرای قانون، اقدامات زیر را به عمل می‌آورد. اعمال موارد زیر متناسب با نوع قصور یا تخلف و تعدد و تکرار آن به موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای مؤمن - این اصلاح برای ایراد اول است.

آقای علیزاده - اصلاح آن تبصره‌ها را هم آورده‌اند.

منشی جلسه - تبصره (۳) ماده (۵۹) را هم اصلاح این‌طور کرده است: «تبصره ۳- جریمه موضوع بند (ت) این ماده به حساب اختصاصی صندوق نزد خزانه‌داری کل واریز و با پیش‌بینی در بودجه‌های سنواتی به صندوق مذکور تخصیص داده می‌شود. عدم پرداخت جریمه از سوی شرکت بیمه در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه عمومی است.»

آقای مؤمن - ایراد تبصره (۳) این بود که در بودجه‌ی سنواتی چیزی پیش‌بینی نشده است. **آقای علیزاده -** بله.

منشی جلسه - [تبصره (۵) را هم این‌گونه اصلاح کرده‌اند: «در انتهای تبصره (۵) ماده (۵۹) بعد از عبارت «لازم‌الاجراء»، عبارت «و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری» اضافه می‌شود.»

آقای مؤمن - این تبصره (۵) هم درست شد.

آقای رهپیک - حالا اینجا یک اشکالی مطرح شده است که در مرحله‌ی قبل ایراد به تبصره (۵) این بود که به مرجع صالح قضایی مراجعه بشود. در این مصوبه مراجعه به مرجع صالح قضایی را به دیوان عدالت اداری مختص کرده است.^(۱)

۱. «قسمت سوم از بند (۱۳) ایرادات شورا در خصوص تبصره (۵) این ماده که ناظر بر «سلب حق مراجعه به مرجع صالح قضایی» است، همچنان محل تأمل به نظر می‌رسد. با این توضیح که مصوبه اولیه مجلس مبنی بر لازم‌الاجرا بودن تصمیمات کمیسیون موضوع تبصره (۵) ماده (۵۹) موجد این ابهام بود که آیا حق مراجعه به مرجع صالح قضایی وجود دارد یا خیر. به منظور رفع این ابهام، مجلس شورای اسلامی تصمیمات این کمیسیون را ظرف (۲۰) روز از تاریخ ابلاغ در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض دانسته است. اما از آنجا که برخی از شرکت‌های بیمه نظیر «شرکت بیمه ایران» دولتی بوده و در صورت

آقای علیزاده - چه اشکالی دارد؟

آقای ابراهیمیان - چون اقسام مختلف شکایت متصور است.

آقای رهپیک - بله؛ چون بعضی از این شرکت‌های بیمه مثل شرکت بیمه‌ی ایران و مثل اینها دولتی هستند، شکایت این قبیل شرکت‌های بیمه‌ای در دیوان عدالت اداری قبول نمی‌شود.

آقای علیزاده - چرا نمی‌شود؟ این مصوبه گفته است که می‌شود [در دیوان عدالت شکایت کرد].

آقای رهپیک - شکایت شرکت دولتی از نهاد دولتی که نمی‌شود.

آقای علیزاده - حالا این مصوبه گفته است که می‌شود چنین شکایتی کرد.

آقای ابراهیمیان - خب، خلاف قانون اساسی است.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای ابراهیمیان - چون طبق [اصل (۱۷۳)] قانون اساسی فقط اشخاص عادی می‌توانند به دیوان عدالت اداری مراجعه کنند.

آقای علیزاده - ما خیلی جاها [قبول کردیم نهادهای دولتی هم می‌توانند در دیوان عدالت اداری شکایت کنند]. قانون جدید دیوان عدالت اداری این‌طوری نیست. در این قانون نیامده است که فقط مردم می‌توانند به دیوان عدالت اداری مراجعه کنند. دستگاه دولتی هم می‌تواند شکایت کند. خود سازمان بازرسی چقدر به دیوان عدالت اداری شکایت می‌کند.

آقای ابراهیمیان - نه، سازمان بازرسی گزارش می‌دهد، ولی خود دیوان عدالت اداری رأساً رسیدگی می‌کنند.

آقای رهپیک - الآن خود دیوان عدالت اداری شکایت شرکت دولتی را قبول نمی‌کند.

→

اعتراض به رأی کمیسیون به جهت داشتن شخصیت دولتی نمی‌تواند به دیوان عدالت اداری مراجعه کنند، تصریح به دیوان عدالت اداری و عدم تصریح به سایر مراجع ذی‌صلاح قضایی، درباره این دسته از شرکت‌ها به معنای سلب حق مراجعه به مرجع قضایی توسط این دسته از شرکت‌ها خواهد بود و لذا اصلاح صورت‌گرفته محل تأمل است.» (نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده‌ی شورای نگهبان)، شماره ۹۵۰۱۰۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۷، ص ۶، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/c9B8V)

منتها ممکن است که پاسخ این شبهه این طور داده بشود که این در قانون اساسی نیست. ولی خود دیوان عدالت اداری عملاً [شکایت شرکت دولتی را قبول نمی‌کند].

آقای سوادکوهی - نه، مگر می‌شود دیوان عدالت نپذیرد؟

آقای رهپیک - نمی‌پذیرند دیگر. الان دیوان عدالت اداری، شکایت بخش دولتی را نمی‌پذیرد.

آقای سوادکوهی - موضوع تبصره (۵) همین است دیگر.

آقای علیزاده - بحث روشن شده است. حضرات آقایانی که می‌فرمایند، [این اصلاحیه ایراد دارد، بفرمایند].

آقای مدرسی یزدی - به این مصوبه هم واقعاً یک ابهام بگیریم، بد نیست بدانیم که آیا مقصودشان [این است که شرکت‌های دولتی حق اعتراض ندارند].

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌گویند اطلاق این تبصره در مورد شرکت‌های بیمه‌ای دولتی خلاف اصل (۱۷۳) قانون اساسی است، بفرمایند.

آقای ابراهیمیان - نه، حالا یک طور دیگر بحث را مطرح کنید. این تبصره نشان می‌دهد که شرکت‌های غیردولتی راه شکایت دارند. شرکت‌های بیمه‌ای دولتی یا ادارات دولتی که احتمالاً وسایل نقلیه دارند و خسارت می‌خواهند، می‌مانند که قربانی می‌شوند. آیا اگر این تبصره بگوید آنها شکایت نکنند، خلاف قانون اساسی است؟

آقای علیزاده - تبصره نمی‌گوید آنها اعتراض نکنند.

آقای مدرسی یزدی - نه، اگر بخشی دولتی استثنا باشد، چرا خلاف قانون اساسی است؟

آقای ابراهیمیان - یعنی ما به شرکت‌های دولتی بگوییم که شما اصلاً نمی‌خواهد شکایت کنید.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای مؤمن - تبصره (۵) که این را نگفته است. چنین چیزی را نگفته است.

آقای علیزاده - نگفته است که آنها شکایت نکنند. گفته است که همه‌ی موارد قابل اعتراض است. این اطلاق شامل شرکت دولتی و غیردولتی هم می‌شود. اگر تبصره (۵) بگوید که آنها اصلاً شکایت نکنند، ما حرفی نداریم؛ ولی چنین چیزی را نگفته است.

آقای مدرسی یزدی - منتها جمع بین دو مانع [= شکایت شرکت دولتی از بخش دولتی

و نبود حق اعتراض شرکت دولتی در دیوان [درست نیست و آن [= امکان اعتراض برای شرکت‌های بیمه‌ای دولتی] تخصیص می‌خورد.

آقای علیزاده - بله، همین‌طور است. چون تبصره (۵) اطلاق دارد دیگر.

آقای ابراهیمیان - من می‌خواهم بگویم مشکلی پیش نمی‌آید.

آقای علیزاده - ما از یک طرف ایراد می‌گیریم، از یک طرف توجیه می‌کنیم. یک عده‌ای می‌فرمایند منظور از «مردم» [در اصل (۱۷۳) قانون اساسی] غیردولتی است. قبلاً هم این را گفتیم.

آقای مؤمن - قبلاً این را گفتیم.

آقای ابراهیمیان - بله، قبلاً این را گفته بودیم.

آقای علیزاده - ما قبلاً در قانون مربوط به دیوان عدالت اداری این را گفتیم. در خود دیوان عدالت هم این‌طوری عمل می‌شود.

آقای یزدی - در تبصره (۵) «شرکت بیمه» گفته است دیگر. دولتی و غیردولتی ندارد.

آقای علیزاده - بحث، پذیرش شکایت از طرف دیوان عدالت است. ببینید؛ دیوان عدالت شکایت «مردم» را از دستگاه‌های دولتی می‌پذیرد. شکایت دولت را علیه دولت نمی‌پذیرد.

آقای یزدی - بله، شکایات مردمی را از دولت پذیرش می‌کند. درست است.

آقای مدرسی یزدی - خب، دیوان نپذیرد، چه می‌شود؟

آقای علیزاده - الآن این مصوبه می‌گوید شکایت شرکت دولتی را بپذیر.

آقای مؤمن - باشد.

آقای یزدی - آنجایی که دیوان عدالت اداری می‌تواند شکایتی را بپذیرد، بپذیرد.

آقای ره‌پیک - بله، ما در ایرادمان در مرحله‌ی قبل گفتیم که «مرجع صالح قضایی» ذکر شود.

آقای مدرسی یزدی - خب، تبصره (۵) مرجع صالح را تعیین کرده و گفته دیوان عدالت مرجع صالح است.

آقای علیزاده - نمی‌تواند دیوان عدالت باشد. یا باید دادگستری باشد یا دولت.

آقای مؤمن - نه.

آقای مدرسی یزدی - نه، خود دیوان عدالت اداری هم ممکن است باشد.

آقای رهپیک - همان مرجع صالح قضایی را در تبصره (۵) بنویسند که شامل همه چیز بشود دیگر.

آقای یزدی - بله دیگر.

آقای ابراهیمیان - مرجع صالح قضایی بهتر است. فقط مرجع صالح قضایی نوشته شود.

آقای رهپیک - مجلس در تبصره (۵) بنویسد به مرجع صالح قضایی مراجعه شود.

آقای علیزاده - «مرجع صالح قضایی» بگویند.

آقای رهپیک - بقیه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای هم به دادگستری می‌روند. «مرجع صالح قضایی» بنویسند. ایراد ما هم همین بود. «مرجع صالح قضایی» نوشته شود.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - یعنی الآن این تبصره (۵) خلاف قانون اساسی است؟

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟ ما نمی‌فهمیم چرا خلاف قانون اساسی است.

آقای ابراهیمیان - این تبصره باعث می‌شود که دستگاه‌های دولتی بتوانند به دیوان عدالت اداری شکایت کنند.

آقای علیزاده - ما این را بگوییم: با توجه به قانون مربوط به دیوان عدالت اداری که مجلس آن را بر اساس ایراد ما درست کرده است، [ایراد دارد].

آقای رهپیک - بله، ما در شورای نگهبان به آن قانون ایراد گرفته بودیم.

آقای علیزاده - ما اینجا در شورای نگهبان سابقه داریم. مجلس بر اساس ایراد ما گفته است که منظور از مردم، اشخاص حقیقی هستند، نه دولت.^(۱)

۱. مجلس در خصوص تبصره‌ی ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور موضوع تبصره‌ی ماده (۴) «طرح اصلاح بعضی از مواد قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ و قانون راجع به مقررات اداری و استخدامی سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۳/۲/۱۱» مصوب ۱۳۷۵/۲/۵ مجلس شورای اسلامی بیان می‌دارد: «ماده ۴- تبصره ذیل ماده (۲) این قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره- گزارش‌های بازرسی در ارتباط با آیین‌نامه و تصویب‌نامه و بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی که حاکی از تشخیص تخلف در موارد فوق‌الذکر باشد، جهت رسیدگی و صدور رأی به دیوان عدالت اداری ارسال می‌گردد. رسیدگی به این‌گونه موارد به طور

آقای ره‌پیک - مردم اشخاص حقیقی هستند، دولت نیست.

آقای علیزاده - با توجه به اینکه مقصود از مردم این است، ما بگوییم با توجه به این نکته ظاهراً تبصره (۵) با قانون دیوان عدالت اداری معارض است و در مورد شرکت‌های تعاونی مشکل دار می‌شود.

آقای ابراهیمیان - ما در نظرمان، مغایرت تبصره (۵) را با خود قانون اساسی بگوییم. به قانون عادی ارجاع ندهیم.

آقای اسماعیلی - این طوری که من می‌گویم چطور است؟ بگوییم: شرکت‌های بیمه دولتی هم آیا باید به دیوان عدالت بروند یا نه؟

آقای علیزاده - ... به دیوان عدالت اداری بروند یا نه؟ این تبصره ابهام دارد؛ روشن بکنید.

آقای اسماعیلی - بله، این طوری بگوییم.

آقای مدرسی یزدی - من ابهامی نمی‌بینم.

آقای سوادکوهی - این تبصره ابهام ندارد.

آقای یزدی - ابهام ندارد. روشن است. دیگر بحثی ندارد.

آقای سوادکوهی - ولی یک جواب دارد. ...

آقای علیزاده - ابهام رأی آورد.

→

فوق‌العاده و خارج از نوبت خواهد بود.» شورای نگهبان در بند (۲) نظر شماره ۷۵/۲۱/۰۴۴۹ مورخ ۱۳۷۵/۲/۲۶ خود در خصوص این مصوبه این‌گونه ایراد گرفته است: «تبصره ماده (۴) در خصوص «شکایات» مغایر اصل (۱۷۳) قانون اساسی شناخته شد.» این ایراد نشان می‌دهد که ایراد شورای نگهبان به امکان شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی دولتی است. چرا که در مجلس در مرحله‌ی بعد با اصلاحاتی در «طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و الحاق یک ماده و یک تبصره به آن مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ و اصلاح تبصره (۳) ماده (۳) قانون مقررات استخدامی و اداری سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۳/۲/۱۱» مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ قید «غیردولتی» را برای «شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی» در تبصره‌ی مذکور این‌گونه اضافه می‌کند: «تبصره - گزارش‌های بازرسی در ارتباط با آیین‌نامه و تصویب‌نامه و بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که حاکی از تشخیص تخلف در موارد فوق‌الذکر باشد، جهت رسیدگی و صدور رأی به دیوان عدالت اداری ارسال می‌گردد. رسیدگی به این‌گونه موارد به طور فوق‌العاده و خارج از نوبت خواهد بود.»

آقای ابراهیمیان - درست شد.

آقای یزدی - این تبصره را دیگر بحث نکنیم.

آقای علیزاده - همین تقریری که آقای دکتر اسماعیلی فرمودند، خوب است.

آقای سوادکوهی - جناب علیزاده، شما به یک اشتباهی افتادید.

آقای مدرسی یزدی - [ابهام این است: حکم شرکت‌های دولتی چیست؟ آیا می‌توانند

به دیوان عدالت اداری شکایت بکنند؟ اگر نمی‌توانند، آیا می‌توانند [به مرجع دیگر

قضایی مراجعه کنند؟]

آقای رهپیک - نه، حالا به ابهام رأی دادیم؛ ولی ابهامی ندارد. تبصره (۵) می‌گوید

شرکت‌های بیمه‌ی دولتی هم به دیوان بروند.

آقای اسماعیلی - مجلس طوری تصویب کند که ما رأی بدهیم.

آقای رهپیک - همان مرجع صالح قضایی را که ما در ایرادمان گفتیم، بنویسند. ما گفتیم

«مرجع صالح قضایی» بنویسند.

آقای علیزاده - چه گفتید؟ یک بار دیگر بگویید [چه بگوییم].

منشی جلسه - آیا شرکت‌های بیمه‌ای دولتی حق اعتراض دارند یا خیر؟

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - بله؛ و اگر حق اعتراض دارند، به کجا مراجعه کنند؟

آقای سوادکوهی - اصلاً از اساس برای چه شرکت‌های دولتی حق اعتراض نداشته باشند؟

آقای یزدی - معلوم است که حق اعتراض دارند و آن هم مراجعه به دادگستری است.

آقای علیزاده - آیا مقصود این است که شرکت‌های بیمه‌ی دولتی هم باید به دیوان

عدالت اداری بروند یا نه؟ این ابهام را دارد.

آقای یزدی - معلوم است که به دیوان عدالت اداری نباید بروند؛ به دادگستری باید

بروند.

آقای اسماعیلی - حالا خودشان اصلاح می‌کنند.

آقای علیزاده - تبصره (۵) ابهام دارد.^(۱) حالا که ایراد گرفتیم، من یک کاری می‌کنم که

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۱۸۳ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان: «۲- ماده (۵۹)، از این جهت که مشخص نیست آیا شرکت‌های بیمه‌ای دولتی هم حق اعتراض به دیوان عدالت اداری را دارند یا خیر، ابهام دارد. پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.»

مجلس این را درست کند. به این جهت که اینها باید بیایند این مصوبه را اجرا کنند. چون الآن این قانون باید از اول سال اجرا بشود و تاریخ اجرای آن را هم از اول سال بیاورند. **منشی جلسه** - نکته‌ی بعدی ما هم در مرحله‌ی قبل یک تذکر بود. [در بند (۲) تذکرات] گفته بودیم: «تبصره»، «تبصره‌های» بشود. مجلس آن را اصلاح کرد. «(۳۳) و تبصره» گفته بودند که غلط بود.^(۱)

آقای عزیزاده - ما در تذکرات گفته بودیم: «۲- در ماده (۶۷)، چون ماده (۳۳)، (۳) تبصره دارد، واژه «تبصره» به «تبصره‌های» اصلاح گردد». مجلس در ماده (۶۷)، تبصره‌ی فلان ماده گفته بود. ما در نظرمان گفتیم که آن ماده یک تبصره ندارد، چند تبصره دارد.

آقای مؤمن - بله، یعنی تعبیر «تبصره‌های» آمد و درست شد.

آقای عزیزاده - بله.^(۲)

۱. ماده (۶۷) لایحه بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶۷- بیمه‌نامه‌های صادره پیش از لازم‌الاجراء شدن این قانون مشمول قانون زمان صدور خود هستند؛ لکن در هر حال احکام بندهای (الف) و (ب) ماده (۴)، مواد (۱۱)، (۲۰)، (۲۳)، (۲۶)، (۳۱)، (۳۳) و تبصره آن، مواد (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۵۰)، (۵۱) و (۶۲) در مورد بیمه‌نامه‌هایی که هنوز خسارات تحت پوشش آنها پرداخت نشده نیز لازم‌الرعایه است.»

۲. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۱۸۳ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۴۲/۴۰۵ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ و پیرو نامه شماره ۹۴/۱۰۲/۵۸۱۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۲، لایحه بیمه اجباری خسارت وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه که با اصلاحاتی در جلسه مورخ بیست و چهارم اسفندماه یک هزار و سیصد و نود و چهار به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به‌عمل آمده نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- ماده (۱۶)، از این جهت که مشخص نیست آیا در صورت عدم ترافع هم نیاز به اثبات موارد مذکور نزد مرجع قضایی دارد یا خیر، مبهم است. پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

۲- ماده (۵۹)، از این جهت که مشخص نیست آیا شرکت‌های بیمه‌ای دولتی هم حق اعتراض به دیوان عدالت اداری را دارند یا خیر، ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و

مراکز آموزشی عالی کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی کشور»^(۱)

[بند (۱) نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۵۱۷۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۳ شورای نگهبان]: «۱- همان‌گونه که در نظریه شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۴ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ این شورا آمده است،^(۲) «انجام کلیه وظایف و اختیارات مقرر در این قانون باید با رعایت سیاست‌های کلی نظام و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد» و الا اطلاق ماده (۲)،^(۳) مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است. همچنین در این ماده، عبارت

۱. طرح یک‌فوریتی سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۰ با اصلاحاتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۴۴۵/۷۶۷۲۷ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۳۰ (عصر) بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۴/۱۰۲/۵۱۷۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۲/۱۸۱ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد. البته مدتی بعد، مجلس در نامه‌ی شماره ۴۴۵/۶۴۷۶ مورخ ۱۳۹۵/۲/۷، ماده (۶) مصوبه را که درج آن در مصوبه‌ی ارسالی نهایی از قلم افتاده بود، مجدداً ارسال کرد که این ماده نیز توسط شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۲/۸ (صبح) بررسی شد و نظر این شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۳/۷۹ مورخ ۱۳۹۵/۲/۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. بند (۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۴ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان در خصوص طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب ۱۳۹۲/۵/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «۱- انجام کلیه وظایف و اختیارات مقرر در این قانون باید با رعایت سیاست‌های کلی نظام و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد؛ و الا مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته [خواهد] شد».

۳. ماده (۲) طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- برنامه‌ریزی، تصویب

«تصویب مقررات» ابهام دارد. باید روشن شود چنانچه شامل تصویب آیین نامه و بخشنامه توسط غیر وزیر هم شود، مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی می باشد. علاوه بر این با توجه به وظایفی که در این مصوبه برای شورای مزبور در نظر گرفته شده است، وجود اعضای غیردولتی در ترکیب آن، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی است.»

آقای مؤمن - در نظر مرحله‌ی قبل ما سه تا ایراد بود.

منشی جلسه - مجلس ایرادهای ما را این طور اصلاح کرده است: «در سطر اول ماده (۲) عبارت «تصویب مقررات» حذف می شود و به انتهای بند (۴) عبارت «بدون حق رأی» اضافه می گردد.» بند (۴)، رئیس دانشگاه آزاد است.

آقای یزدی - گفته اند رئیس دانشگاه آزاد بدون حق رأی باشد.

منشی جلسه - بله، چون دانشگاه آزاد غیردولتی است.

آقای مؤمن - در مصوبه‌ی قبلی سه تا ایراد بود.

آقای علیزاده - یک ایراد این بود که گفتیم عبارت «تصویب مقررات» ابهام دارد که باید روشن شود.

آقای یزدی - مجلس این عبارت را برداشته است.

آقای اسماعیلی - این عبارت را برداشته اند.

→

مقررات، هماهنگی و نظارت بر نحوه سنجش و پذیرش دانشجوی تحصیلات تکمیلی به شورای سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها با ترکیب زیر واگذار می شود که در این قانون به اختصار «شورا» نامیده می شود:

۱- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری (رئیس شورا)

۲- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۳- دو نفر از رؤسای دانشگاه‌های دولتی به انتخاب وزارتین

۴- رئیس دانشگاه آزاد اسلامی

۵- رئیس دانشگاه پیام نور

۶- رئیس سازمان سنجش آموزش کشور (دبیر شورا)

۷- دو نفر از نمایندگان کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری به عنوان ناظر

تبصره ۱- ...»

آقای مؤمن - عبارت ماده (۲) که این طور است: «ماده ۲- برنامه ریزی، هماهنگی ...»

آقای مدرسی یزدی - عبارت «تصویب مقررات» در مصوبه‌ی قبلی بوده است.

منشی جلسه - نه، این عبارت که در مصوبه‌ی سابق بوده است.

آقای علیزاده - حالا مجلس این عبارت «تصویب مقررات» را برداشته است.

آقای مؤمن - «تصویب مقررات» حذف شده است.

منشی جلسه - مشکل اصلی به مصوبه‌ی مرحله‌ی قبل در تبصره‌ی الحاقی [که در این

مصوبه آمده است،] حل می‌شود.

آقای مؤمن - سه تا ایراد به مصوبه‌ی سابق بود. یک ایراد، ابهام عبارت «تصویب

مقررات» بود ...

آقای علیزاده - ... که مجلس آن عبارت را برداشت.

منشی جلسه - ایراد اول ما را در تبصره‌ی الحاقی حل کرده‌اند.

آقای مؤمن - یک ایراد این بود که مجلس در ماده (۲) عبارت «تصویب مقررات» را

گفته بود. در این مصوبه می‌گوید که این عبارت «تصویب مقررات» حذف می‌شود.

بنابراین متن ماده (۲) این طور می‌شود: «ماده ۲- برنامه ریزی، هماهنگی ...»

آقای علیزاده - به بقیه‌ی ماده (۲) که ایراد نداشتید.

آقای مؤمن - پس این ایراد درست شد.

آقای علیزاده - بعد، ما یک ایراد دیگر هم داشتیم که گفته بودیم همان گونه که در

فان نظر آمده است، «انجام کلیه وظایف و اختیارات مقرر در این قانون باید با رعایت

سیاست‌های کلی نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد ...»؛ مجلس این عبارت را

هم در تبصره حل کرده است.

منشی جلسه - مجلس در تبصره‌ی الحاقی به ماده (۲) گفته است: «تبصره ۳- شورا

موظف است در اجرای این قانون، سیاست‌های کلی نظام ...»

آقای یزدی - آن ایراد وجود فرد غیردولتی در آن شورا را هم این طور اصلاح کرده

است که رئیس دانشگاه آزاد اسلامی بدون حق رأی باشد.

آقای مؤمن - خوب، به آن اشکال می‌رسیم. آن اشکال دیگری است.

آقای علیزاده - آن اشکال دیگری است. حالا اول ببینیم آن ایراد قبلی را چگونه

اصلاح کرده‌اند: «تبصره ۳- شورا موظف است در اجرای این قانون، سیاست‌های

کلی نظام ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را رعایت نماید.» این ایراد هم درست شد. ایراد بعدی چه بوده است؟

آقای مؤمن - همین ایراد که فرد غیردولتی در ترکیب اعضای آن شورا است.

آقای یزدی - «۱- ... وجود اعضای غیردولتی در ترکیب آن، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی است.»

آقای علیزاده - عضو غیردولتی ظاهراً فقط همین رئیس دانشگاه آزاد بود که آن را حذف کرده است.

آقای مؤمن - نه، رئیس دانشگاه پیام نور هم غیردولتی است.

منشی جلسه - دانشگاه پیام نور دولتی است.

آقای مدرسی یزدی - دولتی است.

آقای علیزاده - پیام نور دولتی است. آقای رئیس جمهور، رئیس دانشگاه پیام نور را تعیین می کند.

آقای ره‌بیک - فقط رئیس دانشگاه آزاد غیردولتی بود.

آقای علیزاده - آقایان، با این اصلاحات به عمل آمده، اگر اشکال را مرتفع می دانند، رأی بدهند. خب، این ایرادات رفع شد.

منشی جلسه - بند (۲) نظر شورای نگهبان به مصوبه‌ی مرحله‌ی قبل این بوده است:

«۲- ماده (۳)^(۱) مبنیاً بر ایرادات ماده (۲) اشکال دارد.» مجلس بند (چ) ماده (۳) را

۱. ماده (۳) طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- وظایف و اختیارات شورا در خصوص سنجش و پذیرش دانشجوی تحصیلات تکمیلی عبارت است از:

الف- تصویب شیوه‌نامه اجرایی سنجش و پذیرش دانشجوی تحصیلات تکمیلی در دانشگاه

ب- تصویب عناوین و تعیین ضرایب دروس آزمون مربوط به هر رشته تحصیلی

پ- نظارت بر حسن اجرای فرآیند سنجش و پذیرش و اعلام نتایج پذیرفته‌شدگان

ت- تعیین نصاب قبولی در مرحله سنجش عمومی برای ورود به مرحله بعدی سنجش

ث- تصویب دروس آزمون متمرکز دوره کارشناسی ارشد در هر یک از رشته‌های تحصیلات تکمیلی و تعیین ضرایب آنها

ج- تعیین تعداد دفعات برگزاری آزمون متمرکز در هر سال و مدت اعتبار آن

چ- تصمیم‌گیری در سایر موارد مربوط به سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی

در این مصوبه حذف کرده است. بند (چ) این بوده است: «چ- تصمیم‌گیری در سایر موارد مربوط به سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی»

آقای مدرسی یزدی - احتیاجی نبود که بند (چ) را حذف کنند. چون مجلس ماده (۲) را اصلاح کرده است، لازم به حذف بند (چ) نبود.

آقای علیزاده - بله، ایراد ماده (۳) مبنیاً بر ایرادات ماده (۲) بوده است.^(۱)

→

ح- تصویب معیارهای اختصاصی درخصوص رشته‌های خاص»

۱. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۱۸۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۴۵/۹۰۶۴۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۵ و پیرو نامه شماره ۹۴/۱۰۲/۵۱۷۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۳، طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی کشور که با اصلاحاتی در جلسه مورخ هجدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و چهار به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی»:^(۱) خاطر تان باشد، این مصوبه چند بار به شورای نگهبان آمده است. مرحله‌ی آخر، یک ایراد [در نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۵۲۵۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۸] داشت و آن هم این بود: «با توجه به تبصره (۷) ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی»^(۲) که وزارت

۱. طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۱۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۷/۵۷۸۲۶ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۳ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه در مجموع در پنج مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات متعدد مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۰ و ۱۳۹۴/۸/۲۷ (صبح) و ۱۳۹۴/۹/۴، در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۹ و در مرحله‌ی سوم در جلسات مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ و ۱۳۹۴/۱۰/۳۰ (صبح و عصر) و در مرحله‌ی چهارم در جلسات مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ و ۱۳۹۵/۲/۱ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۴/۱۰۲/۴۵۰۶ مورخ ۱۳۹۴/۹/۴، ۹۴/۱۰۲/۴۹۰۱ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۳، ۱۳۹۴/۱۰/۲۳۵۴ و ۹۴/۱۰۲/۵۲۵۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۸ و ۹۵/۱۰۲/۳۰۲ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۵/۳/۳ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی پنجم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۳/۱۷ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۲/۷۸۷ مورخ ۱۳۹۵/۳/۱۷ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. تبصره (۷) ماده (۹) طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹ - چنانچه در مرحله اول برای یک یا چند نفر از داوطلبان حداقل یک‌پنجم آرا حاصل نگردد، انتخابات دوم‌مرحله‌ای خواهد شد؛ بدین معنی که از بین نامزدهایی که حداقل یک‌پنجم آرا را در مرحله اول به دست نیاورده‌اند، فقط به تعداد دو برابر نمایندگان مورد نیاز از بین کسانی که بیشترین آرا را در مرحله اول داشته‌اند، در انتخابات مرحله دوم شرکت می‌کنند و در صورتی که تعداد نامزدهای باقی‌مانده، کمتر از دو برابر باشد، تمام آنان در مرحله دوم انتخابات شرکت خواهند نمود.

تبصره ۱- ...

تبصره ۷- وزارت کشور موظف است با هماهنگی و موافقت شورای نگهبان تمام مراحل انتخابات را در

کشور را موظف کرده است نسبت به نوین سازی شیوه های اخذ رأی و شمارش آرا اقدام نماید، نظر به اینکه برای برگزاری انتخابات در هر زمان به صورت رایانه ای، مواردی که در نظریه قبلی این شورا به شماره ۹۴/۱۰۲/۴۹۰۱ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۳ آمده، باید تکلیف امور مزبور از طریق وضع قانون روشن شود، بنابراین حذف مواد مذکور رافع ایراد سابق نیست.»

آقای علیزاده - بله، این ایراد آخر بود. **آقای مؤمن -** خب بعدش چه شد؟ ایراد شورای نگهبان با توجه به آن چیزی که خواندید، چه شد؟
آقای علیزاده - بله، مجلس باید درست کند. حالا ببینیم که مجلس چطوری ایراد آن مصوبه را درست کرده است.

منشی جلسه - «ماده الحاقی (۴) با اصلاحاتی به شرح زیر ابقا می شود:
ماده الحاقی ۴- در انتخابات الکترونیکی پس از ثبت نام رأی دهنده و بعد از تأیید نماینده هیئت نظارت، کارت الکترونیکی مورد تأیید نماینده فرماندار و ناظر صادر و تحویل رأی دهنده می شود.

تبصره- با توجه به انجام کلیه بازمینی ها توسط سامانه و عدم وجود تعرفه کاغذی و صدور کارت الکترونیکی، نیازی به اخذ اثر انگشت از رأی دهنده نمی باشد.»

آقای علیزاده - حالا آقایان می فرمایند ماده الحاقی (۴) اشکالی ندارد؟

آقای سوادکوهی - یک مقدار روی این ماده تأمل کنیم.

آقای رهپیک - این ماده یعنی چه آخر؟

آقای علیزاده - شما باید بگویید که یعنی چه.

آقای بزدی - ماده ی الحاقی قبلی حذف شده بود.^(۱) دوباره این ماده جای آن آمده است.

→

حدود اعتبارات مصوب با استفاده از روش ها و فناوری های نوین برگزار کند.»

۱. ماده الحاقی (۴) طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده الحاقی (۴)* حذف شد.»

* ماده الحاقی (۴) طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۴/۹/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده الحاقی ۴- در انتخابات الکترونیکی پس از ثبت نام رأی دهنده و بعد از تأیید نماینده هیئت نظارت، تعرفه رأی به صورت کارت الکترونیکی مورد تأیید نماینده فرماندار و ناظر

←

- آقای ابراهیمیان** - مجلس یک بار دیگر ماده الحاقی (۴) را اعاده کرده است.
- آقای رهپیک** - اشکال ما به ماده الحاقی (۴) بحث تعرفه‌ی رأی بود.^(۱) ما که ایراد گرفتیم، مجلس آن را حذف کرد.
- آقای یزدی** - ماده الحاقی (۴) در مرحله‌ی قبل حذف شده بود. الآن این ماده جای آن آمده است.
- آقای علیزاده** - اشکال ما در مورد ماده الحاقی (۴) چه بود؟ اشکال ما ابهام تعرفه‌ی رأی بود. مجلس ماده الحاقی (۴) را حذف کرده بود. می‌خواهید بررسی این مصوبه برای بعد بماند تا روی آن کار بکنید؟
- آقای سوادکوهی** - بله، برای جلسه‌ی بعد بماند. این مصوبه مهم است.
- آقای مدرسی یزدی** - بهتر است که واقعاً یک تأملی روی آن بشود.
- آقای علیزاده** - مجمع مشورتی حقوقی هیچ اشکالی وارد نکرده است؟ چه گفته است؟
- آقای رهپیک** - چند ایراد به این مصوبه گرفته است؛ ولی ناقص است.
- آقای سوادکوهی** - ایراداتشان زیاد نیست. به نظرم جای بررسی بیشتر دارد.
- آقای علیزاده** - بگذارید این مصوبه ان‌شاء‌الله هفته‌ی بعد بررسی شود.^(۲)

→

صادر و تحویل رأی‌دهنده می‌شود.

تبصره - با توجه به انجام کلیه کنترل‌ها توسط سامانه و عدم وجود تعرفه کاغذی و صدور تعرفه به صورت کارت الکترونیکی، نیازی به اخذ اثر انگشت از رأی‌دهنده در تعرفه نمی‌باشد و پرینت رأی الکترونیکی از صندوق در حکم برگه رأی است.»

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۴۹۰۱ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۳ شورای نگهبان: «۱- در ماده (۴) الحاقی، چون تعرفه اخذ رأی در روش دستی مشخص است، باید روشن شود در این ماده منظور از تعرفه رأی چیست. همچنین در تبصره ماده مزبور که این برگه‌ها را در حکم برگه رأی دانسته است، مشخص نیست چه احکامی بر آن حاکم است. پس از رفع ابهامات مذکور اظهار نظر خواهد شد.»
۲. بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۲/۱ شورای نگهبان ادامه یافته است.

لایحه اصلاح ماده (۸) قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران

منشی جلسه - «لایحه اصلاح ماده (۸) قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران»^(۱)

ماده واحده - ماده (۸) قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹/۲/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۸- ستاد کل نیروهای مسلح، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته به آنان که ماهیت و مأموریت نظامی و امنیتی دارند، از شمول مقررات این قانون مستثنی هستند و ترتیب نگهداری، حفظ اسناد ملی و امحای اوراق زائد در سازمان‌های یادشده، با اطلاع سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و با تشخیص هیئت‌های صلاحیت‌داری است که به این منظور تشکیل می‌شوند. طرز تشکیل هیئت‌های مزبور و نحوه اجرای مفاد این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح تهیه می‌شود و به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.»

آقای علیزاده - هیئت‌های صلاحیت‌دار چه کسانی هستند؟ کجای ماده (۸) مورد اشکال است؟

آقای اسماعیلی - این ماده (۸) قبلاً فقط ارتش را از شمول این قانون استثنا کرده بود.^(۲) حالا این مصوبه کل نیروهای مسلح را استثنا کرده است.

۱. لایحه اصلاح ماده (۸) قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۷ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۷ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۳۸/۹۰۶۵۴ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۲/۱۸۰ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. ماده (۸) قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹/۲/۱۷ مجلس شورای ملی: «ماده هشتم - وزارت جنگ از شمول مقررات این قانون مستثنی است و ترتیب نگهداری و حفظ اسناد ملی و

آقای مؤمن - پس این مصوبه بدون ایراد است.

آقای علیزاده - بله، این مصوبه بدون ایراد است.^(۱)

→

همچنین امحای اوراق زائد در ارتش شاهنشاهی با اطلاع سازمان اسناد ملی به تشخیص هیئت صلاحیت‌داری خواهد بود که به این منظور تشکیل می‌شود. طرز تشکیل هیئت مزبور و نحوه اجرای مفاد این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت جنگ تدوین و تصویب می‌شود.»

۱. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۱۸۰ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۳۸/۹۰۶۵۴ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ لایحه اصلاح ماده (۸) قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب جلسه مورخ هفدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

لایحه اصلاح قانون نحوه جبران زحمات و خسارات کارکنان سازمان حفاظت محیط**زیست در ارتباط با جرایم زیست محیطی**

منشی جلسه - «لایحه اصلاح قانون نحوه جبران زحمات و خسارات کارکنان

سازمان حفاظت محیط زیست در ارتباط با جرایم زیست محیطی»^(۱)

آقای علیزاده - خود لایحه را بیاورید تا سابقه‌ی مصوبه را ببینیم که مجلس چیزی را به لایحه اضافه و یا کم نکرده باشد.

آقای مدرسی یزدی - بله، و آلا ایراد اصل (۷۵) دارد.

آقای علیزاده - البته اگر اصلاحات مجلس بار مالی داشته باشد.

آقای مدرسی یزدی - دارد؛ این مصوبه بار مالی دارد.

آقای رهپیک - لایحه‌ی دولت فقط «مخبران» را به آن قانون اضافه کرده است.^(۲)

آقای مدرسی یزدی - این عبارت موجب پرداخت پول است.

آقای رهپیک - خب، این در لایحه‌ی دولت هست.

آقای یزدی - این در لایحه هست.

آقای مدرسی یزدی - همین را می‌گویم. این مطلب در لایحه هست؟

آقای مؤمن - دولت «مخبران» را اضافه کرده است.

آقای علیزاده - لایحه «مخبران» را به شمول قانون اضافه کرده است. اضافه بر آن بار

۱. لایحه اصلاح قانون نحوه جبران زحمات و خسارات کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست در ارتباط با جرایم زیست محیطی در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۲۲ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۷ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۳۰/۹۰۶۵۱ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۲/۱۸۲ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. ماده واحده‌ی لایحه اصلاح قانون نحوه جبران زحمات و خسارات کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست در ارتباط با جرایم زیست محیطی مصوب ۱۳۹۰/۳/۲۲ هیئت وزیران: «ماده واحده - متن زیر به عنوان تبصره (۱) به قانون یادشده الحاق و عنوان تبصره به تبصره (۲) اصلاح می‌شود:

تبصره ۱- پرداخت از محل اعتبارات این قانون به مخبران با تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست بلامانع است.»

مالی دارد دیگر.

آقای مؤمن - [در ابتدای نامه‌ی مجلس به شورای نگهبان آمده است:] «لایحه ... با اصلاحاتی به تصویب رسیده است.»

آقای علیزاده - بله، با اصلاحات به تصویب مجلس رسیده است.

آقای اسماعیلی - اضافه کردن «مخبران» ایراد دارد.

آقای رهپیک - نه، مجلس «مخبران» را اضافه نکرده؛ خود لایحه «مخبران» را اضافه کرده است. در پیشنهاد دولت که لایحه داده است، نسبت به قانون قبلی، «مخبران» اضافه شده است.

آقای مؤمن - باید ببینیم.

آقای مدرسی یزدی - خب، حالا ما که نمی‌دانیم مجلس این «مخبران» را اضافه کرده است یا دولت؟

آقای سوادکوهی - نه، مجلس «مخبران» را اضافه کرده است.

آقای رهپیک - نه، دولت «مخبران» را اضافه کرده است.

آقای مدرسی یزدی - بسیار خب، برای همین می‌گوییم که این باید معلوم بشود.

آقای رهپیک - معلوم شده است دیگر. مجمع مشورتی حقوقی تطبیق داده است.^(۱)

آقای سوادکوهی - معلوم است.

آقای مؤمن - خب، ما باید ببینیم.

آقای علیزاده - این لایحه‌ی دولت است. دولت یک ماده واحد داده و گفته است:

«متن زیر به عنوان تبصره (۱) به قانون یادشده الحاق و عنوان تبصره به تبصره (۲) الحاق می‌شود: ...»؛ یعنی به کدام قانون الحاق می‌شود؟ به قانون نحوه‌ی جبران ملحق می‌شود که آن قانون قبلاً چه بوده است؟ حالا شما آن قانون سابق را بخوانید که ببینیم چه مقدار به آن اضافه شده است.

آقای مدرسی یزدی - هر مقداری که دولت به قانون قبلی اضافه کرده است، مهم نیست؛ مهم، اصل آن لایحه است [که چقدر به آن اضافه شده است]. هر چه که دولت

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۵۰۱۰۰۳ مورخ

به قانون قبلی اضافه کرده باشد، مهم نیست.

آقای عزیززاده - لایحه‌ی دولت این تبصره را به آن قانون اضافه کرده است: «تبصره ۱ - پرداخت از محل اعتبارات این قانون به مخبران با تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست بلا مانع است.»

آقای سوادکوهی - خب، پس لایحه‌ی دولت این اضافه شدن «مخبران» را گفته است.

آقای عزیززاده - دولت این را گفته است؛ ولی مجلس چه کرده است؟

آقای ره‌پیک - مجلس گفته است که بعد از «متصدیان کشف»، عبارت «و مخبران» را اضافه کنید.

آقای عزیززاده - می‌دانم؛ ولی یک چیز دیگری هم به لایحه اضافه کرده‌اند. اول باید آنها را هم بخوانیم ببینیم آن اضافات چیست.

آقای مؤمن - دولت چیزی به قانون اضافه نکرده است.

آقای عزیززاده - چرا؛ دولت که اضافه کرده است.

آقای مؤمن - ماده واحد را ببینید چیست؛ چه چیزی را دارد اضافه می‌کند.

آقای عزیززاده - نه، دولت در لایحه‌ای که داده، گفته است: «ماده واحد - متن زیر به عنوان تبصره (۱) به قانون یادشده الحاق و عنوان تبصره به تبصره (۲) اصلاح می‌شود: تبصره ۱ - پرداخت از محل اعتبارات این قانون به مخبران با تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست بلا مانع است.» یعنی خود دولت گفته است که «مخبران» را به آن قانون اضافه کنید.

منشی جلسه - [مصوبه‌ی مجلس این است: «ماده واحد - قانون نحوه جبران زحمات و خسارات کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست در ارتباط با جرایم زیست محیطی مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۱۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱ - در ماده واحد^(۱) بعد از عبارت «متصدیان کشف»، عبارت «و مخبران» اضافه

۱. قانون نحوه جبران زحمات و خسارات کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست در ارتباط با جرایم زیست محیطی مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۱۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحد - به سازمان حفاظت محیط زیست اجازه داده می‌شود از محل اعتباراتی که همه ساله در اعتبارات هزینه‌ای برای سازمان یادشده پیش‌بینی می‌شود، مبالغی را برای جبران سختی کار و خسارات کارکنان اعم از حق کشف، خسارت، دیه و کمک به مأموران و متصدیان کشف و تعقیب جرایم زیست محیطی و جلوگیری از منابع آلاینده و

می‌شود و عبارت «و همچنین افرادی که وظایف آنها ارتباط مستقیم با موضوعات فوق‌الذکر را ندارد» حذف می‌گردد.»

آقای علیزاده - این مصوبه باز دارد اضافه می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، مجلس کم کرده است. عبارت «و همچنین افرادی که وظایف آنها ارتباط مستقیم با موضوعات فوق‌الذکر را ندارد» را از لایحه کم کرده و عبارت «مخبران» را اضافه کرده است. مشکلی ندارد.

آقای ره‌پیک - آن را حذف کرده، این را اضافه کرده است.

آقای یزدی - بله، «مخبران» را اضافه کرده است.

منشی جلسه - این «مخبر» شامل اینها [= افرادی که وظایف آنها ارتباط مستقیم با موضوعات فوق‌الذکر را ندارد،] می‌شود.

آقای علیزاده - چه گفتید؟ [ماده واحده‌ی قانون:] [ماده واحده - ... هرگونه پرداخت از این محل به کارکنان ستادی و همچنین افرادی که وظایف آنها ارتباط مستقیم با موضوعات فوق‌الذکر را ندارد، ممنوع است.] خب، قانون گفته است که هرگونه پرداخت به این افراد ممنوع است دیگر. این مصوبه آمده ممنوعیت را برداشته است.

آقای مؤمن - نه.

منشی جلسه - نه.

آقای مدرسی یزدی - نه دیگر، مجلس این عبارت را حذف کرده است. این عبارت اصلاً دیگر نیست.

آقای مؤمن - این عبارت الآن در قانون هست.

آقای علیزاده - آنچه که در قانون بوده، این است: «ماده واحده - ... هرگونه پرداخت از این محل به کارکنان ستادی ...»؛ که ما در این مورد حرفی نداریم؛ «... و همچنین

→

مخرب محیط زیست فعالیت می‌نمایند، اختصاص دهد. هرگونه پرداخت از این محل به کارکنان ستادی و همچنین افرادی که وظایف آنها ارتباط مستقیم با موضوعات فوق‌الذکر را ندارد، ممنوع است.

تبصره - نحوه و میزان پرداخت به کارکنان مربوط، تابع دستورالعملی خواهد بود که بنا به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

افرادی که وظایف آنها ارتباط مستقیم با موضوعات فوق‌الذکر را ندارد، ممنوع است.»
قانون اینها را ممنوع کرده است.

آقای یزدی - این عبارت قانون یعنی این افراد مشمول این قانون نباشند.

منشی جلسه - خب، اگر این عبارت بماند، با «مخبران» تعارض دارد.

آقای مدرسی یزدی - مشکلی ندارد.

منشی جلسه - نه، اگر این عبارت در ماده واحده بماند، با «مخبران» تعارض پیدا می‌کند. نمی‌کند؟

آقای یزدی - این اصلاح خوبی است دیگر.

آقای رهپیک - پس اگر عبارت باقی بماند، کمک به مخبران ممنوع است.

آقای یزدی - قانون می‌گوید که هرگونه پرداخت به آن افراد ممنوع است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - الآن هم که این عبارت نباشد، دولت نمی‌تواند به غیر مخبر چیزی پرداخت کند.

آقای یزدی - [بند (۱) مصوبه‌ی مجلس] می‌گوید: «۱- ... عبارت «و همچنین افرادی که وظایف آنها در ارتباط مستقیم با موضوعات فوق‌الذکر را ندارد» حذف می‌گردد.»

آقای علیزاده - بله، این بند درست است. بعدی را بفرمایید.

آقای مؤمن - پس در این مصوبه، اضافه شدن «مخبران» درست است؟!

آقای علیزاده - بله، این عبارت آخر را هم که حذف کرده‌اند. هیچ مشکلی ندارد.

آقای مؤمن - ... [نارسایی صوت]

آقای مدرسی یزدی - ادامه‌ی مصوبه را هم بخوانید؛ نظرتان عوض می‌شود. تبصره را هم بخوانید.

منشی جلسه - «۲- متن تبصره ذیل قانون به این شرح اصلاح می‌شود:

تبصره- نحوه و میزان پرداخت به کارکنان مربوط و مخبران به‌گونه‌ای که قابل رسیدگی توسط دستگاه‌های نظارتی باشد ...»

آقای مدرسی یزدی - یک «باید باشد» اینجا از قلم افتاده است. «باید باشد» از قلم افتاده است. عبارت این‌طور درست است: «... به‌گونه‌ای باید باشد که قابل رسیدگی ...»

منشی جلسه - «تبصره- نحوه و میزان پرداخت به کارکنان مربوط و مخبران به‌گونه‌ای که قابل رسیدگی توسط دستگاه‌های نظارتی باشد و همچنین نحوه و

میزان پرداخت حق کشف، خسارت و دیه پرداختی به مخبرانی که رابطه استخدامی با سازمان حفاظت محیط زیست ندارند از محل اعتبارات قانون، تابع آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای مدرسی یزدی - [از لحاظ عبارت پردازی] مشکلی ندارد؟

آقای سوادکوهی - «به‌گونه‌ای است که ...»

آقای مدرسی یزدی - عبارت این‌طور است: «نحوه و میزان پرداخت به کارکنان مربوط و مخیران به‌گونه‌ای که ...»

آقای سوادکوهی - «به‌گونه‌ای است که ...» درست است.

آقای مدرسی یزدی - «به‌گونه‌ای باید باشد ...» درست است.

آقای علیزاده - نه.

آقای ره‌پیک - نه، همین متن مصوبه درست است.

آقای مؤمن - نه، چون بعدش آمده است: «تابع آیین‌نامه‌ای است که ...»

آقای ره‌پیک - «... به‌گونه‌ای ... باشد و همچنین ...»

آقای علیزاده - «به‌گونه‌ای که قابل رسیدگی ... باشد.»

آقای اسماعیلی - این عبارت مصوبه درست است.

آقای مؤمن - خب، عبارت درست است. حالا عیبی ندارد؟

آقای اسماعیلی - نه.

آقای مؤمن - یعنی آیین‌نامه می‌تواند این مقدار پرداخت را مشخص کند؟

آقای یزدی - بیمه‌ی عمر است دیگر.

آقای مؤمن - نه، این مصوبه که در مورد بیمه نیست.

آقای اسماعیلی - حاج‌آقا، دولت اعتبار این‌گونه پرداخت‌ها را دارد. تبصره فقط می‌گوید آیین‌نامه، مقدار این پرداخت‌ها را مشخص می‌کند؛ و آلا این کار قانونی است.

آقای مؤمن - خب، می‌دانم؛ ولی قانون [باید مشخص کند]. آیین‌نامه به تنهایی نمی‌تواند اعتبار این پرداخت‌ها را بدهد.

آقای اسماعیلی - نه، آخر اعتبارش را در قانون داده‌اند. اعتبار، آن چیزی است که در قانون به دولت داده شده است.

آقای مدرسی یزدی - من هم با این مسأله موافقم که قانون باید سقفی را برای این پرداخت‌ها تعیین کند.

آقای اسماعیلی - اعتبار همیشه سقف دارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، آن سقف اعتبار کل سازمان است.

آقای اسماعیلی - ... بله، اعتبار است.

آقای مدرسی یزدی - ... ولی اینکه هر فردی برای چه کاری چه مقدار به او پرداخت شود، باید سقف داشته باشد. نمی‌شود به یک کسی همین‌طوری بی‌قاعده مبلغی پرداخت کرد.

آقای علیزاده - این تبصره دارد مخابراتی را می‌گوید که رابطه‌ی استخدامی با سازمان محیط زیست ندارند. افرادی که رابطه‌ی استخدامی با سازمان دارند، سازمان دیه‌ی آنها را می‌دهد و همه‌ی پرداخت‌ها را به آنها می‌دهد. آنهایی که رابطه‌ی استخدامی ندارند، خب سازمان یک مقدار مشخصی پول دارد. این تبصره می‌گوید که این را آیین‌نامه تعیین کند که چه مقدار دیه و غیره به آنها بدهند.

آقای مدرسی یزدی - خب، قانون باید برای این پرداخت‌ها سقف بگذارد. باید میزان برای آن پرداخت‌ها بدهند.

آقای علیزاده - اصلاً اگر از اول بگویند هیچ چیزی به اینها [که رابطه‌ی استخدامی ندارند] نمی‌دهیم، اشکالی دارد؟ تا الآن که هیچ چیزی نمی‌دادند، اشکالی داشت؟

آقای مدرسی یزدی - حالا که گفتند می‌دهند، باید سقف پرداخت تعیین کنند.

آقای اسماعیلی - آیین‌نامه برای همین است دیگر. اصلاً آیین‌نامه برای تعیین همان سقف است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - آیین‌نامه نمی‌تواند سقف بگذارد.

آقای اسماعیلی - آیین‌نامه نمی‌تواند سقف بگذارد؟!

آقای مدرسی یزدی - قانون باید میزان بدهد. اول، قانون باید میزان بدهد، بعد آیین‌نامه مصداق را تعیین کند.

آقای ره‌پیک - حالا اینکه دیه‌ی پرداختی در آیین‌نامه تعیین بشود، مقصود چیست؟ آیین‌نامه می‌تواند چنین کاری بکند؟ یعنی قواعد دیه را عوض کند؟

آقای علیزاده - دیه که بر گردن دولت نیست. چون یک نفر دیگر آن فرد را زده است.

آقای ره‌پیک - می‌دانم؛ چون تعبیر «دیه» کرده است، عرض کردم.

آقای علیزاده - حالا این مصوبه به سازمان محیط زیست می‌گوید شما هم بیا یک مبلغی به آن فرد بده. حالا چه مقدار می‌خواهی کمک بکنی؟ با توجه به اعتبارات در اختیار تو است. با این مصوبه کجای عالم خراب می‌شود!؟

آقای اسماعیلی - بله، دولت کمک می‌کند.

آقای علیزاده - همین الان سازمان محیط زیست هیچ چیزی به آن افراد نمی‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - مثلاً فرض کنید فردی مخبر بوده است؛ وقتی که یک کسی آن مخبر را کشته یا یک آسیبی به او زده و فرار کرده است، نمی‌شود از او دیه گرفت. اینجا بیت‌المال باید دیه‌ی آن فرد را بدهد. این مصوبه می‌گوید بیت‌المال باید بدهد.

آقای مؤمن - نه، تبصره این را نگفته است.

آقای مدرسی یزدی - معنای تبصره این است.

آقای مؤمن - کشتن مخبر را کجای این تبصره گفته است؟

آقای مدرسی یزدی - اطلاق دارد.

آقای مؤمن - کجای تبصره اطلاق دارد؟ این مطلب در اینجا نیست.

آقای مدرسی یزدی - در اطلاقش هست دیگر.

آقای مؤمن - قید ندارد؛ ولی ...

آقای مدرسی یزدی - ... اطلاق هست، اطلاق.

آقای مؤمن - پس در آن فرض تنها نیست. همه جا این‌طوری است.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - آن مخبرانی که رابطه‌ی استخدامی با سازمان محیط زیست ندارند، مقصود است. اینها یک کاری را مرتکب می‌شوند و آسیبی به آنها وارد می‌شود؛ یک مقدار از دیه‌ی مخبر را دولت می‌دهد، بقیه‌ی دیه را آقای مقصر می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - نه، ممکن است که اصلاً آسیب‌زننده فرار کند و مقصر معلوم نشود.

آقای علیزاده - حکم این موضوعات که در آنجا [= سازمان حفاظت محیط زیست] نیست؛ در دادگستری معلوم می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - بسیار خب، اینها حرام است دیگر!

آقای علیزاده - ... بله، یک مقدار از اعتبارات را اینجا می دهند، یک مقدار هم دادگستری می دهد.

آقای مؤمن - قید «از محل اعتبارات قانون» هم یک مقداری میزان پرداخت را محدود می کند.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - یعنی اصل دیه را خود دولت جعل نمی کند. «از محل اعتبارات قانون» گفته است. بستگی به اعتبارات دارد.

آقای علیزاده - بله، حضرات آقایانی که با این وضع این مصوبه را خلاف قانون اساسی یا شرع می دانند، بفرمایند. بسیار خب، دستور بعدی را بفرمایید.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۱۸۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۳۰/۹۰۶۵۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۵، لایحه اصلاح قانون نحوه جبران زحمات و خسارت کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست در ارتباط با جرایم زیست محیطی مصوب جلسه مورخ هفدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

لایحه اصلاح قانون بیمه عمر و حوادث پرسنل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و

پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های تابعه یا وابسته به آنها

منشی جلسه - «لایحه اصلاح قانون بیمه عمر و حوادث پرسنل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های تابعه یا وابسته به آنها»^(۱)

ماده واحده - در عنوان قانون بیمه عمر و حوادث پرسنل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته به آنها مصوب ۱۳۷۶/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، پس از واژه «پرسنل»، عبارت «و بازنشستگان و وظیفه‌بگیران» اضافه شده و متن زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۱) قانون اضافه می‌شود:

تبصره ۲ - بازنشستگان و وظیفه‌بگیران هر یک از صندوق‌های موضوع این ماده با کسر و پرداخت نیم درصد (۵/۰٪) از حقوق آنها و پرداخت سهم دولت، عضو آن صندوق محسوب و از مزایای مربوط برخوردار می‌شوند.»

آقای علیزاده - لایحه‌ی دولت چیست؟ بیاورید ببینیم مصوبه تغییر کرده یا نکرده است.

آقای یزدی - بله دیگر، «لایحه اصلاح قانون بیمه عمر» است. لایحه است.

آقای علیزاده - نه، می‌دانم. لایحه‌ای که دولت داده، در مجلس تغییری کرده یا نکرده است؟

آقای اسماعیلی - پژوهش‌شده رسیدگی کرده است؛ گفته که تغییر نکرده است.

آقای مؤمن - گفته است: «... با اصلاحاتی تصویب ... شده است.»^(۲)

۱. لایحه اصلاح قانون بیمه عمر و حوادث پرسنل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های تابعه یا وابسته به آنها در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۳ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۷ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۴۷۰/۹۰۶۵۶ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۲/۱۷۸ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. «لایحه اصلاح قانون بیمه عمر و حوادث پرسنل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای

آقای عزیزاده - گفته‌اند لایحه تغییر نکرده است؟ بسیار خوب.

آقای مؤمن - گفته‌اند با اصلاحاتی بوده است.

آقای عزیزاده - گفته‌اند با اصلاحات بوده است. اصلاحاتش چیست؟ بخوانید.

آقای مدرسی یزدی - اصل این قانون که مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است. دولت می‌تواند چیزی به این قانون اضافه کند؟

آقای مؤمن - ظاهراً دولت این کار را کرده است.

آقای رهپیک - این قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

آقای مدرسی یزدی - در خود مصوبه نوشته است: «... مصوب ۱۳۷۶/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام ...»

آقای یزدی - ولی این ماده واحده‌ی اصلاحی که مصوب مجلس است.

آقای مؤمن - نه، این لایحه‌ی اصلاحی را نمی‌گوییم؛ خود این قانون قبل از اصلاح را می‌گوییم

آقای عزیزاده - شما قانون بیمه‌ی عمر و حوادث پرسنل نیروهای مسلح را می‌فرمایید.

آقای مدرسی یزدی - بله، اصل این قانون، مصوب مجمع تشخیص است. اینها دارند یک چیزی به آن قانون اضافه می‌کنند.

آقای یزدی - «... پس از واژه «پرسنل»، عبارت «و بازنشستگان و وظیفه‌بگیران» اضافه شده و متن زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۱) قانون اضافه می‌شود:»

آقای عزیزاده - ظاهر امر این است که آن زمان، مصوبه‌ی مجلس به این دلیل به مجمع رفته که ...

آقای رهپیک - ... مغایر اصل (۷۵) بوده است.^(۱)

→

مسلح و سازمان‌های تابعه یا وابسته به آنها که در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۶ اعلام وصول شده بود، در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جهت انطباق با موازین شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شده است. ... (نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده‌ی شورای نگهبان)، شماره ۹۵۰۱۰۰۳، مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۷، صص ۱۶-۱۷، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/1Qfj9)

۱. نظر شماره ۷۶/۲۱/۹۷۵ مورخ ۱۳۷۶/۴/۱۸ شورای نگهبان در خصوص لایحه‌ی اصلاح قانون راجع به بیمه افراد کادر ثابت ارتش و ژاندارمری در مقابل حوادث ناشیه که به مناسبت انجام وظیفه رخ

←

آقای علیزاده - ... مغایر اصل (۷۵) بوده است. ما در ایرادمان به آن مصوبه گفته بودیم که این مصوبه، خلاف اصل (۷۵) است. بعد با اصرار مجلس، به مجمع رفت و تأیید شد.^(۱) حالا خود دولت لایحه داده و گفته است که یک چیزی به آن اضافه نکنید. اینکه اشکالی ندارد.

آقای ابراهیمیان - این هم اشکال ندارد.

آقای رهپیک - بله، چون اشکال ما به اصلاحیه‌ی آن زمان مجلس، مغایرت با اصل (۷۵) بود.

آقای علیزاده - بله، چون اشکال، مغایرت با اصل (۷۵) بود.

آقای یزدی - الآن ماده واحده را از اول بخوانید.

آقای علیزاده - مصوبه‌ی سابق مجلس به صورت «لایحه» مطرح شده بود. آقایان نمایندگان با پیشنهادی که دادند، عبارت «نیروهای انتظامی وزارت کشور» را به آن لایحه اضافه کرده بودند. برای همین ما در ایرادمان گفتیم که خلاف اصل (۷۵) است. آن مصوبه به مجمع رفت. مجمع گفت که به آنها هم بیمه بدهید. حالا خود دولت دارد می‌گوید من علاوه بر آن پرسنل، به بازنشستگان و وظیفه‌بگیران هم می‌خواهم بیمه‌ی عمر و حوادث بدهم. اینکه اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر این‌طور باشد، اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - سابقه‌ی این قانون را بیاورید.

آقای رهپیک - اینجا نوشته است که قبلاً «نیروهای انتظامی وزارت کشور» به لایحه‌ی دولت اضافه شده بود که شورای نگهبان ایراد مغایرت با اصل (۷۵) به آن گرفته است

→

می‌دهد: «ماده (۱) ماده واحده، چون نیروهای انتظامی وزارت کشور به لایحه دولت اضافه گردیده، موجب بار مالی و مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

۱. نامه‌ی شماره ۱۷۶۷/۰۱۰۱ مورخ ۱۳۷۶/۸/۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص تأیید لایحه اصلاح قانون راجع به بیمه افراد کادر ثابت ارتش و ژاندارمری در مقابل حوادث ناشیه که به مناسبت انجام وظیفه رخ می‌دهد: «بازگشت به نامه ۱۳۹۱- ق مورخ ۱۳۷۶/۷/۲ «لایحه اصلاح قانون افراد کادر ثابت ارتش و ژاندارمری» که در اجرای اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردیده بود، در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۷/۱۹ مجمع مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مصوبه مجلس شورای اسلامی تأیید گردید.»

و بعد به مجمع رفته است.^(۱)

آقای علیزاده - بله، معلوم است همین طور بوده است.

آقای مؤمن - می‌خواهید لایحه را بخوانید؟

آقای یزدی - نظر مجمع تشخیص را هم بخوانند.

آقای علیزاده - در همین جا نظر مجمع تشخیص هم هست.

آقای ره‌پیک - بله.

آقای مؤمن - لایحه‌ی دولت کجاست؟ باید تطبیق بکنیم.

آقای علیزاده - لایحه‌ی دولت این است. من می‌خوانم: «ماده واحده - در عنوان

قانون پس از واژه‌ی «پرسنل»، عبارت «و بازنشستگان و وظیفه‌بگیران» اضافه شده

و متن زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۱) قانون اضافه می‌شود:

تبصره ۲- بازنشستگان و وظیفه‌بگیران هر یک از صندوق‌های موضوع این ماده با

کسر و پرداخت نیم درصد از حقوق ماهانه آنها و پرداخت سهم دولت ... فقط

همین کار را کرده‌اند؟

آقای مؤمن - «... و ده درصد (۱۰٪) از حقوق آنها ...»؟!

آقای علیزاده - بله؟!

آقای مؤمن - نه، «... نیم درصد (۵/۰٪) ...»

آقای علیزاده - «... از حقوق ماهانه آنها ...».

آقای مؤمن - بله.

آقای علیزاده - «... و پرداخت سهم دولت همانند بازنشستگان کشوری، کماکان

عضو آن صندوق بوده و از مزایای مربوط برخوردار خواهند شد.»

آقای مؤمن - مجلس یک قسمت را در مصوبه‌ی خود حذف کرده است.

آقای یزدی - مصوبه‌ی مجلس، عین همین لایحه است دیگر.

آقای مؤمن - نه، مجلس یک مقداری از متن لایحه را حذف است.

آقای یزدی - ماده واحده هم همین است.

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده‌ی شورای نگهبان)، شماره ۹۵۰۱۰۰۳ مورخ

۱۳۹۵/۱/۱۷، صص ۱۶-۱۷، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/IQfj9

آقای مؤمن - «... و نیم درصد...» اینجا کم شده است. یک مقدار از متن تبصره (۲) را که خواندید، در مصوبه‌ی مجلس کم شده است.

آقای علیزاده - «... پرداخت نیم درصد از حقوق ماهانه آنها و پرداخت سهم دولت...» در لایحه و مصوبه هم عیناً آمده است.

آقای مؤمن - عضو آن صندوق بودن هم در لایحه‌ی دولت بود که مجلس آن را در مصوبه‌ی خود برداشته است.

آقای علیزاده - مجلس در مصوبه‌ی خود گفته است: «... و عضو آن صندوق محسوب ... می‌شوند.» این هم که اشکالی ندارد. لایحه‌ی دولت هم گفته است: «... کماکان عضو آن صندوق بوده...».

آقای مؤمن - مجلس این عبارت را حذف کرده است. مصوبه‌ی مجلس نمی‌گوید که بازنشستگان و وظیفه‌بگیران «کماکان» عضو آن صندوق هستند.

آقای یزدی - مجلس کلمه‌ی «کماکان» را نیاورده است؛ ولی گفته است: «... عضو آن صندوق محسوب و از مزایای مربوط برخوردار می‌شوند.»

آقای علیزاده - چرا؛ مجلس در مصوبه‌ی خود «عضو بودن» را جلوتر برده است: «... و پرداخت سهم دولت، عضو آن صندوق بوده...». لایحه‌ی دولت هم می‌گوید: «... و پرداخت نیم درصد از حقوق ماهانه آنها و پرداخت سهم دولت همانند بازنشستگان کشوری، کماکان عضو آن صندوق بوده...».

آقای مؤمن - مصوبه‌ی مجلس این قسمت را ندارد.

آقای مدرسی یزدی - لایحه‌ی دولت فقط اینهایی را که تازه بازنشسته می‌شوند، در بر می‌گیرد؛ اما مصوبه‌ی مجلس اعم از فردی است که تازه بازنشسته شده‌اند.

آقای مؤمن - بله، لایحه این قسمت «عضو صندوق محسوب می‌شود» را ندارد.

آقای یزدی - مصوبه‌ی مجلس هم این قسمت را دارد: «... عضو آن صندوق محسوب و از مزایای مربوط برخوردار می‌شوند.» مصوبه‌ی مجلس، عین همین متن لایحه‌ی دولت است.

آقای علیزاده - مجلس عین همین متن لایحه را در مصوبه‌ی خود گفته است. لایحه‌ی دولت گفته است: «... عضو آن صندوق بوده...». مصوبه‌ی مجلس عبارت را آورده اصلاح کرده است.

آقای یزدی - بله، مجلس عبارت لایحه را اصلاح کرده است.

آقای مؤمن - مصوبه‌ی مجلس، عبارت «کماکان» را ندارد.

آقای مدرسی یزدی - لایحه‌ی دولت می‌گوید که آن بازنشستگان و وظیفه‌بگیران، کماکان عضو آن صندوق هستند؛ یعنی کسانی که الآن بازنشسته می‌شوند، می‌توانند با پرداخت آن مبلغ، عضو صندوق باقی بمانند. این مصوبه‌ی مجلس می‌گوید نه، اگر کسی بیست سال پیش‌تر هم عضو صندوق بوده و الآن بازنشسته شده است و عضو آن صندوق نیست، ابتدائاً می‌تواند عضو آن صندوق بشود.

آقای مؤمن - معلوم است دیگر. بازنشستگان عضو آن صندوق نیستند.

آقای علیزاده - اصلاً نمی‌شود که بازنشستگان و وظیفه‌بگیران، عضو آن صندوق نباشند.

آقای مؤمن - چرا نمی‌شود؟

آقای علیزاده - این مصوبه نیامده است که جلوی عضویت آنهایی را که قبلاً بازنشسته شده بودند، بگیرد. این مصوبه آمده است که بگوید هیچ فرقی نکرده است.

آقای ره‌پیک - مصوبه اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - آن فرمایشی که شما می‌گویید یعنی دولت به افرادی که در گذشته بازنشسته شده‌اند، بیمه بدهد، ولی به افرادی که جدیداً بازنشسته می‌شوند، بیمه ندهد. **آقای مدرسی یزدی -** نه، مصوبه‌ی مجلس بازنشستگان گذشته و بازنشستگان جدید را به طریق اولی شامل می‌شود. بازنشستگان گذشته را شامل می‌شود، بازنشستگانی هم که لایحه‌ی دولت می‌گوید، شامل می‌شود. اما لایحه‌ی دولت فقط بازنشستگان جدید را می‌گوید.

آقای یزدی - ... نه دیگر، تبصره (۲) اطلاق دارد. می‌گوید: «بازنشستگان و وظیفه‌بگیران هر یک از صندوق‌های موضوع این ماده با کسر و پرداخت نیم درصد (۰/۵٪) از حقوق آنها و پرداخت سهم دولت، عضو آن صندوق محسوب و از مزایای مربوط برخوردار می‌شوند.» معطل نکنید. این مصوبه ایرادی ندارد.

آقای علیزاده - تبصره (۲) گفته است: «بازنشستگان و وظیفه‌بگیران هر یک از صندوق‌های موضوع این ماده ...»؛ شامل بازنشستگان گذشته هم می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای یزدی - بله، تبصره (۲) مصوبه‌ی مجلس همین‌طور است. اطلاقش شامل آنها هم می‌شود.

آقای علیزاده - خب، دولت هم همین را گفته است.

آقای مدرسی یزدی - نه، لایحه‌ی دولت این را نگفته است.

آقای علیزاده - بله، دولت گفته است: «بازنشستگان و وظیفه‌بگیران هر یک از صندوق‌های موضوع این ماده با کسر و پرداخت نیم درصد از حقوق ماهانه آنها و پرداخت سهم دولت، همانند بازنشستگان کشوری کماکان عضو آن صندوق بوده ...»
آقای مدرسی یزدی - تعبیر «کماکان» آمده است؛ یعنی [آن افرادی که می‌خواهند بعد از بازنشستگی عضو صندوق باشند،] باید الآن عضو آن صندوق باشند.

آقای علیزاده - لایحه‌ی دولت همین را گفته است. لایحه‌ی دولت هم می‌گوید افرادی که عضو آن صندوق بوده‌اند، کماکان هم عضو آن صندوق هستند.

آقای مؤمن - بله.

آقای یزدی - مصوبه‌ی مجلس هم الآن دارد می‌گوید که آن بازنشستگان و وظیفه‌بگیران، عضو آن صندوق هستند.

آقای مدرسی یزدی - پس مجلس در تغییر متن لایحه، چه کرده است؟

آقای علیزاده - هیچ؛ یک چیزهایی را که در متن لایحه اضافه نوشته شده بود، کم کرده است.

آقای یزدی - این مصوبه بحثی ندارد. مصوبه‌ی مجلس هم دارد می‌گوید که بازنشستگان و وظیفه‌بگیران عضو صندوق هستند و آن سهم صندوق را پرداخت می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - الآن این مصوبه می‌خواهد چه کار کند؟ الآن می‌خواهد چه کار کند؟

آقای علیزاده - این مصوبه می‌خواهد شامل بازنشستگان و وظیفه‌بگیران بشود. در حالی که قبلاً این قانون شامل آنها نمی‌شد.

آقای مدرسی یزدی - پس چطور می‌گویید اینها الآن عضو آن صندوق هستند؟

آقای علیزاده - آنها عضو صندوق بوده‌اند، ولی این امتیاز را به آنها نمی‌دادند.

آقای مدرسی یزدی - یعنی چه که عضو بوده‌اند، ولی مزایا را به آنها نمی‌دادند؟

آقای ابراهیمیان - نه، عضو نبوده‌اند.

آقای رهپیک - نه، این صندوق کارهای مختلفی می‌کند. الآن این مصوبه برای آنها بیمه‌ی عمر و حوادث را هم اضافه کرده است.

آقای علیزاده - این مصوبه، یک بیمه‌ی عمر و حوادث اضافه کرده است. آن صندوق یک کارهای دیگری هم انجام می‌دهد.

آقای ابراهیمیان - فقط بیمه‌ی عمر اضافه کرده است.

آقای رهپیک - صندوق وام هم می‌دهد، کارهای دیگر هم می‌کند. الآن به آن مزایا، بیمه‌ی عمر را اضافه کرده‌اند.

آقای علیزاده - بله، دستور بعدی را بفرمایید.

آقای ابراهیمیان - در این صورت یک مشکلی پیش نمی‌آید؟ چون در اصل ماده هست که آنها در قبال حوادثی که به مناسبت انجام وظیفه‌شان رخ می‌دهد، بیمه می‌شوند.^(۱) منتها فرد بازنشسته دیگر وظیفه‌ای طبق قانون ندارد.

آقای علیزاده - خب، حالا دولت می‌خواهد این بیمه را بدهد؛ چون دولت لایحه داده است. ما بگوییم اشکال دارد؟

آقای ابراهیمیان - نه، دولت آنها را بیمه بکند؛ ولی خب چه چیزی به آنها بدهد؟ دولت از بازنشستگان حق بیمه بگیرد که اگر چه اتفاقی افتاد، به آنها بیمه بدهد؟

آقای رهپیک - بیمه‌ی عمر است دیگر. طبق قراردادی است که دولت با بازنشستگان می‌بندد.

آقای علیزاده - بیمه‌ی عمر است. دولت به بازنشستگان می‌گوید ای کسی که اینجا

۱. بند (۲) ماده واحده قانون اصلاح قانون راجع به بیمه افراد کادر ثابت ارتش و ژاندارمری در مقابل حوادث ناشیه که به مناسبت انجام وظیفه رخ می‌دهد مصوب ۱۳۷۶/۷/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «۲- ماده (۱) قانون یادشده، به شرح زیر تغییر می‌یابد:

ماده ۱- وزارتین دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و کشور مکلفند از طریق تشکیل صندوق‌های بیمه در نیروهای مسلح مربوطه، کلیه پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی و سازمان‌های تابعه یا وابسته به آنها را- اعم از کادر ثابت، وظیفه، پیمانی و بسیجی ویژه را در قبال شهادت، فوت، بیماری صعب‌العلاج، نقص عضو و ازکارافتادگی- اعم از آنکه در زمان صلح یا بحران‌ها و عملیات داخلی و دفاع از مرزها یا سایر موارد در ارتباط با مأموریت‌ها و وظایف سازمانی یا غیر از آن در تمام ساعات شبانه‌روز اتفاق بیفتد، براساس مقررات این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن بیمه کند.»

مشغول به کار شدی، وقتی از دنیا رفتی، بیا ...

آقای ابراهیمیان - درست است.

آقای علیزاده - ... آن وقت می‌گویند بیمه‌ی عمر را به چه کسانی بدهند.

آقای ابراهیمیان - نه، بیماری هم جزء آن مزایا است.

آقای علیزاده - این مصوبه اشکالی ندارد.

آقای ابراهیمیان - درست است.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۱۷۸ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۷۰/۹۰۶۵۶ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵، لایحه اصلاح قانون بیمه عمر و حوادث پرسنل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های تابعه یا وابسته به آنها مصوب جلسه مورخ هفدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

لایحه اعتبار اسناد عادی وام‌های پرداختی شرکت‌های تعاونی روستایی، عشایری و

صیادی به اعضا

منشی جلسه - «لایحه اعتبار اسناد عادی وام‌های پرداختی شرکت‌های تعاونی روستایی، عشایری و صیادی به اعضا»^(۱)

ماده واحده- اسناد و قراردادهای مربوط به وام‌ها و سپرده‌های مردمی اعتبارات اعم از قرض‌الحسنه‌ها و سایر عقود اسلامی پرداختی اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی روستایی، تولید و صندوق تعاون روستایی ایرانیان، کشاورزی، عشایری، صیادی، صنایع روستایی و فرش به اعضا مشروط بر اینکه اصل مبلغ وام از پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تجاوز ننماید، در حکم اسناد رسمی تلقی می‌شود و از حیث اجرا، تابع مفاد آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی است.

تبصره ۱- دولت مجاز است در صورت لزوم بنا به پیشنهاد وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی و متناسب با نرخ تورم نسبت به تغییر مبلغ مذکور اقدام کند.

تبصره ۲- در صورت انکار اصل وام و یا ادعای بازپرداخت آن از طرف وام‌گیرنده، اجرای آن موکول به رأی دادگاه صالح است.

تبصره ۳- قانون اعتبار اسناد عادی وام‌های پرداختی شرکت‌های تعاونی روستایی، عشایری و صیادی به اعضا مصوب ۱۳۶۵/۱/۱۷ و اصلاحات بعدی آن لغو می‌شود.»

۱. لایحه اعتبار اسناد عادی وام‌های پرداختی شرکت‌های تعاونی روستایی، عشایری و صیادی به اعضا که ابتدائاً با عنوان «لایحه اصلاح قانون اعتبار اسنادی وام‌های پرداختی شرکت‌های تعاونی روستایی، عشایری و صیادی به اعضا - مصوب ۱۳۶۵- و قانون اصلاح قانون مذکور - مصوب ۱۳۷۱» مطرح شده بود، در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۱۴ به تصویب هیئت وزیران رسید و برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. این لایحه پس از ارسال به مجلس، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۷ با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۸۸/۹۰۶۵۰ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۲/۱۷۷ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

آقای ره‌پیک - این مصوبه ظاهراً دو تا تغییر در قانون سابق داده است. یکی اینکه حداکثر مبلغ وام دو میلیون تومان را پنج میلیون تومان کرده است. یکی هم اختیار تغییر مبلغ مذکور را [در سال‌های بعدی] با توجه به نرخ تورم به دولت داده است.

آقای علیزاده - اشکالی ندارد.

آقای ره‌پیک - فقط یک اشکال وجود دارد.

آقای علیزاده - این احکام ظاهراً چیز جدیدی نیست. مقدار مبلغ را تغییر داده است.

آقای ره‌پیک - اختیار تغییر مبلغ را هم به خود دولت داده است.

آقای علیزاده - بله، اختیار را هم به دولت داده است؛ برای اینکه هر روز دولت به مجلس لایحه در این رابطه نبرد. اگر تورم بالا رفت، دولت این مبلغ را هم کمی اضافه کند.

آقای ره‌پیک - فقط «آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی» درست است. اینجا در ذیل ماده واحده نوشته است: «آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی».

آقای علیزاده - درست است.

منشی جلسه - چون ایراد نگرفتیم، دیگر این تذکر لازم نیست.

آقای ره‌پیک - باید بگوییم اصلاح کنند.

آقای علیزاده - دیگر ایراد نگیریم. بگوییم «آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی» صحیح است تا آن را درست کنند.

منشی جلسه - تذکر بدهیم؟

آقای علیزاده - تذکر بدهید. بگویید این مصوبه اشکالی نداشت. «اجرایی» هم تصحیح شود. تذکر بدهید که «اجرایی» بدل به «اجرایی» شود. این یک تذکر است؛ اشکال که نیست.

آقای مؤمن - این عبارت کجاست؟

آقای علیزاده - مجلس «آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی» نوشته است. باید به جای آن، عبارت «آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی» بنویسند.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۱۷۷ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۸۸۹۰۶۵۰ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵، لایحه اعتبار اسناد عادی وام‌های پرداختی شرکت‌های تعاونی روستایی، عشایری و صیادی به اعضا» مصوب جلسه مورخ هفدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون سلسلی شناخته نشد
تذکر:

- در ماده واحده، عبارت «آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی» به «آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی» اصلاح گردد.»

طرح الحاق یک تبصره به ماده (۲۲) قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

منشی جلسه - «طرح الحاق یک تبصره به ماده (۲۲) قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران»^(۱)

ماده واحده - یک تبصره به شرح زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۲۲) قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷/۲/۸^(۲) الحاق می‌شود:

تبصره ۲ - حضور کارکنان دستگاه‌های اجرایی که با فراخوان جمعیت هلال احمر و موافقت دستگاه مربوطه در حوادث ملی، منطقه‌ای و استانی در امر امداد رسانی و مقابله با بلاها و حوادث طبیعی غیر مترقبه به عنوان امدادگر و داوطلب فعال شرکت می‌کنند، مأموریت اداری بدون دریافت حق مأموریت تلقی می‌شود. پرداخت هرگونه وجهی تحت هر عنوان به امدادگران و داوطلبانی که با اختیار خود و با تکمیل فرم خدمت داوطلبانه با جمعیت همکاری می‌نمایند، مشمول قوانین کار و تأمین اجتماعی نمی‌باشد و دعوی آنان در هیئت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما و دیوان عدالت اداری قابل طرح نیست. آیین‌نامه اجرایی این تبصره ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط جمعیت هلال احمر تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای ره‌پیک - این کارمندان الآن باید برای امداد رسانی مرخصی بگیرند؛ اما الآن در این مصوبه تبدیل به مأموریت اداری شده است.

۱. طرح الحاق یک تبصره به ماده (۲۲) قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۰۳/۹۰۶۴۳ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۲/۱۷۹ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. ماده (۲۲) قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷/۲/۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۲ - خدمت در جمعیت افتخاری است، مگر در مورد پست‌هایی که بنا به دلایل اداری و تشکیلاتی و یا به موجب قوانین و مقررات کادر ثابت و حقوق‌بگیر لازم داشته باشند. تبصره - جمعیت موظف است ظرف (۵) سال نیروهای زائد خود را بازخرید یا بازنشسته نموده و حتی‌المقدور از افراد داوطلب خدمت افتخاری به صورت تمام‌وقت یا نیمه‌وقت استفاده نماید.»

آقای مدرسی یزدی - مصوبه مشکلی ندارد.

آقای سوادکوهی - به نفعشان شده است.

آقای علیزاده - الآن که دولت چیزی به آن داوطلبان نمی‌دهد؛ بعد بگوییم مرخصی هم بگیرند؟!

آقای رهپیک - بله دیگر، چون داوطلبانه هم بوده است، [نباید از حق مرخصی کارمندان استفاده شود].

آقای مدرسی یزدی - ولی خوب، این طوری هم ممکن است از این امتیاز سوء استفاده بشود.

آقای سوادکوهی - بله، چون این مأموریت، موافقت دستگاه اجرایی را می‌خواهد.

آقای علیزاده - موافقت دستگاه اجرایی را اینجا نوشته است؟

آقای سوادکوهی - چرا.

آقای رهپیک - چرا؛ نوشته است.

آقای مدرسی یزدی - برای اینکه یک کسی را برای امداد رسانی بفرستند، موافقت دستگاه‌های اجرایی را می‌خواهند.

آقای سوادکوهی - بله.

آقای علیزاده - خوب، دستگاه اجرایی که موافقت می‌کند. موافقت خود داوطلب را می‌خواهد یا دستگاه اجرایی را؟

آقای سوادکوهی - دستگاه اجرایی.

آقای رهپیک - دستگاه اجرایی باید موافقت کند.

آقای علیزاده - خوب، اگر دستگاه اجرایی باید موافقت کند که خوب است. اگر آن مأموریت الکی باشد، داوطلب را نمی‌فرستند.

آقای سوادکوهی - بله، نمی‌فرستند.

آقای مدرسی یزدی - خوب بله دیگر.

آقای علیزاده - حالا در مورد احتمال سوء استفاده باید مدیر متخلف را عوض کنند. این مصوبه اشکالی ندارد.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۱۷۹ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۰۳/۹۰۶۴۳ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵، طرح الحاق یک تبصره به ماده (۲۲) قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه مورخ شانزدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد»

طرح الحاق یک تبصره به ماده (۵۰۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)

منشی جلسه - «طرح الحاق یک تبصره به ماده (۵۰۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)^(۱)»

[ماده واحده - متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۵۰۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ اضافه می‌شود: تبصره - افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و مددجویان مستمری‌بگیر سازمان بهزیستی کشور با ارائه کارت مددجویی و تأییدیه رسمی مراجع مزبور از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌باشند.]

آقای عزیزاده - این مصوبه بار مالی ندارد؟

آقای مدرسی یزدی - نه، چون قانون‌گذار قبلاً در قانون^(۲) گفته است که هر کسی که اعسار دارد، می‌تواند ادعا کند. اگر دادگاه آن را پذیرفت، قانون می‌گوید که چه بشود. **آقای سوادکوهی -** نه، این مصوبه دارد آنها [= افراد تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) و مددجویان مستمری‌بگیر سازمان بهزیستی] را از پرداخت هزینه‌ی دادرسی معاف می‌کند.

آقای عزیزاده - آقایان [در پژوهشکده‌ی شورای نگهبان] می‌فرمایند این مصوبه حتی

۱. طرح الحاق یک تبصره به ماده (۵۰۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۷۳/۹۰۶۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۲/۱۷۶ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. ماده (۵۰۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۰۵ - ادعای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی ضمن درخواست نخستین یا تجدید نظر یا فرجام مطرح خواهد شد. طرح این ادعا به موجب درخواست جداگانه نیز ممکن است. اظهار نظر در مورد اعسار از هزینه تجدیدنظرخواهی و یا فرجام‌خواهی با دادگاهی می‌باشد که رأی مورد درخواست تجدید نظر و یا فرجام را صادر نموده است.»

بار مالی را کم می‌کند.^(۱)

آقای سوادکوهی - چرا؟

آقای علیزاده - برای اینکه اگر کسی برود و بگوید من تحت اعسار هستم، [خودش هزینه دارد]. قاضی می‌گوید که آن آقا نزد من بیاید و هزینه‌ی دادرسی را بدهد. آن فرد می‌گوید من معسر هستم. قاضی می‌گوید: چرا؟ آن فرد می‌گوید ببینید؛ این کارت مددجویی من است. آیا قاضی به او حکم اعسار می‌دهد یا نمی‌دهد؟

آقای سوادکوهی - نه، ممکن است که قاضی حکم اعسار به او ندهد.

آقای علیزاده - «ممکن است ندهد» در کار نیست.

آقای سوادکوهی - خب، آن فرد هزینه‌ی دادرسی را نمی‌دهد.

آقای علیزاده - پس هم وقت دادگستری کمتر گرفته می‌شود، هم خرج دادگستری کمتر می‌شود. به نظر من، این‌طوری است.

آقای اسماعیلی - الآن این مصوبه دارد می‌گوید اجباراً از این افراد هزینه‌ی دادرسی دریافت نشود.

آقای مدرسی یزدی - به درخواست کسی که ادعای اعسار دارد، رسیدگی می‌شود.

آقای علیزاده - ولی این معسر را قانون دارد تشخیص می‌دهد. این اشکالی دارد؟

آقای اسماعیلی - خود دادگاه به درخواست اعسار رسیدگی می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - با این مصوبه گویا به این درخواست اعسار رسیدگی شده است.

یعنی مددجویان کمیته‌ی امداد بدون رسیدگی معسرند.

۱. «در این خصوص مسئله قابل توجه این است که این امر به جهت تقلیل درآمد عمومی و معلوم طریق جبران کاهش درآمد، می‌تواند مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شود. اما از سوی دیگر می‌توان گفت از آنجایی که هم‌اکنون مطابق قانون، افراد معسر از پرداخت هزینه دادرسی معاف گردیده‌اند، بر اساس حکم قانون‌گذار افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) و مددجویان مستمری‌بگیر سازمان بهزیستی کشور نیز در واقع همان معسر شناخته شده‌اند و لذا مصوبه حاضر واجد حکم جدیدی نمی‌باشد. به عبارت دیگر قانون‌گذار در خصوص موضوع این مصوبه به جای اینکه صلاحیت تشخیص معسر را به دادگاه محول نماید، مصادیق خاصی را صراحتاً مشمول عنوان معسر دانسته است؛ و لذا مصوبه اصلاحی منجر به کاهش درآمد عمومی دولت نشده است.» (نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۵۰۱۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۷، ص ۲۲-۲۳،

آقای ابراهیمیان - خوب است.

آقای سوادکوهی - نه، این طور که نمی شود؛ مثلاً اگر یکی از آنها حتی یک دعوای ده میلیاردی هم مطرح کند، [از او هیچ هزینه ای دریافت نمی شود]!

آقای علیزاده - آنها چنین دعوایی ندارند.

آقای مدرسی یزدی - ایراد شرعی دارد؟

آقای اسماعیلی - بعد هم همه می آیند طرح دعوا می کنند و مصیبتی می شود.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، شما فقط می توانید اشکال مغایرت با اصل (۷۵) بگیرید.

آقای سوادکوهی - بله.

آقای اسماعیلی - ما هم همان را می گوئیم.

آقای علیزاده - نه، مغایرت ندارد.

آقای مدرسی یزدی - این مصوبه با اصل (۷۵) مغایرت ندارد.

آقای سوادکوهی - چرا؛ مغایرت دارد.

آقای اسماعیلی - ما همان ایراد مغایرت با اصل (۷۵) را داریم.

آقای علیزاده - ایراد ندارد.

آقای سوادکوهی - ایراد دارد. اما ظاهراً، این ایراد رأی لازم را ندارد. فقط آقای دکتر اسماعیلی به این ایراد رأی می دهند.

آقای علیزاده - این افراد تحت پوشش کمیته ای امداد هستند. معلوم است که اینها نیازمند هستند. شما در [ماده (۵۰۵)] قانون به نیازمند می گوئید که تو هزینه ای دادرسی را نده. حالا می گوئید که این نیازمند حتماً باید نزد قاضی برود و اثبات بشود که نیازمند است؟

آقای اسماعیلی - بله.

آقای علیزاده - اعسار او با همین مدرکی که آن فرد نزد قاضی ببرد، اثبات می شود که من تحت پوشش هستم. این چه اشکالی دارد؟

آقای اسماعیلی - اشکالش این است که دارد یک عده ای را رسماً [از پرداخت هزینه ای دادرسی] خارج می کند.

آقای علیزاده - این طور نیست.

- آقای سوادکوهی -** این مصوبه، طرح بوده است. اگر لایحه بود، اشکالی نداشت.
- آقای علیزاده -** اولاً، هم این مصوبه یک کاری را از دادگستری کم کرده است، هم ...
- آقای سوادکوهی -** ... نه، چه کاری را کم کرده است؟ این مصوبه دارد پرونده‌هایی را که باید بابت آن، هزینه‌ی دادرسی بپردازند، معاف می‌کند. این نکته خیلی مهم است.
- آقای مؤمن -** ولی مهم این است که اگر قاضی بگوید نه، آن فرد معسر نیست، دادگاه هزینه‌ی دادرسی را می‌گیرد.
- آقای اسماعیلی -** بله، هزینه‌ی دادرسی را می‌گیرند.
- آقای علیزاده -** ایشان یک استدلالی کرد، گفت همین آقای تحت پوشش کمیته‌ی امداد درخواست اعسار می‌کند، بعد ...
- آقای اسماعیلی -** بله، به درخواست اعسار رسیدگی می‌شود. الآن این مصوبه می‌گوید که بدون رسیدگی به درخواست اعسار، هزینه‌ی دادرسی را از این افراد نگیر؟!
- آقای مدرسی یزدی -** خب، چون معسر هستند.
- آقای علیزاده -** اتفاقاً این طوری بهتر است. مصوبه، خرج دادگاه را کمتر می‌کند.
- آقای سوادکوهی -** خب، این طوری باشد، می‌رویم از کمیته‌ی امداد یک برگه می‌گیریم و بعدش می‌رویم دعوی ده‌میلیاردی طرح می‌کنیم.
- آقای علیزاده -** کمیته‌ی امداد که همین طوری افراد را تحت پوشش خود نمی‌برد.
- آقای سوادکوهی -** چرا.
- آقای مدرسی یزدی -** چنین چیزی را همین طوری به کسی نمی‌دهد.
- آقای اسماعیلی -** چرا.
- آقای سوادکوهی -** حالا شما فرض کنید که آمد و همین طوری داد.
- آقای مدرسی یزدی -** کمیته‌ی امداد همین طوری به کسی کارت نمی‌دهد. اگر این طوری باشد، تخلف کرده است.
- آقای سوادکوهی -** الآن برای طرح دعوا ممکن است که همه‌ی تهرانی‌ها بروند و کارت [مددجویی یا کمیته‌ی امداد] بگیرند.
- آقای علیزاده -** نه.
- آقای مدرسی یزدی -** همین طوری به کسی کارت نمی‌دهند.
- آقای سوادکوهی -** چرا شما می‌فرمایید نمی‌دهند؟

آقای مدرسی یزدی - شما اگر توانستید، بروید بگیرید.

آقای سوادکوهی - چرا؛ می شود گرفت. از حالا [= بعد از قانونی شدن مصوبه] دیگر چنین کارتی می ارزد. چرا؟ چون افراد می توانند با آن، معافیت از پرداخت هزینه دادرسی بگیرند. قبلاً ارزشی نداشت.

آقای یزدی - کجای تبصره‌ای که اضافه شده است، اشکال دارد؟ می گوید: «... با ارائه کارت مددجویی و تأییدیه رسمی مراجع مزبور از پرداخت هزینه دادرسی معاف می باشند.» اشکال این تبصره چیست؟

آقای اسماعیلی - الآن عرض می کنم. الآن مددجویان کمیته‌ی امداد که می روند طرح دعوا می کنند، باید هزینه‌ی دادرسی پردازند، مگر اینکه ادعای اعسار کنند. دادگاه باید به درخواست اعسار آنها رسیدگی کند و بگوید باشد.

آقای یزدی - ولی الآن این مصوبه می آید، کار را برای دادگاه‌ها سبک تر می کند.

آقای اسماعیلی - این مصوبه می گوید که دادگاه به درخواست اعسار آنها رسیدگی نکنند. این مصوبه که می گوید رسیدگی نکن، یعنی از الآن به بعد، منجزاً تمام این افراد دیگر معاف از پرداخت هزینه‌ی دادرسی هستند و نباید بدهند. این یک ایراد است. دوم اینکه ...

آقای عزیزاده - ... و منجزاً هم این افراد محتاج هستند. این را هم بگویید.

آقای یزدی - فرض بر این است که این افراد زیر پوشش کمیته‌ی امداد هستند.

آقای رهپیک - بله.

آقای اسماعیلی - مسأله‌ی بعدی این است که وقتی شما رسماً همه‌ی این افراد را طبق قانون از پرداخت هزینه‌ی دادرسی معاف کردی، اینها تشویق می شوند که بروند و خیلی از دعوای بیخودی طرح کنند. الآن همین طوری [ما در قوه‌ی قضائیه بیش از حد پرونده داریم].

آقای مدرسی یزدی - دادگاه‌ها دعوای بیخودی را نمی پذیرند.

آقای اسماعیلی - چه دعوایی را نمی پذیرد؟! باید آن دعوا را بپذیرد، رسیدگی کند، بعد بگوید: نه.

آقای عزیزاده - [در صورت محکوم شدن] باید خسارت طرف مقابل را بدهد.

آقای اسماعیلی - دادگاه باید درخواست آن فرد را تحویل بگیرد، به آن رسیدگی کند،

- بعد بگوید نه. این فرایند برای دادگاه وقت گیر است؛ مشکل ایجاد می کند.
- آقای یزدی -** یعنی مثلاً شک می کند که کارت مددجویی این فرد تقلبی است یا درست است.
- آقای اسماعیلی -** نه.
- آقای شبزنده دار -** این مصوبه موجب کاهش درآمد دولت است.
- آقای یزدی -** داشتن کارت امداد معنایش این است که من هزینه ی زندگی روزمره ام را ندارم. این هم کارتم است.
- آقای سوادکوهی -** این مصوبه، موجب کاهش درآمد دولت است.
- آقای اسماعیلی -** بله، موجب کاهش درآمد دولت می شود.
- آقای علیزاده -** موجب کاهش درآمد نیست.
- آقای اسماعیلی -** اگر این مصوبه از طرف دولت بود، ایرادی نداشت.
- آقای علیزاده -** اتفاقاً این مصوبه خرج دولت را هم کم می کند.
- آقای مدرسی یزدی -** حالا من یک شبهه ی دیگری دارم. این دو نهاد، همیشه آدم های فقیر را تحت پوشش ندارند.
- آقای رهپیک -** چرا؛ مددجویانش فقیر هستند. مددجو فقیر است.
- آقای علیزاده -** همه ی مددجویان فقیر هستند.
- آقای مدرسی یزدی -** بله.
- آقای رهپیک -** قانون می تواند بیاید بگوید یک جایی اعمار مددجو را کارشناسی کند و بگوید این آدم معسر است یا نه. اگر گفت که معسر است، من دادگاه بگویم که او معسر است.
- آقای یزدی -** [کمیته ی امداد و سازمان بهزیستی] یک بخش کارشناسی دارند که فقیر را تشخیص می دهد.
- آقای علیزاده -** کمیته ی امداد کارشناس دارد.
- آقای رهپیک -** مصوبه می گوید که این مراجع، تأییدیه ی رسمی بدهند.
- آقای مؤمن -** نه، معلوم نیست.
- آقای اسماعیلی -** در صورتی که این مصوبه، لایحه بود، حرف شما درست بود.
- آقای یزدی -** کارت مددجویی را که به همه نمی دهند.

آقای عزیزاده - موضوع بحث بین طرفین روشن است. ما این ایراد را رأی می‌گیریم. هر کس این ماده واحده را خلاف اصل (۷۵) می‌داند، بفرماید.

آقای مؤمن - شما چطور مغایر اصل (۷۵) نمی‌دانید؟

آقای عزیزاده - من رأی نمی‌دهم.

آقای مؤمن - چرا؟

آقای عزیزاده - من می‌گویم که اتفاقاً این مصوبه خرج دولت را کم می‌کند. یک دعوی اعسار کمتری در دادگستری مطرح می‌شود.

آقای مؤمن - نه، فرد مدعی اعسار باید پول دعوی اعسار را بدهد.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای عزیزاده - دعوی اعسار که نیاز به پرداخت پول ندارد. اگر فردی الآن بیاید و بگوید من معسر هستم، [نیاز به پرداخت پول ندارد].

آقای مؤمن - فرد که ادعای اعسار می‌کند، اول باید هزینه‌ی دادرسی را بدهد.

آقای یزدی - این مصوبه، اصلاً کاری به اعسار و عدم اعسار ندارد. به هر کسی که کارت مربوط به کمیته‌ی امداد داشته باشد، [این امتیاز معافیت را داده است].

آقای عزیزاده - من در دادگستری که بودم و آقایانی که در دادگستری هستند، [همه می‌دانیم که فرایند ادعای اعسار چطور است]. وقتی طرف می‌آید دادخواست می‌دهد، همان‌جا در ضمن آن دادخواست، ادعای اعسار از پرداخت هزینه‌ی دادرسی می‌کند. اول، دادگاه به این دعوی اعسار او رسیدگی می‌کند. اگر قبول کرد، حل می‌شود. اگر درخواست اعسار او را رد کرد، این آقا درخواست تجدید نظر می‌کند. به درخواست او دوباره رسیدگی می‌شود. این دعوا این مقدار در دادگاه معطل می‌ماند. بعد تازه دادگاه می‌گوید حالا تازه بیا و اصل دعوا را مطرح کن. آن آقا می‌گوید من مددجوی کمیته‌ی امداد هستم و این دعوا را دارم. اگر حکم به نفع او صادر شود، او از هزینه‌ی دادرسی معاف است. این طوری نیست که وقتی که حکم به نفع او صادر شد، هزینه‌ی دادرسی را از او بگیرند. هزینه‌ی دادرسی را از محکوم‌علیه می‌گیرند. بنابراین حقی از دولت ضایع نمی‌شود. اینکه شما می‌گویید که ممکن است یک کسی از این افراد ادعای اعسارش رد بشود، همه‌جا این امکان وجود دارد. ولی اصل بر این است که مددجو فقیر و معسر است.

آقای مؤمن - نه.

آقای یزدی - چون مددجویان کارت رسمی دارند.

آقای مؤمن - صرف اینکه کمیته‌ی امداد یا سازمان بهزیستی کشور به او کارت امداد داده باشد، این‌طور نیست که او واقعاً فقیر باشد. ممکن است که ...

آقای علیزاده - اصل بر این است که دارنده کارت، فقیر است.

آقای مؤمن - نه، اصل بر این نیست. قول آنها است. اگر معنای عبارت تبصره این بود که این آدمی که از کمیته‌ی امداد کارت دارد، آدم فقیری است و افرادی هم که حکم بر اعسار او کردند، حکمشان مثل حکم بیّنه معتبر بود، بسیار خوب، [ایرادى نداشت]؛ و الّا طبق قاعده، وقتی این جهت که فرد معسر است، ثابت نباشد، [فرد باید هزینه‌ی دادرسی را بدهد]. فردی آمده در دادگستری طرح دعوا کرده است. وقتی طرح دعوا کرده است، باید هزینه‌ی دادرسی را به دادگستری بپردازد تا اینکه کار او حل بشود.

آقای علیزاده - به شرط اینکه داشته باشد.

آقای مؤمن - بسیار خوب، باشد؛ اگر دارد، بپردازد. اگر ندارد، ... آخر اینجا منوط نکرده است [که حتماً فقیر باشند].

آقای علیزاده - مگر کمیته‌ی امداد به چند نفر که فقیر نیستند، [به اشتباه] کارت می‌دهد. ببینید؛ این کارت مددجویی اماره است.

آقای مؤمن - نه، این‌طور نیست.

آقای علیزاده - چند نفر از این افرادی که کمیته‌ی امداد به آنها کارت مددجویی می‌دهد، فقیر نیستند؟ چند درصد از آن افراد راست می‌گویند؟

آقای مؤمن - ما نمی‌دانیم. خیلی‌ها فقیر هستند.

آقای علیزاده - خیلی از این افراد راست می‌گویند.

آقای مؤمن - ما نمی‌دانیم.

آقای علیزاده - ما می‌دانیم که اغلب این افراد راست می‌گویند.

آقای مؤمن - نه، اغلب که فقیر هستند.

آقای یزدی - صد درصد افراد تحت پوشش کمیته‌ی امداد فقیر هستند و کارت مددجویی هم بهترین اماره است. کارت مددجویی را بیخودی به یک نفر نمی‌دهند.

آقای مؤمن - نه، این‌طوری نیست.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که این ماده واحده و تبصره‌اش یعنی همین طرح مصوب را با این توضیحاتی که داده شد، خلاف اصل (۷۵) می‌دانند، رأی بدهند.

آقای مؤمن - بله، این مصوبه خلاف اصل (۷۵) است.

منشی جلسه - چهار نفر رأی دادند.

آقای یزدی - سه نفر رأی دادند.

آقای علیزاده - بسیار خب، این ایراد رأی نیاورد. طبق این مصوبه، یک دعوا در دادگستری کم شد. خیال ما راحت می‌شود.

آقای مؤمن - نه، این حرف‌ها چیست؟^(۱)

۱. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۱۷۶ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۷۳/۹۰۶۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ طرح الحاق یک تبصره به ماده (۵۰۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب جلسه مورخ هجدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

لایحه حمایت از حقوق معلولان (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «لایحه حمایت از حقوق معلولان»^(۱)

آقای رهپیک - این مصوبه‌ی حمایت از حقوق معلولان به صورت آزمایشی تصویب شده و کمیسیونی است. ما قبلاً چند مورد داشتیم که اگر قوانینی در موضوعی موجود است، نمی‌شود در آن موضوع، مصوبه‌ای به صورت کمیسیونی تصویب کرد.^(۲)

۱. لایحه حمایت از حقوق معلولان که ابتدائاً با عنوان «لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت» هیئت وزیران مطرح شده بود، در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۰ به تصویب این هیئت رسید و برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. این لایحه پس از ارسال به مجلس، طبق اصل (۸۵) قانون اساسی برای بررسی و تصویب به صورت آزمایشی، به کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون مشترک لایحه‌ی حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت واگذار شد که این کمیسیون، مفاد آن را در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۰ با اصلاحاتی به تصویب رساند. پس از آن، مجلس شورای اسلامی با اجرای آزمایشی آن به مدت پنج سال در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ موافقت کرد. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۶۰۹/۴۰۶ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ و ۱۳۹۵/۱/۲۵ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با قانون اساسی را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۵/۱۰۲/۲۴۹ مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۵ و ۹۶/۱۰۲/۳۹۵ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت با اصلاحات مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۲ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۷/۱۰۲/۴۸۳۳ مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. در این مورد به عنوان نمونه می‌توان به نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۶۶۹۵ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۴ شورای نگهبان در خصوص لایحه تجارت اشاره کرد: «نظر به اینکه طبق اصل (۸۵) قانون اساسی مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند، فقط در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض نماید، با توجه به اینکه قانون تجارت فعلی قانون دائمی است و امور مربوطه به طور طبیعی و عادی جریان دارد و خلأ قانونی به نحو کلی که جبران آن ضروری باشد، در این خصوص وجود ندارد و هیچ ضرورتی برای تصویب این مصوبه در کمیسیون به صورت آزمایشی بدون جری مراحل عادی قانونگذاری نیست، علاوه بر وجود ابهامات و اشکالات عدیده در این مصوبه با عنایت به مراتب مذکوره تصویب آن توسط کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی تشخیص داده شد.»

آقای یزدی - بله، درست است.

آقای رهپیک - این موضوع حمایت از حقوق معلولان الآن دو تا قانون مفصل دارد.^(۱) می‌خواهم بگویم که اگر شما اصل این ایراد را قبول دارید، [دیگر وارد بررسی مواد این مصوبه نشویم].

آقای اسماعیلی - یعنی ایشان می‌خواهد این مصوبه را ارتماسی رد کند.

آقای مدرسی یزدی - اگر این طور است، ما دیگر مواد مصوبه را بررسی نکنیم. به اصل این مصوبه، ایراد بگیریم.

آقای علیزاده - بررسی این مصوبه برای جلسه‌ی بعد باشد دیگر.

آقای رهپیک - بله.^(۲)

۱. «اولاً علاوه بر احکامی که مجلس شورای اسلامی در قوانین مختلف به منظور حمایت از حقوق معلولان به تصویب رسانده، هم‌اکنون «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» -مصوب ۱۳۸۳- و «قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» -مصوب ۱۳۸۷- که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده‌اند، دو نمونه از قوانینی هستند که به طور ویژه در زمینه حمایت از حقوق معلولان به تصویب رسیده و همچنان معتبرند و به صورت مفصل حقوقی را برای معلولان مشخص کرده و تکالیفی را بر عهده دولت قرار داده است؛ حال آنکه با توجه به ماده (۳۱) این مصوبه با تأیید مصوبه حاضر توسط شورای نگهبان، «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» که یک قانون دائمی است، نسخ می‌شود و این مصوبه که به صورت آزمایشی و برای مدت (۵) سال به تصویب رسیده، به جای آن حاکم می‌شود.» (نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده‌ی شورای نگهبان)، شماره ۹۵۰۱۰۰۳، مورخ

۱۳۹۵/۱/۱۷، صص ۲۵-۲۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/IPGPn)

۲. بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۵ شورای نگهبان ادامه یافته است.